

بسم الله الرحمن الرحيم



خلاصه گزارش تحقیق:

بررسی وضعیت موجود و مطلوب زنان در جمهوری
اسلامی ایران

خلاصه فازهای اول، دوم و سوم

تابستان ۱۳۸۹

شناسنامه پروژه:

عنوان پروژه:

بررسی وضعیت موجود و مطلوب زنان در جمهوری اسلامی ایران

کارفرما:

مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری

مجری:

مؤسسه فرهنگی پژوهشی کاوش نو

خلاصه فازهای اول، دوم و سوم

تابستان ۱۳۸۹



۵.....	فصل اول: کلیات تحقیق
۶.....	۱-۱- مقدمه
۹.....	۱-۲- طرح مسئله
۱۰.....	۱-۳- اهمیت و ضرورت تحقیق
۱۳.....	۱-۴- اهداف تحقیق
۱۳.....	۱-۴-۱- هدف کلی
۱۳.....	۱-۴-۲- اهداف جزئی
۱۴.....	۱-۵- سوالات تحقیق
۱۵.....	۱-۶- کلیات مبانی نظری
۲۱.....	۱-۷- سازمان بندی تحقیق
۲۳.....	فصل دوم: روش شناسی
۲۴.....	۲-۱- روش تحقیق
۲۹.....	۲-۲- تکنیکهای تحقیق
۳۰.....	۲-۳- منابع مطالعاتی تحقیق
۳۰.....	۲-۴- تجزیه و تحلیل داده ها
۳۵.....	فصل سوم: جایگاه علمی و آموزشی زنان
۳۶.....	۳-۱- پیش درآمد جایگاه علمی و آموزشی زنان
۳۷.....	۳-۲- مبانی نظری جایگاه علمی و آموزشی زنان
۴۱.....	۳-۳- چارچوب کلی مدل مفهومی جایگاه علمی و آموزشی زنان
۴۲.....	۳-۴- شاخص ها و زیرشاخص های جایگاه علمی و آموزشی زنان
۴۴.....	۳-۵- تحلیل جایگاه علمی و آموزشی زنان
۵۶.....	۳-۶- راهکارهای بهبود جایگاه علمی و آموزشی زنان
۵۷.....	فصل چهارم: جایگاه فرهنگی و هنری زنان
۵۸.....	۴-۱- پیش درآمد جایگاه فرهنگی و هنری زنان
۵۹.....	۴-۲- مبانی نظری جایگاه فرهنگی و هنری زنان
۶۱.....	۴-۳- چارچوب کلی مدل مفهومی جایگاه فرهنگی و هنری زنان
۶۲.....	۴-۴- شاخص ها و زیرشاخص های جایگاه فرهنگی و هنری زنان
۶۴.....	۴-۵- تحلیل جایگاه فرهنگی و هنری زنان
۷۳.....	۴-۶- راهکارهای بهبود جایگاه فرهنگی و هنری زنان

فصل پنجم: جایگاه اقتصادی و معیشتی زنان	۷۵
۵-۱- پیش درآمد جایگاه اقتصادی و معیشتی زنان.....	۷۶
۵-۲- مبانی نظری جایگاه اقتصادی و معیشتی زنان.....	۷۷
۵-۳- چارچوب کلی مدل مفهومی جایگاه اقتصادی و معیشتی زنان.....	۸۲
۵-۴- شاخص ها و زیرشاخص های جایگاه اقتصادی و معیشتی زنان.....	۸۳
۵-۵- تحلیل جایگاه اقتصادی و معیشتی زنان.....	۸۴
۵-۶- راهکارهای بهبود جایگاه اقتصادی و معیشتی زنان.....	۸۹
فصل ششم: جایگاه سیاسی و مدیریتی زنان	۹۰
۶-۱- پیش درآمد جایگاه سیاسی و مدیریتی زنان.....	۹۱
۶-۲- مبانی نظری جایگاه سیاسی و مدیریتی زنان.....	۹۲
۶-۳- چارچوب کلی مدل مفهومی جایگاه سیاسی و مدیریتی زنان.....	۹۵
۶-۴- شاخص ها و زیرشاخص های جایگاه سیاسی و مدیریتی زنان.....	۹۶
۶-۵- تحلیل جایگاه سیاسی و مدیریتی زنان.....	۹۷
۶-۶- راهکارهای بهبود جایگاه سیاسی و مدیریتی زنان.....	۱۰۲
فصل هفتم: جایگاه حقوقی زنان	۱۰۳
۷-۱- پیش درآمد جایگاه حقوقی زنان.....	۱۰۴
۷-۲- مبانی نظری جایگاه حقوقی زنان.....	۱۰۵
۷-۳- چارچوب کلی مدل مفهومی جایگاه حقوقی زنان.....	۱۰۶
۷-۴- شاخص ها و زیرشاخص های جایگاه حقوقی زنان.....	۱۰۷
۷-۵- تحلیل جایگاه حقوقی زنان.....	۱۱۰
۷-۶- راهکارهای بهبود جایگاه حقوقی زنان.....	۱۲۱
فصل هشتم: جایگاه خانوادگی و اجتماعی زنان	۱۲۲
۸-۱- پیش درآمد جایگاه زنان در خانواده و اجتماع	۱۲۳
۸-۲- مبانی نظری جایگاه زنان در خانواده و اجتماع	۱۲۴
۸-۳- چارچوب کلی مدل مفهومی جایگاه زنان در خانواده و اجتماع	۱۳۵
۸-۴- شاخص ها و زیرشاخص های جایگاه زنان در خانواده و اجتماع	۱۳۶
۸-۵- تحلیل جایگاه زنان در خانواده و اجتماع	۱۳۹
۸-۶- راهکارهای بهبود جایگاه زنان در خانواده و اجتماع	۱۴۸
- منابع تحقیق	۱۵۰



فصل اول:

کلیات تحقیق

۱-۱- مقدمه

زن مظهر خلاقیت خداوند و عنصر اساسی در تشکیل خانواده، در طول قرون و در مکاتب و مسلکها و جوامع مختلف، از نظر مقام و موقعیت و معرفی هویت، همواره فراز و نشیبهایی را طی کرده است. گاه تا حد یک کالا تنزل یافته و گاه از آن به عنوان «آیت» الهی یاد شده است. نهاد مهم خانواده نیز گاهی در کانون توجه دولتها و تفکرات انسانی بوده و مقام والا و جایگاه رفیع آن در نظر گرفته شده و گاه چنان مورد بی توجهی قرار گرفته که با فرو ریختن بنیانهای آن، جامعه نیز دچار تلاشی شده است.

نگاهی به گذشته زنان در جامعه ایران، نشان می‌دهد که گذشته‌ای مشحون از بی‌عدالتی نسبت به آنان، تعدی و تجاوز به حقوق مسلم و طبیعی آنان و تنزل روزافزون مقام و منزلت والای انسانی آنها داشته‌اند. حضرت امام خمینی (ره) این گذشته تیره و تاریک را یادآور شده و با اشاره به اینکه در دوره شاه سابق، زن مظلوم شد و به اسم اینکه می‌خواهند زن را آزاد کنند، به زنها ظلمها کردند، و وی را از آن مقام شرافت، معنویت و عزتی که داشت پایین کشیدند و فاسدالاخلاق کردند، از این دوران سیاه یاد می‌کنند.

اسلام با بیان ارزش واقعی زن و خانواده و اثر وجودی آنها و حفظ کرامت و حقوق خانواده و زن، با تمامی تفکرات ناصواب و فرهنگ جاهلانه در خصوص زن و خانواده به مبارزه برخاست و خانواده را میدانی برای تجلی استعدادها، توانمندیها، عواطف و احساسات زن قرار داد و در عین حال او را به عنوان عضو موثر جامعه و متمم حیات انسانی در مسائل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پذیرفته است.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظامی برخاسته از متن اسلام در معتبرترین سند سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، حقوقی و اقتصادی آن یعنی قانون اساسی که منطبق بر موازین اسلام است، نیز توجه و اهتمام خاصی به خانواده، به عنوان واحد بنیادین اجتماع و نیز قشر زنان دارد و یکی از اهداف مهم نظام، افزایش اعتبار و منزلت خانواده و زن است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منظور احیاء مقام زن و خانواده و نجات از آن وضعیت نابهنجار و رقت بار، با اختصاص اصولی به خانواده و زن، سعی نموده تا زن را از حالت شیء بودن و ابزار کار به عضوی فعال و مسوولیت‌پذیر در جامعه تبدیل نماید.

جهت‌گیری قانون اساسی در بعد خانواده به سمت ارج نهادن به واحد بنیادین جامعه یعنی خانواده و استحکام پایه‌های آن است. از سوی دیگر تنظیم روابط خانوادگی در میان اعضاء آن بر اساس اصول و معیارهای اسلامی و اخلاق حسنه و حمایت همه جانبه دولت از این واحد بنیادین، اعم از حمایت قضایی، مادی و تامین اجتماعی است. همچنین وضع قوانین و مقررات لازم در جهت آسان‌سازی تشکیل خانواده، وظایفی هستند که قانون اساسی به عهده دولت گذاشته است.

به تعبیر استاد شهید آیت الله مطهری یکی از ویژگیهای نظام جمهوری اسلامی ایران، اهمیت نقش زنان در جامعه و نظام است و در نتیجه، یکی از اهداف مهم نظام احیاء مقام زن و منزلت خانواده است.

با داشتن چنین مبانی نظری مستحکمی، دولت‌های مختلف طی سی سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی در راستای تحقق اهداف عالی نظام مندرج در قانون اساسی و همچنین منویات اما راحل و مقام معظم رهبری در خصوص بانوان اقدامات سترگی را به انجام رساندند.

افتخارات گسترده و افزایش کیفی و کمی حضور بانوان ایرانی در حوزه‌های گوناگون اجتماعی که به واسطه نگاه متوازن و متعادل فارغ از افراط و تفریط جمهوری اسلامی ایران به جایگاه زنان در اجتماع بوده است، از آموزه‌های اسلامی نشأت گرفته است.

تحقیق حاضر ابتدا مبانی فکری و نظری خویش را تبیین نموده است. مبانی که بر آموزه های اسلام ناب محمدی (ص) بنیان نهاده شده و با اجتهاد پویا در قرون متمادی پاسخگوی نیازهای جامعه جهانی خواهد بود.

چشمه سار زلالی که تشنه کامان این وادی را برای سالها سیراب خواهد کرد. اندیشه ای که تعیین عینی آنها در کلام امام راحل عظیم‌الشان (ره)، مقام معظم رهبری و استاد شهید مرتضی مطهری قابل مشاهده است.

در پس تحقیق و تفحص در مبانی نظری، تقسیم‌بندی موضوعات مبتلابه بانوان به شش حوزه، «وضعیت علمی و آموزشی زنان»، «وضعیت فرهنگی و هنری زنان»، «وضعیت اقتصادی و معیشتی زنان»، «وضعیت سیاسی و مدیریتی زنان»، «وضعیت حقوقی زنان» و «جایگاه زنان در خانواده و اجتماع» در جهت تسهیل بررسی موضوع مورد پژوهش قرار گرفت. در هر یک از این فصول نیز چند شاخص که بر اساس تقسیم‌بندی آن علم ملحوظ گردیده، مطرح نظر واقع شد. با آمیختن مبانی نظری و تتبعات پیشتر صورت گرفته برای هر یک از شاخص‌ها چندین زیر شاخص تعیین گردید.

پس از تعیین شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها که تا حد ممکن کمی هستند، تا آنجا که میسر بوده تلاش شده آمار قبل و بعد از انقلاب از مراکز و مراجع متعدد جمع‌آوری و تحلیل گردد. هر زیرشاخصی که آمارگذاری را پذیرا بود، در قید رقم و عدد واقع شد و برخی از زیر شاخص‌ها که به لحاظ ماهیت خود، می‌بایست به نحو کیفی مورد بررسی قرار گیرند نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. آمارها مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. از سوی دیگر نیز پژوهشگران به بررسی افق مطلوب ۱۴۰۴ پرداختند، جامعه اسلامی ایرانی ما در آن سال باید در عرصه زنان چگونه باشد؟ پاسخ به این سؤال با توجه به منویات مقام معظم رهبری در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و اینکه در آن سال باید قدرت اول منطقه باشد. در کنار عنایت خاص به مبانی نظری که در هر تحلیلی مبنای اصلی محسوب می‌شود، صورت گرفت. پس از تعیین چشم‌انداز در محدوده زیرشاخص‌های تعیین شده، چگونگی رسیدن به آن وضع آرمانی نیز دغدغه بعدی را تشکیل می‌داد که کارشناسان و مشاورین تحقیق با بررسی دقیق داده‌های کمی و کیفی موجود به ارائه راهکارهای کاربردی و عملیاتی پرداختند تا با اجرائی شدن آن شاهد تحقق سند چشم‌انداز باشیم.

۲-۱- طرح مسئله

در جهت شناسایی وضعیت موجود زنان لازم است ابعاد و قلمروهای مختلف مرتبط با زنان را در نظر گرفت که عبارتند از آموزش، فرهنگ و هنر، اقتصاد، سیاست و مدیریت، حقوق و خانواده و اجتماع.

آموزش به عنوان اولین بُعد در برگیرنده آموزشهای عمومی و تخصصی بوده و از این رو نظام آموزش عالی به عنوان نهاد مولد نیروی انسانی متخصص در نیل جوامع به توسعه پایدار ضرورت دارد به طور جدی مورد عنایت دست اندرکاران امر قرار گیرد. از سوی دیگر فراهم‌سازی زمینه سوادآموزی همه افراد جامعه از طریق گسترش آموزشهای عمومی، وظیفه دیگری است که در قلمرو آموزش باید به آن توجه گردد.

اقتصاد بعد دیگری است که باید در جهت شناسایی وضع موجود زنان مورد توجه قرار گیرد زیرا شرکت زنان در فعالیتهای اقتصادی از آغاز پیدایش بشر واقعیتی انکار ناپذیر بوده است و از قدیم‌الایام زنان سهم عمده‌ای در تولید ملی داشته‌اند. معذالک کار آنان از بسیاری جهات متفاوت با کار مردان بوده و مسیری جدا از اشتغال مردان داشته است که از آن جمله می‌توان به نوع کار، ساعات کار، میزان دستمزد، سالهای شروع به کار، بازنشستگی و نوع مسؤولیتها اشاره نمود. سایر ابعاد شامل بعدهای سیاسی، حقوقی، فرهنگی و اجتماعی است که هرکدام از جهتی مسایل مرتبط با زنان را مورد بررسی قرار می‌دهد.

هدف از این پروژه آن است که با شناسایی وضعیت موجود زنان جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌های وضعیت علمی و آموزشی زنان، وضعیت فرهنگی و هنری زنان، وضعیت اقتصادی و معیشتی، وضعیت سیاسی و مدیریتی زنان، وضعیت حقوقی زنان و جایگاه زنان در خانواده و اجتماع، استراتژیها و راهبردهایی را برای رسیدن به وضع مطلوب تدوین و پیشنهادهایی را به دست اندرکاران امر ارائه نماید.

لذا موضوع یا مسئله اصلی تحقیق حاضر را می‌توان به شکل زیر مطرح نمود:

«بررسی وضعیت موجود و مطلوب زنان پس از پیروزی انقلاب اسلامی»

۳-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق

ضرورت پژوهش حاضر در چند حوزه مختلف نهفته است.

الف- تنوع و تناقض پژوهش های گذشته

پژوهشگران گذشته غالباً از نگاه دفع شبهه به مسائل می‌نگریستند و این همراه بوده با انگیزه اقناع خصم یا جلب رضایت او چه بسا حقیقت چنانکه باید آشکار نمی‌شد. از سوی دیگر ایشان به منابع دینی نگاه جامع نداشتند بدین معنا که قرآن، سنت و سیره عملی پیشوایان دین را کنار هم مطالعه نمی‌کردند.

غلبه شرایط اجتماعی و آداب و سنن حاکم بر زندگی و پژوهشگران و قضاوت عجولانه در نفی یا اثبات مسائل مربوط به زنان و احتیاط‌های بیش از حد، عوام‌زدگی، نگرش فردی به فقه و شریعت، عدم تفکیک میان احکام تبلیغی و ولایی، عدم توجه به مکان و زمان و مقتضیات آن و بها ندادن به سیره عملی به پیشوایان دین از جمله عواملی هستند که نقص پژوهش‌های گذشته را نشان می‌دهد.

اما مسئله دیگر در پژوهش‌های گذشته آن است که نظر آنان گاه با تناقض مواجه است، گروهی مشارکت سیاسی و حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را حق زن دانسته و گروهی دیگر با حضور سیاسی زنان در جامعه مخالف بوده و هستند چنان که از آغاز مشروطیت این مسئله مطرح بود و بر زبان شهید مدرس جاری گشت و سپس آیت الله کاشانی از آن حمایت کرد. (حسینی، بی تا: ۱۷۸). قطعاً دیدگاه فوق در شرایط آن دوره و با توجه به نگاه ابزاری به زن در شرایط آن دوره مطرح شده است.

ب- مسائل جدید

با مروری به تاریخ اسلام و جهان مشاهده می‌شود بسیاری از مسائل زنان با تغییرات ماهوی مواجه شده و با اتکا به مسائل گذشته نمی‌توان به اداره امور زنان پرداخت و اجتهاد و نقش فقهاء بیش از پیش نمایانگر است.

بالا رفتن سطح آگاهی زنان، توسعه زندگی و گسترش ارتباطات مسائل جدیدی را پدید آورده که نیاز به پاسخ متقن از ناحیه شریعت را دارد. در گذشته مسئله‌ای به نام هنر، ورزش بانوان، قضاوت و داوری زن، حضور

زنان در میدان سیاست و فرهنگ، آموزش زنان، زنان پلیس و... مطرح نبود. تنوعی در زندگی زنان نبود تا مسئله‌ساز باشد، اما با آگاهی زنان و در ارتباط با دول دیگر همه مسائل مطرح شد. (مهریزی، ۱۳۸۶: مقدمه).

توسعه آگاهی زنان و مردان، گسترش زندگی ماشینی، توسعه ارتباطات، شبهه‌افکنی‌های مختلف در مورد نگاه اسلام به زنان، تعامل با جامعه جهانی و مسائل بسیاری را در حیطه مسائل زنان به وجود آورده و می‌آورد و پژوهشگران دینی باید با شناخت این مسائل، منابع دینی را مورد مطالعه و تامل جدید و جدی قرار دهند.

ج- شکل‌گیری نظام اسلامی

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران نقطه عطفی بود برای رشد علمی و اخلاقی زنان ایرانی و تبدیل شدن ایشان به الگوی زنان عالم در دوران معاصر. قبل از پیروزی انقلاب پژوهش‌های زنان تنها جنبه علمی و نظری و همسویی با قوانین حقوق بشر غربی را داشت. رژیم شاه نیز هیچگاه خود را ملزم به احیای قوانین اسلام نمی‌دانست و در این چارچوب گام بر نمی‌داشت و هر جا هم که مشکلی پیش می‌آمد، اساس تصمیم‌گیری قوانین غربی بود نه قوانین اسلامی.

با شکل‌گیری نظام اسلامی و تقید به اجرای قوانین شرعی و غیرمغایر با شریعت، پژوهش‌های جدید که بتواند در سیاست کلی نظام اثر گذارد، یا زمینه بازنگری در قوانین را به وجود آورد، امری لازم و ضروری است. مسائل زنان و خانواده از این حوزه‌هاست.

د-تهاجم فکری

جنبش‌های ضددینی از یک سو و جنبش‌های دفاع از حقوق زن در جهان از سوی دیگر و اتهاماتی که به کشورهای اسلامی در پایداری کردن حقوق زن در سال‌های اخیر وارد شده است، مطالعه پاره‌ای از احکام دینی و تبیین مسائل جدید را می‌طلبد. نشان دادن جایگاه واقعی زن در اسلام و میزان رشد آنان در سه دهه اخیر ایران متعالی بودن تعالیم اسلامی را بیش از پیش بر جهانیان روشن خواهد کرد. به تعبیر دیگر، شبهات برون دینی، که در

ناحیه مسائل زنان وجود دارد و ذهن دینداران نیز مشغول کرده، ضرورت مطالعه و تدقیق جدید را دو چندان کرده است. در ضمن بازبینی و بازنگری آراء و نظرات جدید را از ریشه قطع می‌کند و در پاره‌ای دیگر به تبیین‌های روشن و قابل دفاع متهمی می‌گردد.

در برابر این حرکت نمی‌توان سکوت کرد، یا به عنوان تعبد دینی از کنارش گذشت، باید بدان پرداخت و تصویری روشن ارائه کرد. اگر در متون اولیه دینی چنین تبیین‌هایی به چشم نمی‌خورد، حکایت از ناروا بودن این عمل ندارد، بلکه در آن دوره اندیشه بشر از چنین رشد و تعالی برخوردار نگشته بود و بسیاری از این شباهت و یا مسائل مستحدثه را مراجع تقلید پاسخ داده و ولایت فقیه به حل آنها می‌پردازد.

ه- تهاجم سیاسی

بخشی از مسائل حقوق بشر در ایران که مربوط به زنان است پیش از آنکه دفاع از حقوق بشر را دنبال کند، اعمال سیاست‌های خشن قدرت‌های بزرگ است. ایشان با انگیزه تامین منافع سیاسی قدرت‌های بزرگ بر یک سری از مسائل تاکید می‌کنند و نظام جمهوری اسلامی ایران را به اعلام مواضع خود وا می‌دارند. ارائه دیدگاه‌های متقن و نشان دادن میزان رشد علمی و فرهنگی زنان در این زمینه‌ها پشتوانه‌ای برای سیاست‌های نظام اسلامی در برابر این حرکت‌های موزیانه است.

ارائه دیدگاه‌های متفاوت در زمینه نوع حجاب و پوشش، مشارکت سیاسی زنان، حقوق زنان در جامعه و خانواده، آموزش، معیشت، مسائل فرهنگی و تربیتی و کنترل جمعیت از این دست هستند.

این عوامل و عواملی دیگر، ما را به ضرورت پژوهش‌های عمیق، جمعی و واقع‌بینانه ارشاد می‌کند و باید با وسعت نظر سیاست‌گذاران فرهنگی و همت پژوهشگران دلسوز و ناصح این مهم دنبال شود و این خلاء بزرگ پر شود.

۴-۱- اهداف تحقیق**۴-۱-۱- هدف کلی**

بررسی و بازشناسی وضعیت زنان در سه دهه ی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و مقایسه آن با دوران قبل از انقلاب و ترسیم افق مطلوب جایگاه زنان در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران.

۴-۱-۲- اهداف جزئی

۱- شناخت وضعیت موجود زنان از بعد علمی و آموزشی بر پایه نظر اسلام، امام راحل(ره)، مقام معظم رهبری و شهید مطهری.

۲- شناخت وضعیت موجود زنان از بعد فرهنگی و هنری بر پایه نظر اسلام، امام راحل(ره)، مقام معظم رهبری و شهید مطهری.

۳- شناخت وضعیت موجود زنان از بعد معیشت و اقتصاد بر پایه نظر اسلام، امام راحل(ره)، مقام معظم رهبری و شهید مطهری.

۴- شناخت وضعیت موجود زنان از بعد سیاست و مدیریت بر پایه نظر اسلام، امام راحل(ره)، مقام معظم رهبری و شهید مطهری.

۵- شناخت وضعیت موجود زنان از بعد حقوقی بر پایه نظر اسلام، امام راحل(ره)، مقام معظم رهبری و شهید مطهری.

۶- شناخت وضعیت موجود زنان از بعد خانوادگی و اجتماعی بر پایه نظر اسلام، امام راحل(ره)، مقام معظم رهبری و شهید مطهری.

۷- ترسیم افق مطلوب جایگاه زنان بر اساس دستاوردهای وضع موجود زنان و اتخاذ راهبردهای جامع در

این زمینه در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای کشور.



۵-۱- سوالات تحقیق

- ۱- وضعیت موجود زنان از بعد علمی و آموزشی نسبت به سی سال پس از انقلاب اسلامی تا چه حد بهبود یافته است؟
- ۲- وضعیت موجود زنان از بعد فرهنگی و هنری نسبت به سی سال پس از انقلاب اسلامی تا چه حد بهبود یافته است؟
- ۳- وضعیت موجود زنان از بعد معیشت و اقتصاد نسبت به سی سال پس از انقلاب اسلامی تا چه حد بهبود یافته است؟
- ۴- وضعیت موجود زنان از بعد سیاست و مدیریت نسبت به سی سال پس از انقلاب اسلامی تا چه حد بهبود یافته است؟
- ۵- وضعیت موجود زنان از بعد حقوقی نسبت به سی سال پس از انقلاب اسلامی تا چه حد بهبود یافته است؟
- ۶- وضعیت موجود زنان از بعد اجتماعی نسبت به سی سال پس از انقلاب اسلامی تا چه حد بهبود یافته است؟
- ۷- برای رسیدن به افق مطلوب جایگاه زنان در سند چشم‌انداز بیست ساله کشور چه تدابیری باید اتخاذ شود؟

۶-۱- کلیات مبانی نظری

مبانی، چارچوب و قواعد نظری طرح «تدوین کارنامه سی ساله زنان» مکتب حیات‌بخش اسلام و آموزه‌های آن در ابعاد مختلف فرهنگی، اعتقادی، سیاسی، اجتماعی، حقوقی، اقتصادی و ... می‌باشد که شرح منور بر آن صحنه گذاشته باشد. این چارچوب و اساس به آن معنا نیست که در فرآیند مطالعات و تحقیقات طرح، به نظریات و اقوال و تجارب علمی و اجتماعی دیگران توجهی نشود. طبیعت و منطق هر طرح پژوهشی، مطالعه، تحقیق و تدبر بر نظریات و اقوال مختلف و بهره‌گیری از بهترین آنها می‌باشد که قرآن کریم از آن با تعبیر رسای «یستمعون القول و يتبعون احسنه» یاد نموده و انسانها را به این روش مطالعاتی و تحقیقاتی سوق می‌دهد.

« من عمل صالحاً من ذکر و انثی و هو مومن فلنحیینه حیات طیبه » سوره نحل / آیه ۹۷.

«هرکه رفتار صالح انجام دهد و مومن باشد، خواه مرد باشد یا زن، او را به زندگی پاک زنده گردانیم.»

از نگاه مکتب حیات‌بخش اسلام، جایگاه و شخصیت زنان و مردان به لحاظ نظری جایگاهی واحد و بدون

تمایز می‌باشد که در محورهای زیر این نگاه کاملاً ملحوظ است:

۱- هدف از آفرینش انسان.

۲- چگونگی آفرینش انسان.

۳- هموار بودن راه تکامل و سعادت انسان.

۴- زمینه‌ها، استعدادها و امکانات رشد و تعالی انسان.

۵- چگونگی و میزان برخورداری انسانها از ارزشها.

۶- موانع در مسیر تکامل انسان.

«یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرکم عندالله اتقاکم.»

(سوره حجرات / آیه ۱۳).

« ای مردم ما شما را از مرد و زن بیافریدیم و شما را گروه گروه و قبیله قبیله قرار دادیم. گرامی‌ترین شما نزد خداوند پارساترین شماست.»

خداوند انسان را آفرید اما برای بقای نسل و تبار انسان او را به دو صنف زن و مرد تقسیم کرد. در آن چه لازمه نوع انسانی است، هر دو برابرند و در برخی خصیلتها و خصوصیتها که لازمه صنف است از یکدیگر متفاوتند. چرا که این دو صنف نمودن، لوازم و احکام ویژه ای را به دنبال داشته است.

این دو صنف شدن چنان نیست که به جوهره انسان لطمه وارد سازد. بلکه این دو صنف شدن برای تکمیل طرفین است. نه آنکه صنفی کامل و صنفی دیگر ناقص باشد و خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «هن لباس لکم و انتم لباس لهن». آنان (زنان) پوشش شما هستند و شما مردان پوشش آنهاید». (سوره بقره/آیه ۱۸۲).

اسلام، نظام اجتماعی است که در آن به سعادت اسانها چه زن و چه مرد بعنوان کمال مطلوب توجه می‌شود، در نظام اسلامی، افراد اعم از زن و مرد در جامعه دارای اهمیت می‌باشند. در این نظام، تفاوت در حقوق و مسئولیتها نشانه برتری جنسی به جنس دیگر نیست. بلکه اساساً این تفاوت‌ها به دلیل تفاوت‌های طبیعی و فیزیولوژی میان این دو جنس تعریف شده است. در این زمینه، قرآن کریم حیات طیبه انسان در عالم بقاء را به ایمان و عمل صالح می‌داند، نه به مرد بودن یا زن بودن. چنانکه در آیه ۹۷ سوره نحل می‌فرماید: «و من عمل صالحاً من ذکر او انثی و هو مومن فلنحیینه حیات طیبه» و همچنین در آیه ۴۰ سوره مومن «من عمل صالحاً من ذکر او انثی و هو مومن فاولئک یدخلون الجنة یرزقون فیها بغير حساب» می‌فرماید: «هر کس عمل صالحی انجام داده، اعم از آنکه مرد باشد یا زن، در صورتی که ایمان داشته باشد، در بهشت جاویدان داخل می‌شود».

تعبیرات و اوصاف مترادفی که قرآن کریم در سوره احزاب برای مرد و زن بکار می‌برد همچون «مسلمین و مسلمات»، «مومنین و مومنات»، «قانتین و قانتات»، «صادقین و صادقات»، «صابرین و صابرات»، «خاشعین و خاشعات»، «ذاکرین و ذاکرات»، گویای این واقعیت است که اسلام، زن و مرد را معادل هم می‌داند و این تعادل در سراسر آموزه‌های اسلام قابل درک و فهم است.

در بسیاری از احادیث و روایات پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع)، زن در جایگاه رفیعی از انسانیت قرار دارد که باید با نگاه کرامت و احترام به زن نگریست. پیامبر گرامی اسلام (ص) در نهج الفصاحه (شماره ۴۵۴) می‌فرماید: «اکمل المومنین ایماناً احسنهم خلقاً و خیارکم، خیارکم لنسائهم». ایمان کسی کاملتر از دیگران است که خوش خلق‌تر باشد و از همه شما نیکوتر کسانی هستند که برای زنان خود نیکوترند. همچنین الحر العاملی در وسائل الشیعه (جلد ۱۴ صفحه ۱۹) از حضرت امام صادق (ع) روایت می‌کند که: «اکثر الخیر فی النساء». بیشترین خوبی‌ها در وجود زنان است.

از آیات و روایات یاد شده استفاده می‌شود که زن یا مرد بودن هیچ ملاک برتری و امتیازات ارزشی نیست، بلکه شرط برتری انسانها در تقوا و عمل صالح است، حال چه زن باشد و چه مرد.

از نگاه بزرگان دین، زن در جایگاه والای انسانیت قرار دارد. حضرت امام خمینی (ره) در این رابطه می‌فرماید: «زن مظهر تحقق آمال بشر است. زن، پرورش دهنده زنان و مردان ارجمند است. از دامن زن مرد به معراج می‌رود. دامن زن محل تربیت بزرگ زنان و بزرگ مردان است. پیامبر اکرم (ص) دست زن را گرفت و از منجلاب عادات جاهلیت نجات بخشید و تاریخ اسلام گواه احترامات بی‌حد رسول خدا (ص) به این مولود شریف است تا نشان دهد که زن، بزرگی ویژه‌ای در جامعه دارد که اگر برتر از مرد نباشد، کمتر نیست. (کتاب سیمای زن در کلام امام خمینی (ره)، چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم).

به مقتضای شناخت همه‌جانبه و عمیق و مبنایی که حضرت امام خمینی (ره) از متن شریعت و آموزه‌های دینی دارند، رسالت دین و انقلاب اسلامی را دستیابی زنان به مقام والای انسانی می‌دانند به گونه‌ای که زنان بتوانند در سرنوشت خود دخالت نمایند. در این رابطه می‌فرمایند: ما می‌خواهیم زن به مقام والای انسانیت برسد. زن باید در سرنوشت خودش دخالت داشته باشد». همچنین می‌فرمایند: «اسلام زن را مثل مرد در همه شئون، همانطور که مرد در همه شئون دخالت دارد، دخالت می‌دهد».

حضرت امام (ره) در ارتباط با حضور اجتماعی زن می‌فرمایند: «زنان در جامعه اسلامی آزادند و از رفتن آنان به دانشگاه و ادارات و مجالس به هیچ وجه جلوگیری نمی‌شود. از چیزی که جلوگیری می‌شود فساد اخلاقی است که زن و مرد نسبت به آن مساوی هستند و برای هر دو حرام است». همچنین ایشان یکی از وجوه اجتماعی و رسالت بزرگ انسانی زن را، شغل شریف مادری می‌دانند: «این مادر که بچه در دامن او بزرگ می‌شود، بزرگترین مسئولیت را دارد و شریفترین شغل را دارد. شغل بچه داری». با این اوصاف حضرت امام (ره) وجوه و حضور اجتماعی زن را ذو ابعاد می‌بیند و به همه ابعاد اجتماعی زن توجه دارد و اوج این توجه آنجاست که می‌فرمایند: «تمام هویت‌های کمالی که در انسان مطرح است، در زن مطرح است».

جایگاه والا و هویت زنان در جامعه اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب نیز اینگونه بیان می‌شود: «هویت اسلامی این است که زن در عین اینکه هویت و خصوصیت زنانه خود را حفظ کند که طبیعت و فطرت است و برای هر جنس خصوصیت آن جنس ارزش است، یعنی آن احساسات رقیق و عواطف جوشان را، آن دقت را، آن صفا و درخشندگی زنانه را برای خود حفظ می‌کند. در عین حال هم باید در میدان ارزشهای معنوی مثل علم، عبادت، تقرب به خدا، معرف الهی و سیر و ادبهای عرفان پیشروی کند و هم در عرصه مسائل اجتماعی و سیاسی و غیره. زن مسلمان آن زنی است که هم دین خود را، هم حجاب خود را، زنانگی خود را، ظرافت‌ها و دقت‌ها و لطافت‌های خود را حفظ می‌کند و هم از خود دفاع می‌کند، هم در میدان معنویت و علم و تحقیق و تقرب به خدا پیشروی می‌کند». (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۹/۳۰).

همچنین معظم‌له در بیان هویت یابی زنان می‌فرمایند: «جا دادن زن مسلمان با تامل در مفاهیم اسلامی و با ارزش‌گذاریهای اسلامی و با دقت در خطوطی که در نظام اسلامی برای پیشرفت زنان و مردان پیش بینی شده است، هویت خود را بازیابی کند و قامت رسای استدلال را در مقابل سفسطه‌ها و وسوسه‌های عوامل صهیونیسم و سرمایه‌گذاری و زراندوزی به نمایش در بیاورد».

جایگاه والای زن در جامعه از منظر تئوری پرداز برجسته و بزرگ انقلاب، شهید مطهری (ره) چنین تعریف می‌شود: «قرآن با کمال صراحت در آیات متعددی می‌فرماید که زنان را از جنس مردان و از سرشتی نظیر سرشت مردان آفریدیم. قرآن درباره آدم، اول می‌گوید: همه شما را از یک پدر آفریدیم و جفت آن پدر را از جنس خود او قرار دادیم.... قرآن در کنار هر مرد بزرگ و قدسی از یک زن بزرگ و قدسیه یاد می‌کند. از همسران آدم و ابراهیم و از مادران موسی و عیسی در نهایت تجلیل یاد کرده است. اگر همسران نوح و لوط را به عنوان زنان ناشایست برای همسران یاد می‌کند، از زن فرعون نیز به عنوان زن بزرگی که گرفتار مرد پلیدی بوده است غفلت نکرده. گویی قرآن خواسته است در داستانهای خود توازن را حفظ کند و قهرمان داستانها را منحصر به مرد ننماید». (نظام حقوق زن در اسلام، صص ۱۴۷-۱۵۰).

زن از نگاه لیبرال دموکراسی

نگاه لیبرال دموکراسی غرب به زنان، نگاهی یکسویه و غیرواقع بینانه است. اگر این نگاه در قالب جنبش زنان در غرب (فمینیسم) مورد بررسی قرار گیرد، یکسویه‌نگری و به بن‌بست رسیدن نگاه لیبرال دموکراسی غرب به زنان مشخص می‌شود.

فمینیسم از ابتدای پیدایش تا کنون سه موج را پشت سر گذاشته و الان در موج چهارم است که عبارتند از:

موج اول: اثبات گرایبی (زن موجودی زنده و انسان است و باید از حق حیات انسانی برخوردار باشد).

موج دوم: تساوی در برابر مردان (زن و مرد باید در همه موارد مساوی باشند).

موج سوم: برتری طلبی نسبت به مردان (زن برتر از مرد است).

موج چهارم: رجعت (برگشت به حقیقت و موجودیت زن).

ما معتقدیم که موج اول، نتیجه طبیعی برخورد تحقیرآمیز غرب به زنان در تاریخ بود. موج دوم حاصل

عدم شناخت واقع‌بینانه به خلقت و موجودیت زن و مرد بوده است. موج سوم، نوعی خشک‌مغزی غیرعلمی،

احساسی و بلندپروازی می‌باشد. موج چهارم نتیجه به بن رسیدن، پی بردن به واقعیات و بیداری وجدان می‌باشد. همچنین معتقدیم که در این مرحله، نگاه مکتب حیات‌بخش اسلام به زنان می‌تواند برآورنده آمال و آرزوهای این رجعت‌کنندگان باشد.

در تحلیل آسیب شناسی نگاه لیبرال دموکراسی غرب در مورد زنان، شهید مطهری می‌فرماید: «مصائب جدید زنان اروپایی ناشی از عملکرد شتابناک نهضت تساوی زنان و نادیده گرفتن شرایط جسمانی و ساختار طبیعی زنان بود که آنها را در همسانی‌شان با مردان دچار تنگناهای عدیده‌ای کرد. در حقیقت انسان بودن زن موجب فراموش شدن زن بودن او شده بود و ارمغان این قصه نامیمون، تن دادن بسیاری از زنان به کارهایی توانفرسا در کارخانه‌ها و مراکز صنعتی بود. شعار استقلال اقتصادی زن در جهت نیل به همین آرمان سودجویانه صاحبان صنعت و بهره مندی از منبع لایزال و ارزان نیروی انسانی زنان مطرح گردید.

چارچوب مبانی نظری این طرح، آموزه‌های مکتب حیات‌بخش و شرع منور اسلام است که این آموزه‌ها از منظر حضرت امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری و شهید مطهری (ره) مطرح می‌گردد. یعنی اساس نظری این تحقیق، رویکرد اسلامی به زن از منظر صاحب‌نظران فوق است.

۷-۱- سازمان‌بندی تحقیق

خلاصه گزارش این پژوهش در هشت فصل و در قالب سه فاز ارائه شده است که خلاصه سرفصل‌های به

شرح زیر است:

در فصل اول کلیات تحقیق مطرح می‌شود و مباحث مقدمه، طرح مساله تحقیق، اهمیت و ضرورت

بررسی، اهداف تحقیق (اهداف کلی و اهداف جزئی)، سوالات تحقیق و کلیات مبانی نظری تحقیق ارائه می‌گردد.

در فصل دوم روش‌شناسی تحقیق ارائه می‌گردد که مباحث مهم مطروحه در آن عبارتند از: روش تحقیق،

تکنیک‌های تحقیق، منابع مطالعاتی تحقیق و سازمان‌بندی گزارش تحقیق.

در فصل سوم جایگاه علمی و آموزشی زنان مورد بحث قرار گرفته است که در سه مبحث مبانی نظری

جایگاه علمی و آموزشی زنان، تحلیل وضعیت علمی و آموزشی زنان و راهکارهای بهبود وضعیت علمی و

آموزشی زنان ارائه می‌گردد.

در فصل چهارم جایگاه فرهنگی و هنری زنان مورد بحث قرار گرفته است که در سه مبحث مبانی نظری

جایگاه فرهنگی و هنری زنان، تحلیل وضعیت فرهنگی و هنری زنان و راهکارهای بهبود وضعیت فرهنگی و هنری

زنان ارائه می‌گردد.

در فصل پنجم جایگاه اقتصادی و معیشتی زنان مورد بحث قرار گرفته است که در سه مبحث مبانی نظری

جایگاه اقتصادی و معیشتی زنان، تحلیل وضعیت اقتصادی و معیشتی زنان و راهکارهای بهبود وضعیت اقتصادی و

معیشتی زنان ارائه می‌گردد.

در فصل ششم جایگاه سیاسی و مدیریتی زنان مورد بحث قرار گرفته است که در سه مبحث مبانی نظری

جایگاه سیاسی و مدیریتی زنان، تحلیل وضعیت سیاسی و مدیریتی زنان و راهکارهای بهبود وضعیت سیاسی و

مدیریتی زنان ارائه می‌گردد.



در فصل هفتم جایگاه حقوقی زنان مورد بحث قرار گرفته است که در سه مبحث مبانی نظری جایگاه حقوقی زنان، تحلیل وضعیت حقوقی زنان و راهکارهای بهبود وضعیت حقوقی زنان ارائه می‌گردد.

در فصل هشتم جایگاه زنان در خانواده و اجتماع مورد بحث قرار گرفته است که در سه مبحث مبانی نظری جایگاه زنان در خانواده و اجتماع، تحلیل وضعیت جایگاه زنان در خانواده و اجتماع و راهکارهای بهبود جایگاه زنان در خانواده و اجتماع ارائه می‌گردد.

فصل دوم:

روش شناسی

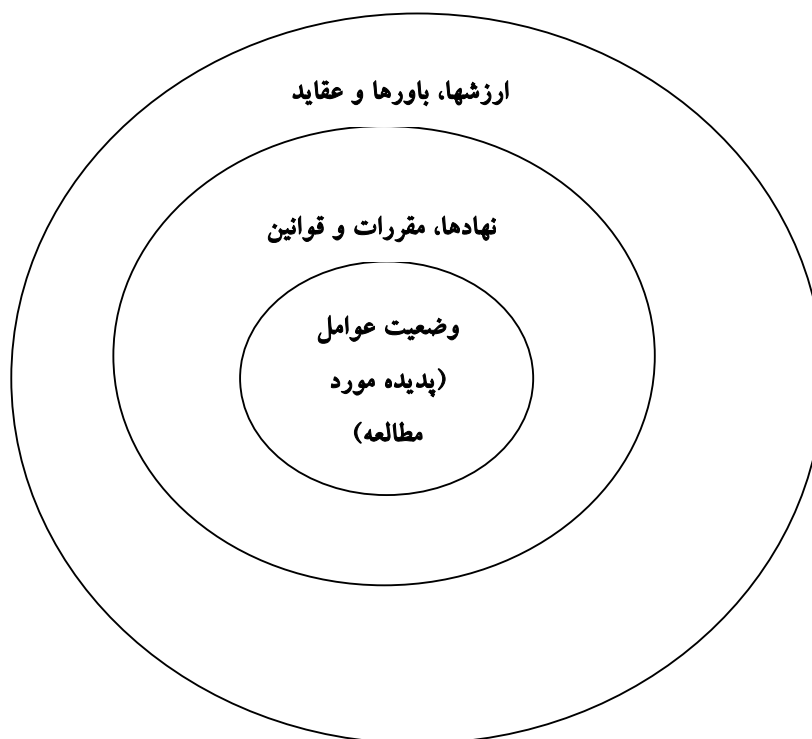


۲-۱- روش تحقیق

این پژوهش برآن است در سه فاز گذشته و حال و آینده به بررسی وضعیت زنان در جامعه ایران بپردازد. یعنی این تحقیق ضمن بررسی و مقایسه وضعیت زنان قبل و بعد از انقلاب و داده‌هایی که از آن حاصل خواهد آمد، با دیدی کاربردی به افق پیش رو و سال ۱۴۰۴ نظر خواهد داشت و آنچه را که موجود است (وضع موجود زنان) با آنچه که باید باشد (وضع مطلوب زنان)، نیز مقایسه خواهد کرد و اطلاع از وضع گذشته و مقایسه با وضع موجود و نیز ترسیم وضع مطلوب در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ می‌پردازد.

بر اساس آنچه در فصل اول گفته شد حوزه بحث مورد نظر بسیار پیچیده و چندجانبه است. همانگونه که شکل ۲-۱ نشان می‌دهد این موضوع در مجموعه‌ای از عوامل نظام ارزشی لحاظ شده است.

شکل (۲-۱): اثرپذیری پدیده مورد مطالعه از عوامل مختلف



ارزشها، باورها و عقاید و سنتها نقش مهمی در رفتارهای اجتماعی داشته و به تبع آن نهادها و مقررات شکل می‌گیرند. نهادها نیز با اقدامات خود سعی می‌کنند نوعی رفتار متناسب را بوجود آورند. مثلاً وضعیت علمی

و آموزشی زنان جامعه ما از نگاه این شکل تحت تاثیر انواع پارامترهای محیطی و ارزشی قرار دارد و بدون مطالعه آنها نمی‌توان درباره چرایی و چگونگی آن قضاوت کرد. به‌علاوه نمی‌توان در مورد چگونگی بهبود آن اظهار نظر دقیق نمود. لذا اتخاذ روش مورد نیاز برای این تحقیق باید دربرگیرنده مجموعه دیدگاه‌های نظری حاکم بر جامعه اسلامی باشد و سپس به وضعیت نهادها، مقررات و سایر سازوکارهای اجتماعی بپردازد تا بتوان با کشف نقش هر یک از ابعاد و شرایط تاثیرگذار بر پدیده مورد مطالعه، چگونگی اصلاح و بهبود آن را دریافت.

با این مقدمه می‌توان ساختار کلی روش‌شناختی را به صورت زیر ترسیم نمود.

شکل (۲-۲): ساختار کلی متدولوژی تحقیق

درک نظام ارزشی	۱
----------------	---

طراحی سیستم سنجش وضعیت بر اساس نظام ارزشی	۲
---	---

سنجش وضعیت از طریق شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها	۳
---	---

سنجش وضعیت از طریق شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها	۳
---	---

– درک نظام ارزشی

برای درک درست نظام ارزشی لازم است منابع معتبر دینی مورد مطالعه دقیق قرار گیرد. طبیعی است که دیدگاه‌های رهبران دینی جامعه بهترین و موثق‌ترین منبع برای کسب حقایق دینی است. در خلال این تحقیق سعی شده است دیدگاه‌های اسلامی در مورد شش محور وضع علمی- آموزشی، فرهنگی- هنری، معیشتی- اقتصادی، سیاسی- مدیریتی، حقوقی و جایگاه زنان در خانواده و اجتماع به دقت استخراج گردد تا از هرگونه اشتباه استراتژیک پرهیز گردد. بدون درک درست دستورات دینی و دیدگاه‌های رهبران دینی احتمال سقوط در مبانی نظری ضددینی و منحرف زیاد است. زیرا این دیدگاه‌های غیرالهی با درک سطحی از نیاز انسان نوعی شاخص‌های ارزیابی ارائه می‌کنند که جز دور شدن از اخلاق و زایل شدن استعدادهای انسانی نتیجه ای ندارد.

– طراحی سیستم سنجش وضعیت محورها بر اساس نظام ارزشی

بعد از درک مبانی نظری که یک نگاه کلی و جهت‌گیری اصلی را به دست می‌دهند، لازم است شاخص‌های سنجش وضعیت طراحی گردد. در این راستا لازم است شاخص‌های محورهای شش‌گانه به گونه ای طراحی و استخراج شوند که برای هر یک توجیه کافی به لحاظ سیستم ارزشی، وجود داشته باشند و اگر مطالعات دیگری در پیشینه تحقیق وجود دارد که به طراحی این سیستم سنجش کمک می‌کند نیز باید مورد استفاده قرار گیرد. هر دو روش مقایسه تطبیقی و تحلیل ثانویه، در این مسیر کارساز است.

– سنجش وضعیت پدیده از طریق شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها

اگر شاخص‌های ارزیابی پدیده از طریق مبانی نظری بدست آمده باشند، آنگاه سنجش مقدار آن شاخص‌ها می‌تواند تصویری درست از وضعیت پدیده مورد مطالعه بدست دهند. بدیهی است که مبانی نظری جهت شاخص‌ها را مشخص می‌کند. مثلاً برخی شاخص‌ها مقدار بیشتر آنها بهتر است (سطح آموزش) و برخی شاخص‌ها مقدار کمتر آنها بهتر است. (فرار از خانه). البته چالش اساسی در مورد برخی از شاخص‌ها است که تبلیغات غربی و فمینیستی باعث شده جامعه درباره آنها دچار ابهام شود. به‌طور مثال میزان حضور زن در بیرون از

خانه و اشتغال. در این صورت با استفاده از تحلیل موقعیت می‌توان جواب نهایی را احصاء کرد. مثلاً مطابق با مبانی نظری جز در مورد زنان سرپرست خانواده و تخصص‌هایی که زنان به آن نیازمند هستند، حضور زن به عنوان مادر و همسر در خانواده بر حضور او در جامعه به عنوان کارمند ترجیح دارد.

– ارائه برنامه پیشنهادی برای اصلاح شاخص‌ها

مطالعه شاخص‌ها وضعیت جامعه را در محورهای شش‌گانه نشان خواهد داد. بعد از آن است که از طریق مقایسه آن با گذشته می‌توان بهبود یا عدم بهبود آنها را دریافت. بعلاوه این نتایج نشان می‌دهد که چه حوزه‌هایی نیازمند اصلاحات بیشتری هستند. طبیعتاً با توجه به نگاه کلان تحقیق نوعی رویکرد استراتژیک مورد نیاز خواهد بود. رویکرد استراتژیک اجازه می‌دهد عوامل اصلی اثرگذار شناسایی شده و برای تغییر هر یک پیشنهادهای ارائه گردد. لذا بر مبنای یافته‌های حاصل از تحلیل شاخص‌ها در هر شاخص و همچنین با توجه به سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در ۱۴۰۴، اهداف کلان و اهداف خرد، کلان استراتژی‌ها، استراتژی‌ها و برنامه‌های عملیاتی برای حرکت از وضعیت موجود در هر یک از حوزه‌ها و شاخص‌های مورد مطالعه ارائه می‌گردد.

بر اساس نتایج هر حوزه و وزن بندی شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدات استخراج گردیده که نشان می‌دهد که چه حوزه‌هایی نیازمند اصلاحات بیشتری هستند و بر اساس روش برنامه‌ریزی استراتژیک، برای بهبود وضع زنان پیشنهادهای ارائه شده است.

همچنین ارزیابی وضعیت موجود و طراحی وضعیت مطلوب در هر یک از حوزه‌های شش‌گانه صورت گرفته است (حوزه‌های وضعیت علمی و آموزشی، وضعیت فرهنگی و هنری زنان، وضعیت اقتصادی و معیشتی زنان، وضعیت سیاسی و مدیریتی زنان، وضعیت حقوقی زنان و وضعیت خانوادگی و اجتماعی زنان) و طراحی وضعیت مطلوب بر اساس مبانی نظری استوار شده است به گونه‌ای که جامعه مطلوب جمهوری اسلامی بر اساس سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ طراحی می‌شود و لذا جامعه آرمانی و ایده‌آل برای شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها به عنوان

وضعیت مطلوب تعریف نخواهد شد بلکه وضع مطلوب مطابق با نکات مورد توجه در فاز اول و مبانی نظری تحقیق طراحی می‌گردد.

لذا روشهای مورد استفاده در این تحقیق و نیز تکنیکهای پژوهش حاضر عبارتند از:

این تحقیق با استفاده از رویکرد ترکیبی کیفی و کمی (MIX METHOD) صورت می‌گیرد.

روش‌های مورد استفاده در رویکرد ترکیبی این پژوهش عبارتند از:

الف- مقایسه تطبیقی (COMPARATIVE METHOD)

در این روش با استفاده از مقایسه روند شاخص‌های مورد مطالعه در طول دهه‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و

۱۳۸۵ و در برخی شاخص‌ها تا سال ۱۳۸۸، وضعیت زنان در هر یک از شاخص‌ها مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

ب- تحلیل ثانویه (SECONDARY ANALYSIS)

با استفاده از این روش داده‌های مورد نیاز برای شاخص‌های مورد مطالعه، تجزیه و تحلیل می‌گردد.

ج- روش برنامه‌ریزی استراتژیک (STRATEGIC PLANNING)

با استفاده از این روش، پس از تعیین وضعیت موجود زنان در حوزه‌های گوناگون مورد مطالعه در پژوهش،

کلان استراتژی‌ها، استراتژی‌ها و برنامه‌های عملیاتی متناسب با حوزه‌های شش‌گانه جایگاه علمی و آموزشی زنان،

جایگاه فرهنگی و هنری زنان، جایگاه اقتصادی و معیشتی زنان، جایگاه سیاسی و مدیریتی زنان، جایگاه حقوقی

زنان و جایگاه خانوادگی و اجتماعی زنان ارائه می‌گردد.

د- روش فراتحلیل (META ANALYSIS)

در حوزه وضعیت حقوقی زنان قوانین و مقررات موجود در خصوص زنان در قبل از انقلاب اسلامی و سه

دهه بعد از انقلاب مورد فراتحلیل قرار خواهد گرفت.

۲-۲- تکنیک‌های تحقیق

عمده‌ترین تکنیک‌های مورد استفاده در این تحقیق عبارتند از:

الف- تحلیل آماری (STATISTICAL ANALYSIS)

پس از تعیین شاخص‌ها و زیرشاخص‌های کمی و هر زیرشاخصی که آمارگذاری را پذیرا باشد، مورد تجزیه و تحلیل عددی قرار خواهد گرفت تا تصویری درست از وضعیت پدیده مورد مطالعه بدست دهند و تحلیل وضعیت شاخص‌ها وضعیت جامعه را در محورهای شش‌گانه نشان خواهد داد. بعد از آن است که از طریق مقایسه آن با گذشته می‌توان بهبود یا بدبود آنها را دریافت.

لذا تحلیل آماری و همچنین تحلیل کیفی شاخص‌ها و زیرشاخص‌های مورد مطالعه در هر حوزه صورت می‌گیرد و همچنین مباحث مربوط به مقایسه آمارهای مربوط به روند هر شاخص و زیرشاخص طی قبل و بعد از انقلاب ارائه می‌گردد و بررسی وضعیت موجود و مطلوب زنان در جمهوری اسلامی ایران از طریق ارائه آمار و اطلاعات رسمی و همچنین جمع‌آوری نقطه نظرات خبرگان و نخبگان، چگونگی وضعیت شاخص‌ها و زیرشاخص‌های زنان تشریح گردد.

ب- پرسشنامه (QUESTIONNAIRE)

برخی از زیرشاخص‌ها که به لحاظ ماهیت خود، می‌بایست به نحو کیفی مورد بررسی قرار گیرند نیز مورد مطالعه پیمایشی با استفاده از ابزار پرسشنامه قرار خواهد گرفت. این پرسشنامه در حوزه‌های وضعیت فرهنگی و هنری زنان، وضعیت سیاسی و مدیریتی زنان و وضعیت اجتماعی و خانوادگی زنان طراحی و در بین اساتید و نخبگان حوزه دانشگاهی توزیع می‌شود تا خلاءهای آماری شاخص‌های کیفی و فاقد آمار احصاء نماید.

ج- فراتحلیل

در حوزه وضعیت حقوقی زنان قوانین و مقررات موجود در خصوص زنان در قبل از انقلاب اسلامی و سه

دهه بعد از انقلاب مورد فراتحلیل قرار خواهد گرفت که در هر شاخص و زیرشاخص تحلیل‌های مربوطه نشان خواهد داد وضعیت قوانین و مقررات در خصوص جایگاه حقوقی زنان چه تغییراتی یافته است.

۳-۲- منابع مطالعاتی تحقیق

- پایان نامه‌های مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری.
- طرح‌های پژوهشی انجام شده در سطح ملی.
- مقالات چاپ شده بر مبنای پژوهش‌های ملی.
- مصاحبه با صاحب‌نظران و نخبگان امور زنان.
- کتاب‌های نظری در خصوص زنان.
- اطلاعات موجود در اینترنت.
- داده‌های آماری مراکز آماری و تحقیقی سازمانها و نهادهای مرتبط

۴-۲- تجزیه و تحلیل داده‌ها

الف - روش تجزیه و تحلیل (در شاخص‌های دارای آمار)

شاخصها و زیرشاخصهای مورد مطالعه که دارای آمار می‌باشند، مورد تحلیل آماری قرار گرفته است تا تصویری درست از وضعیت پدیده مورد مطالعه بدست دهند. بدیهی است که مبانی نظری جهت شاخصها را مشخص می‌کند. مثلا برخی شاخصها مقدار بیشتر آنها بهتر است (سطح آموزش و....) و برخی شاخصها مقدار کمتر آنها بهتر است. (فرار از خانه و....). به هر حال مطالعه شاخصها وضعیت جامعه را در محورهای شش‌گانه نشان خواهد داد. بعد از آن است که از طریق مقایسه آن با گذشته می‌توان بهبود یا عدم بهبود آنها را دریافت.

ب - معرفی وسیله اندازه‌گیری تحقیق (در شاخص‌های فاقد آمار فرهنگی، سیاسی و اجتماعی)

پس از تعیین شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها که تا حد ممکن کمی است، تا آنجا که میسر بوده تلاش شده تا آمار قبل و بعد از انقلاب از مراکز و مراجع متعدد جمع‌آوری و پردازش گردد. هر زیرشاخصی که آمارگذاری را پذیرا بود، در قید رقم و عدد واقع شد و برخی از زیرشاخصها که به لحاظ ماهیت خود، می‌بایست به نحو کیفی مورد بررسی قرار گیرند، نیز مورد مطالعه پیمایشی با استفاده از ابزار پرسشنامه قرار گرفتند.

لذا پرسشنامه‌ای در حوزه‌های وضعیت فرهنگی و هنری زنان، وضعیت سیاسی و مدیریتی زنان و وضعیت اجتماعی و خانوادگی زنان طراحی و آماده گردید که این پرسشنامه خلاءهای آماری حوزه‌های فرهنگی و هنری، سیاسی و مدیریتی و اجتماعی و خانوادگی زنان را مورد توجه قرار داده و در بین اساتید و نخبگان حوزه دانشگاهی توزیع گردیده است که نتایج مربوط به هر شاخص و زیرشاخص در حوزه مطالعاتی مربوطه ارائه شده است و آمارهای هر شاخص و زیرشاخص مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

لذا در برخی از شاخص‌های سه حوزه فوق روش تحقیق بصورت پیمایشی (Survey Method) می‌باشد و داده‌ها بصورت میدانی جمع‌آوری شده و در مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت و تکنیک جمع‌آوری اطلاعات در این بخش استفاده از ابزار پرسشنامه می‌باشد.

پرسشنامه تهیه شده دارای ۲۷ سوال برای سنجش شاخص‌ها و زیرشاخص‌های فاقد آمار در حوزه وضعیت فرهنگی و اجتماعی زنان، ۷ سوال برای سنجش شاخص‌ها و زیرشاخص‌های فاقد آمار در حوزه وضعیت سیاسی و مدیریتی زنان و ۲۵ سوال برای سنجش شاخص‌ها و زیرشاخص‌های فاقد آمار در حوزه وضعیت فرهنگی و هنری زنان است که در مجموع ۵۹ سوال را شامل می‌گردد که نمونه پرسشنامه تحقیق، پیوست می‌باشد. برای تکمیل پرسشنامه‌های تحقیق و انجام فرایند گردآوری داده‌های پژوهش، پرسشگران بعد از آموزش، در هنگام مراجعه به پاسخگویان توضیحات لازم را ارائه نموده و سپس پرسشنامه‌ها در اختیار پاسخگویان قرار



گرفته و تکمیل گردیدند.

ج - اعتبار و پایایی وسیله اندازه‌گیری (در شاخص‌های فاقد آمار فرهنگی، سیاسی و اجتماعی)

یکی از مهمترین موارد قابل توجه در سنجش متغیرهای اجتماعی (غیر تجربی)، توجه به اعتبار و پایایی ابزار اندازه‌گیری پژوهش است.

«مفهوم اعتبار (VALIDITY) به این سؤال پاسخ می‌دهد که ابزار اندازه‌گیری تا چه حد خصیصه و مفهوم مورد نظر را می‌سنجد و بدون آگاهی از اعتبار ابزار اندازه‌گیری، نمی‌توان به دقت داده‌های حاصل از آن، اطمینان داشت». (سرمد و همکاران ۱۳۷۸: ۱۷۰).

از مهمترین روشهای تعیین اعتبار اندازه‌گیری، روشهای اعتبار محتوا (CONTENT VALIDITY) و اعتبار نظری (FACE VALIDITY) می‌باشد که هر دوی این روشها بر نظر و تأیید افراد صاحب فن و متخصص در مورد وسیله اندازه‌گیری نظر دارند.

برای تأمین اعتبار ابزار اندازه‌گیری (پرسشنامه) در این پژوهش، نظر ده نفر از کارشناسان و متخصصان به عنوان ملاکی برای اعتبار، پرسیده شد و ملاک لازم برای اعتبار نظری و محتوایی وسیله اندازه‌گیری تحقیق، حاصل گردید.

برای برآورد پایایی (RELIABILITY) یا قابلیت اعتماد ابزار اندازه‌گیری تحقیق (که در واقع بر این نظر است که وسیله اندازه‌گیری پژوهش تا چه حد در صورت تکرار آزمون، نتایجی مشابه را به دست می‌دهد)، چند روش وجود دارد که از مهمترین آنها می‌توان به روشهای زیر اشاره نمود:

۱- روش فرم‌های جایگزین (ALTERNATIVE FORM)

۲- روش نصف به نصف (SPLIT HALVES)

۳- روش آزمون دوباره (TEST RETEST)

اما هرکدام از این روشها نواقصی دارند و برای رفع این نواقص، در این تحقیق برای برآورد پایایی وسیله اندازه‌گیری تحقیق، از برآورد «آلفای کرونباخ» (CRONBACHS ALPHA) استفاده گردید.

«این روش برای محاسبه روایی و قابلیت اعتماد ابزار اندازه‌گیری از جمله پرسشنامه، بکار می‌رود. روش کار نیز به این صورت است که ابتدا باید واریانس هر زیر مجموعه سؤالات پرسشنامه (یا زیرآزمون) و واریانس کل را محاسبه کرد. سپس با استفاده از فرمول زیر، مقدار ضریب آلفا (پایایی درونی) را محاسبه کرد:

$$\alpha = \frac{NP}{1 + P(N-1)} \quad \text{N} = \text{تعداد گویه‌ها (سؤالات هر زیر مجموعه)}$$

P = میانگین همبستگی بین سؤالات

α = ضریب پایایی کرونباخ

این ضریب بین صفر و یک، تغییر می‌کند و کمیت صفر، مبین عدم پایایی و کمیت یک، مبین وجود پایایی و قابلیت اعتماد در سؤالات و گویه‌های طیف یا مجموعه مورد نظر است.

(Carmines & Zeller ۱۹۹۵: ۶۹-۷۴).

اگر همبستگی بین نمرات آزمون‌هایی که خصیصه واحدی را اندازه‌گیری می‌کنند بالا باشد، آزمون دارای پایایی می‌باشد. محاسبه Reliability Item to total یا پایداری درونی گویه بمنظور سنجش قدرت گویه در سنجش مقیاس بکار می‌رود. به عبارت دیگر میزان هم‌نوایی گویه با سایر گویه‌های همان مقیاس مورد نظر است. محاسبه Reliability Item to total بدین صورت است که ابتدا تمامی گویه‌های یک مقیاس را که از یک نوع بوده و همگی بوسیله Recode هم‌مسیر شده‌اند، با هم جمع زده و متغیر جدیدی ساخته می‌شود و سپس برای سنجش پایداری درونی یک گویه، آن گویه را از متغیر جدید کم می‌کنیم و شاخص جدیدی بدست می‌آید و آنگاه میزان همبستگی این شاخص با گویه مورد نظر محاسبه می‌گردد.

نتایج حاصل از آزمون آلفای کرونباخ برای پرسشنامه تحقیق نشان داد همه سؤالات پرسشنامه دارای روایی



قابل قبولی هستند و روایی کل ابزار اندازه‌گیری تحقیق نیز برابر با ۰/۷۵ می باشد.

د - جمعیت آماری، نمونه آماری و روش نمونه‌گیری (در شاخص‌های فاقد آمار)

جامعه آماری مورد مراجعه برای تکمیل پرسشنامه تحقیق در ابعاد فرهنگی و هنری، سیاسی و مدیریتی و اجتماعی و خانوادگی، اساتید و نخبگان برجسته دانشگاه‌های کشور در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است که فضای قبل از انقلاب را درک کرده‌اند و توانایی مقایسه و تجزیه و تحلیل شرایط و وضعیت زنان حال حاضر با دهه‌های گذشته و قبل از انقلاب در شاخصها و زیرشاخصهای فاقد آمار را داشته‌اند و تعداد ۲۰۰ نفر از این افراد مورد مراجعه حضوری به عنوان نمونه آماری قرار گرفته‌اند که لیست برخی از افراد مورد مطالعه در نمونه آماری تحقیق، پیوست می‌باشد.

ه - گردآوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل (در شاخص‌های فاقد آمار فرهنگی، سیاسی و اجتماعی)

کلیه پرسشنامه‌های تکمیل شده مورد بازبینی قرار گرفت و پرسشنامه‌های ناقص، مخدوش و تکمیل نشده از نمونه نهایی حذف گردیده و در نمونه نهایی تحقیق تعداد ۱۷۶ پرسشنامه برگزیده شد. سپس کدهای مربوط به هر سؤال وارد رایانه گردید و بعد از آن، مرحله ویرایش متغیرها و آزمون‌های آماری انجام گردید.

و- روش تجزیه و تحلیل (در شاخص‌های فاقد آمار وضعیت حقوقی زنان)

همچنین در حوزه وضعیت حقوقی زنان قوانین و مقررات موجود در خصوص زنان در قبل از انقلاب اسلامی و سه دهه بعد از انقلاب مورد بررسی و فراتحلیل قرار گرفت که در هر شاخص تحلیل‌های مربوطه نشان داد وضعیت قوانین و مقررات در خصوص جایگاه حقوقی زنان چه تغییراتی یافته است.

پس از اتمام فاز دوم که به تحلیل وضعیت موجود زنان در جمهوری اسلامی ایران پرداخته است، در فاز سوم بر اساس نتایج هر حوزه و وزن‌بندی شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها نقاط قوت، ضعف، فرصتها و تهدیدات استخراج می‌گردد که نشان می‌دهد که چه حوزه‌هایی نیازمند اصلاحات بیشتری هستند. طبیعتاً با توجه به نگاه کلان تحقیق نوعی رویکرد استراتژیک مورد نیاز خواهد بود.

فصل سوم:

جایگاه علمی و آموزشی زنان

۱-۳- پیش درآمد جایگاه علمی و آموزشی زنان

خداوند متعال علم و دانش را علت کلی و اساسی آفرینش همه پدیده های هستی جهان معرفی کرده است، همین نکته برای نشان دادن ارزش و عظمت علم و علما بهترین دلیل گویا و قاطع ترین گواه می باشد. (آداب تعلیم و تعلم در اسلام-سید محمد باقر حجتی) وقتی خداوند متعال می خواهد چشم بصیرت انسان را در برابر این نکته و حقیقت باز کند در کتاب آسمانی خود می فرماید:

"خدائی که هفت آسمان را آفرید و زمین را همسان و همانند با آن خلق کرد. هدف آن این است که از علم و بصیرت برخوردار گردید، بصیرتی که شما را به قدرت و توانایی همه گیر و گسترده خداوند رهنمون باشد" (سوره طلاق- آیه ۱۲). خداوند با نخستین نعمت خویش -یعنی علم و دانش بر آدم ابوالبشر منت نهاد، آنگاه که پروردگار جهان، آدم را آفرید و او را از بوته تیره عدم رهایی بخشید و لباس نورانی هستی را بر قامت وی پوشاند، بر او از آن جهت منت نهاد که وجود او را با زینت علم بیاراست. یکی از افتخارات دین مبین اسلام این است که در روزگاری که تاریکی جهل سراسر جهان را فرا گرفته بود، بیشترین تشویق ها را برای فراگیری علم نمود، بلکه آموختن علم را برای همه انسان ها اعم از زن و مرد واجب کرد. دین اسلام در زمینه فراگیری علم و دانش تفاوتی میان زن و مرد قائل نشده است حتی برای آموزش زنان تاکید فراوان تری شده است.

نظام آموزش عالی به عنوان نهاد مولد نیروی انسانی متخصص از جایگاه ویژه ای در نیل جوامع به توسعه پایدار برخوردار است و ضرورت دارد به طور جدی مورد عنایت دست اندرکاران امر قرار گیرد. از سوی دیگر فراهم سازی زمینه سواد آموزی همه افراد جامعه از طریق گسترش آموزشهای عمومی، وظیفه دیگری است که در قلمرو آموزش باید به آن توجه گردد؛ زیرا همان طور که در ادامه به آن اشاره خواهد شد تدارک آموزشهای اجباری و رایگان برای همه افراد لازم التعلیم از وظایف اصلی حکومت ها به حساب آمده است. امروزه شاید هیچ صاحب نظری منکر این واقعیت نباشد که جامعه ایران تقریباً در دو - سه دهه گذشته، خصوصاً بعد از انقلاب اسلامی، تحولات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و آموزشی خطیری را سپری کرده است. یکی از مهمترین این

تحولات، بسان بسیاری از کشورهای در حال توسعه، گسترش آموزش عالی در سطوح و مقاطع گوناگون بوده است. این رویداد با حضور و مشارکت چشمگیر زنان و دختران در آموزش عالی همراه بوده است. این تحول مهم در جامعه ایران، یعنی گسترش آموزش عالی بطور اعم و افزایش مشارکت زنان در آموزش عالی بطور اخص از ابعاد گوناگون قابل تأمل است. در این مقاله ضمن توجه به دیدگاههای قرآن، احادیث، کلام حضرت امام خمینی و تدابیر مقام معظم رهبری درباره آموزش، به تبیین موضوعات اصلی مرتبط با آموزش زنان از گذشته تا امروز پرداخته خواهد شد.

۲-۳- مبانی نظری جایگاه علمی و آموزشی زنان

در خصوص آموزش در قرآن و روایات موارد گوناگونی ذکر گردیده که نشانگر توجه ویژه دین مبین اسلام به آموزش می باشد که به مواردی از آن اشاره می گردد:

خداوند متعال در اولین سوره ای که بر پیامبرش محمد(صلی الله علیه و آله) فرو فرستاد ارزش نعمت علم و دانش را بازگو فرموده و بر تمام افراد بشر چنین منت نهاده که در میان تمام پدیده های هستی، وجود آنها را با علم، ویژگی بخشیده و مشخص و ممتازشان ساخته است، آنجا که می فرماید:

"ای پیامبر، به نام پروردگارت خواندن را آغاز کن، پروردگاری که آفریننده است. انسان را از خون بسته شده و یا چیزی شبیه کرم و زالو آفرید. بخوان ای پیامبر، و پروردگار تو کریم ترین کریمان است، بدان جهت که با خامه و قلم، بشر را با علم و دانش آشنا و مانوس ساخت." (علق-آیه های ۱ تا ۴) در سوره زمر آیه ۹ خداوند درباره کسب علم و دانش می فرماید: "آیا آنان که با سلاح علم مجهزند و افرادی که با جهل و نادانی دست به گریبان اند، با هم برابرند".

حضرت محمد(صلی الله علیه و آله) می فرماید: "جُستَن علم، نزد خداوند از نماز و روزه و حج و جهاد

در راه خدای عز و جل بهتر است: (نهج الفصاحه)



"دانش طلبی و علم آموزی بر هر فرد مسلمان (اعم از زن و مرد) لازم و ضروری (واجب) است" (بحار الانوار، جلد یک، ص. ۲۱۳) به نقل از مصطفوی، ص. ۱۰۹) همان گونه که اشاره شد پیامبر کسب علم را فریضه برای هر مسلمان تلقی فرمود. "اطلبوا العلم من المهد الی الحد" زگهوار تا گور دانش بجوی.

"آنگاه که دانشجو-برای دانش آموختن- خانه خود را ترک می گوید تا آن لحظه ای که دوباره به خانه خویش بازگردد، سیر و جهاد در راه خدا محسوب می گردد" (حجتی، ص. ۵۹)

"در طلب علم زود خیز باشید، زیرا زود خیزی مایه برکت و کامیابی است" (نهج الفصاحه)

"هیچ صدقه و بخششی نمی تواند با نشر و تعلیم علم برابری کند" (منیه المرید، ص. ۹۰).

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) به کمیل فرمود: "کمیل، علم بهتر از مال است، زیرا علم و دانش از تو پاسداری و نگهداری کرده... ولی در مورد مال، ناگزیری که خود نگهداری و پاسدار آن باشی... صرف مال و انفاق آن، موجب نقصان و کاهش آن می گردد، در حالیکه انفاق علم، یعنی تعلیم آن به دیگران، اندوخته های علمی عالم را پربارتر میسازد...." (منیه المرید، ص. ۱۲ و ۱۳).

آموزش زن در دیدگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری

در میان رهبران سیاسی و فکری جهان نمی توان شخصیتی را پیدا نمود که به اندازه رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران از بانوان تجلیل و تکریم نموده باشد؛ امام خمینی (ره) با الهام از تعالیم انبیاء و اولیاء الهی؛ وقتی در مورد آموزش زنان سخن می گفتند زیباترین و شیواترین کلمات را به کار می بردند که در تمام این سخنان ضرورت تلاش و کوشش برای علم آموزی مورد تاکید قرار گرفته است. زنان ایران با درک درست از آموزه های دینی در حوزه های تعلیم و تربیت به ایفای نقش پرداخته و وظیفه خطیر تربیت فرزندان و پرورش نسل صالح را به دوش کشیدند امام در این باره می فرماید: شما بچه های خودتان را خوب حفظ کنید، بچه های خودتان را خوب تربیت کنید این بچه ها هستند که کشوری را نجات می دهند در دامن شما اینها اسلامی بار بیابند در دامن شما اینها با فضیلت بار بیابند با ایمان بار بیابند تا در این مملکت بتوانند خدمت کنند.

" بنا بر این حدیث که طلب علم فریضه است و در بعضی از روایات: برای همه زنها و مردها فریضه است پیرزن و پیرمرد هم می توانند آموزش ببینند، می توانند تحصیل کنند، مایوس از خودشان نباشند. "(سیمای زن در کلام امام خمینی، ص. ۱۴۳)"

زنان در جامعه اسلامی آزادند و از رفتن آنان به دانشگاه، ادارات و مجلس به هیچ وجه جلوگیری نمی شود" (کلام امام، ص. ۲۹)"

" لازم است تمام بی سوادان برای یادگیری و تمام خواهران و برادران باسواد برای یاد دادن، آموزش و پرورش با تمام امکانات به پا خیزند... برادران و خواهران دینی برای رفع این نقیصه دردآور بسیج شوید و ریشه این نقیصه را از بن برکنید. "(سیمای زن در کلام امام خمینی، ص. ۱۴۳)

((زنان شیردل و متعهد، همدوش مردان عزیز به ساختن ایران عزیز پرداخته چنانکه به ساختن خود در علم و فرهنگ پرداخته‌اند و شما شهر و روستایی را نمی‌یابید جز آنکه در آنها جمعیت‌هایی فرهنگی و علمی از زنهای متعهد و بانوان اسلامی ارجمند به وجود آمده است)). (صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۷۲)

" درود بی پایان بر زنان متعهدی که اکنون در سراسر کشور به تربیت نوباوگان و تعلیم بی سوادان و تدریس علوم انسانی و آموزش فرهنگ غنی قرآنی اشتغال دارند... "(زن از دیدگاه امام، ص. ۴۴)

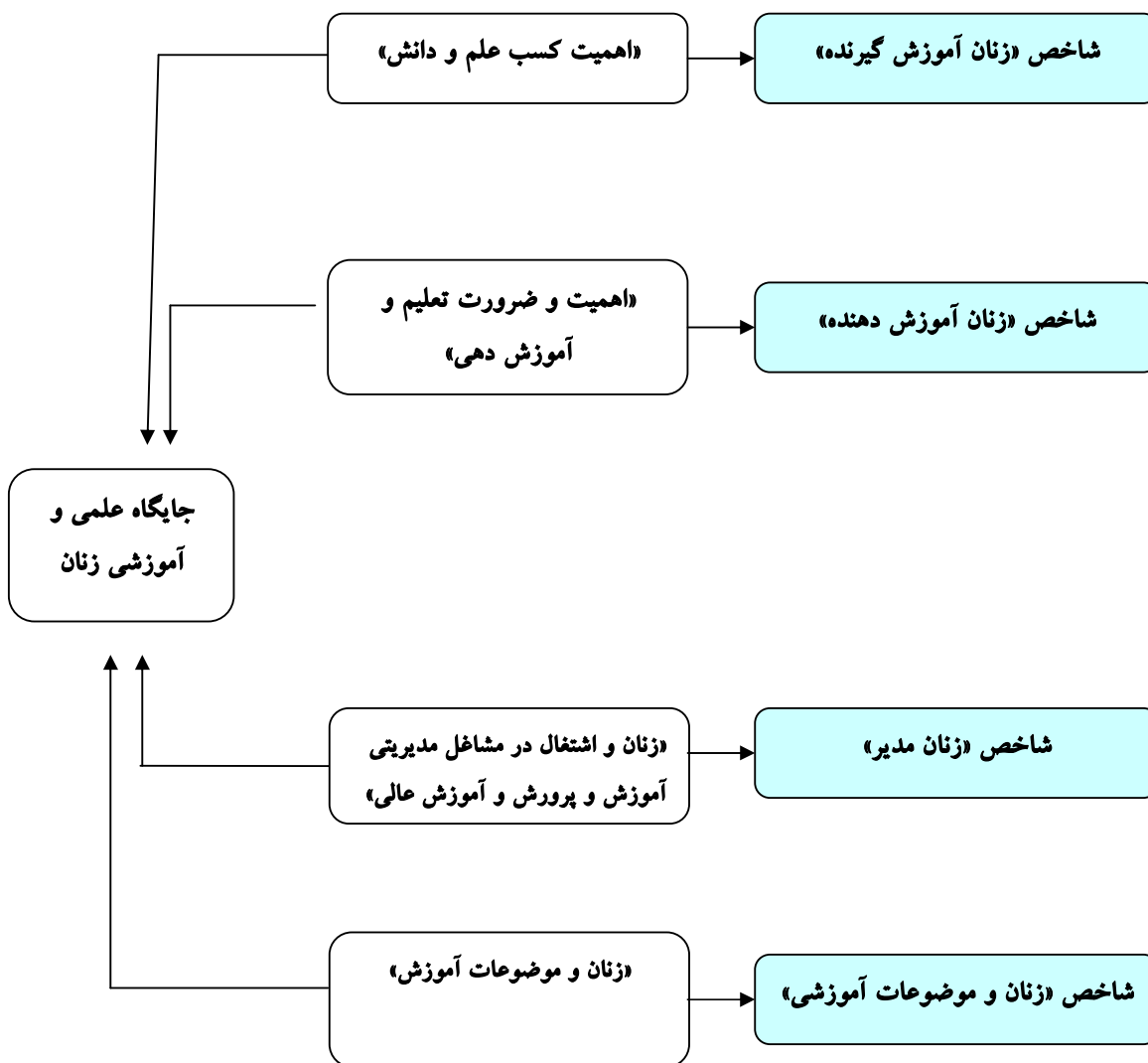
مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای در جای جای سخنان خویش اهمیت آموزش گیری و آموزش دهی را برای همه اعم از زن و مرد خاطر نشان ساخته و همگان را به آن توصیه نموده اند:

" شما هر چه بتوانید، به خصوص دانشجویان دختر را تربیت و تشویق کنید و در رشته های علوم پیش ببرید؛ این کار انقلاب را به اهداف خودش نزدیک تر خواهد کرد. امیدوارم مشکلات کار تحصیلی هم از سر راه زنان، بیش از پیش برداشته شود... امید است این مشکلات برطرف شود و دختران و زنان مسلمان بتوانند این جاده تحصیل علم را هر چه بیشتر و قوی تر بپیمایند... "(آیینة زن، ص. ۱۷۱)

"کارهای علمی و دانشگاهی از هر نوعش برای زن مناسب است، زن اگر بخواهد استاد شده و تعلیم و تدریس کند و کتاب بنویسد و کارهای فرهنگی بکند، در هر رشته ای که باشد فرقی نمی کند؛ چه رشته علمی محض باشد، چه رشته های علوم انسانی و تجربی و دینی باشد، تفاوتی نمی کند؛ در کارهای اجرایی، تعلیم و تربیت، بهترین کار است و کارهای بهداشت و درمان هم همین طور" (آیینه زن، صص. ۱۶۶-۱۶۵)

"از مسئولیت های مهمی که زنان می توانند در آن نقش داشته باشند، امور فرهنگی و آموزشی است، شما بنا به وظیفه حساستان باید شاگردان را در مدارس، مومن تربیت کنید نه متظاهر و دارای احساس اجبار به ایمان... معلمین در طبقه بندی ارزشی مشاغل در درجه اول قرار دارند و این شما هستید که باید به متعلمیتان جهاد، ایثار و آینده نگری را بیاموزانید تا آینده انقلاب تضمین شود." (آیینه زن، ص. ۱۷۲)

۳-۳- چارچوب کلی مدل مفهومی جایگاه علمی و آموزشی زنان





۳-۴- شاخص ها و زیرشاخص های جایگاه علمی و آموزشی زنان

۱-۱- زنان آموزش گیرنده

۱-۱-۱- نسبت دانش آموزان دختر به معلمان زن در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه

۱-۱-۲- نسبت زنان در حال تحصیل در آموزش و پرورش

۱-۱-۳- نسبت میزان سواد در زنان

۱-۱-۴- نسبت پذیرفته شدگان زن در آموزش عالی

۱-۱-۵- نسبت دانشجویان زن در تمام مقاطع و دوره های تحصیلی

۱-۱-۶- نسبت شرکت زنان در حوزه های علمیه

۱-۲- زنان آموزش دهنده

۱-۲-۱- نسبت فارغ التحصیلان زن دانشگاهها و مراکز آموزش عالی در مقاطع تحصیلی مختلف

۱-۲-۲- نسبت زنان شاغل در آموزش و پرورش به کل جمعیت زنان شاغل

۱-۲-۳- نسبت زنان شاغل در آموزش عالی به کل جمعیت زنان شاغل

۱-۲-۴- نسبت زنان شاغل در آموزش و پرورش

۱-۲-۵- نسبت زنان شاغل در آموزش عالی

۱-۲-۶- نسبت زنان عضو هیات علمی (کارکنان آموزش) دانشگاهها و مراکز آموزش عالی

۱-۲-۷- نسبت زنان هیات علمی (کارکنان آموزش) به کل زنان شاغل

۱-۲-۸- نسبت اساتید زن حوزه های علمیه

۱-۳- زنان مدیر

۱-۳-۱- نسبت اشتغال زنان مدیر در آموزش و پرورش به کل زنان شاغل در آموزش و پرورش

۱-۳-۲- نسبت اشتغال زنان مدیر در آموزش عالی به کل زنان شاغل در آموزش عالی

۱-۳-۳- نسبت زنان مدیر شاغل در آموزش و پرورش و آموزش عالی

۱-۴- زنان و موضوعات آموزشی

۱-۴-۱- نسبت مقالات و کتابهای ترجمه و تالیف شده توسط زنان

۱-۴-۲- نسبت زنان نویسنده و مترجم به کل زنان

۱-۴-۳- نسبت زنان نویسنده و مترجم

۱-۴-۴- نسبت زنان مخترع

۱-۴-۵- نسبت زنان برگزیده در جشنواره ها به کل زنان

۱-۴-۶- نسبت زنان برگزیده در جشنواره ها

۱-۴-۷- نسبت زنان عضو کتابخانه های عمومی



۵-۳- تحلیل جایگاه علمی و آموزشی زنان

در عهد ناصری اولین مدرسه دخترانه به سبک اروپایی در تهران تأسیس گردید اما دختران مسلمان اجازه ورود به این مدرسه را نداشتند. «در زمان ناصرالدین‌شاه، با اوج‌گیری جریان نوگرایی و با فشار طبقات بالا که با کشورهای دیگر رفت‌وآمد تجاری و فرهنگی داشتند، دختران این طبقه توانستند در مدارس آمریکایی نام‌نویسی کنند؛ در همان سال‌های عصر قاجار و خصوصاً سال‌های منتهی به نهضت مشروطه و پس از آن، زنان برای کسب حقوق خویش فعال شدند. اصلی‌ترین هدف این گروه از زنان، تأسیس مدارس دخترانه و علم‌آموزی زنان و دختران ایرانی بود، هدفی که پیش از انقلاب مشروطیت نیز تنی چند از زنان و مردان ترقی‌خواه گام‌هایی به منظور تحقق آن برداشته بودند، مثلاً در سال ۱۳۲۱ خانم طوبی رشدیه مدرسه دخترانه پرورش را در قسمتی از منزل مسکونی خویش تأسیس کرد که با استقبال مردم مواجه شد. در سه روز اول تأسیس این مدرسه، هفده نفر در آن ثبت‌نام کردند ولی در روز چهارم فراشان دولتی تابلوی مدرسه را برداشتند و مدرسه را منحل کردند. درباره سوادآموزی زنان و تأسیس مدارس دخترانه، چند نگرش در بین مردان مشروطه‌خواه مطرح بود؛ گروهی بر این نظر بودند که مردان برای مصاحبت و هم‌فکری نیاز به زنان باسواد و عالم دارند و از این طریق مردان ترقی می‌کنند. این گروه از مشروطه‌خواهان با حمایت از تأسیس مدارس دخترانه، معتقد بودند که علاوه بر خواندن و نوشتن، «تربیت زنان در اموری که وظیفه شخصی آنهاست واجب است از قبیل تربیت اطفال و خانه‌داری و حفظ مراتب ناموس و شرف و بعضی علوم مقدماتی و علومیه که راجع به اخلاق معاش و معاشرت با خانواده باشد.» با این حال، آنان دامنه تحصیل و علم‌آموزی زنان را به همین امور محدود می‌دانستند و تأکید می‌کردند: «اما در امور خاصه رجال از قبیل علوم پلتیکی و امور سیاسی فعلاً مداخله ایشان اقتضا ندارد.» گروه دیگری از مشروطه‌خواهان به ویژه سوسیال‌دموکرات‌های متشکل در فرقه اجتماع‌یون عامیون ایران نه تنها محدودیتی برای سوادآموزی دختران در نظر نمی‌گرفتند بلکه خواستار آن بودند که «تعلیم پسران و دختران اجباری باشد و در شهرها و دهکده‌ها باید مدارس به طرز تازه باز شود.» (خسرو پناه، ص ۶۰)

در اواخر سال ۱۳۲۴ ه.ق پس از یک دوره فعالیت توضیحی و تبلیغی و آگاهی از نگرش‌های مختلف مشروطه خواهان نسبت به سوادآموزی زنان و دختران، گروهی از زنان به این نتیجه رسیدند که شرایط برای تأسیس مدرسه دخترانه در تهران مساعد است. از این رو در اوایل ماه صفر ۱۳۲۵ ه.ق / مارس ۱۹۰۷ میلادی، «دبستان دوشیزگان» توسط بی‌بی‌خانم وزیرف (استرآبادی) در تهران گشایش یافت و «اعلان» تأسیس و چگونگی فعالیت آن دبستان در روزنامه مجلس به چاپ رسید. «برنامه آموزشی این دبستان شامل نامه مشق قلم، تاریخ ایران، قرائت کتاب طبخ‌ی، قانون مذهب، جغرافیا و علم حساب می‌شد؛ ضمن این‌که آموزش خیاطی، کاموادوزی و خامه‌دوزی و غیره نیز در برنامه آموزشی دبستان گنجانده شده بود. همچنین برای جلوگیری از تنش‌های احتمالی در اعلان تأسیس مدرسه تأکید شده بود: «تمام این معلمین از طایفه اناثیه هستند و به غیر از یک پیرمرد قاپوچی، مردی در این مدرسه نخواهد بود.» (خسرو پناه. ص ۶). به‌رغم همه این مقدمه‌چینی‌ها گشایش دبستان دوشیزگان با جنجال گسترده‌ای در تهران مواجه شد. نهایتاً کیفیت آموزش در دبستان دوشیزگان مورد تصدیق وزارت معارف نیز قرارگرفت و بدین‌ترتیب نه تنها موقعیت دبستان دوشیزگان تثبیت شد که لزوم آموزش دختران و توانایی زنان در اداره مدرسه مورد تأیید دولت ایران قرارگرفت و راه برای تأسیس مدارس دخترانه در ایران هموار شد.

در اواخر سال ۱۲۹۰ شمسی (۵ سال پس از صدور فرمان مشروطیت) با ایستادگی مؤسسان مدارس دخترانه و فشار انجمن‌هایی که طرفدار آموزش دختران بودند مدارس جدید تا حدود زیادی مورد پذیرش عموم قرارگرفت. در سال‌های اول مشروطیت تعداد مدارس جدید افزایش یافت، ضمناً تا اواخر دوره قاجار یک مدرسه آمریکایی و یک مدرسه فرانسوی (مدرسه معروف ژاندارک) برای دختران تأسیس شد، البته تعداد دانش‌آموزان دختر در این مدارس به ۲۰۰ نفر هم نمی‌رسید. جمعیت ایران ۲۵ سال پس از انقلاب مشروطیت به ۸ میلیون نفر می‌رسید که در هر ۱۰۰ هزار نفر فقط ۱۸۰۳ نفر دانش‌آموز بودند و از آن میان تنها ۲۶ درصد را دختران تشکیل می‌دادند. در سال ۱۳۱۳ ه.ش نیز آموزش عالی زنان مورد تأیید دولت قرار گرفت و در سال ۱۳۱۶ دانشگاه تهران



اولین گروه زنان را در رشته‌ی پزشکی پذیرفت. با این حال بی‌سوادی زنان بسیار گسترده بود به طوری که در سال ۱۳۳۵ نود و دو درصد زنان بی‌سواد بودند.

نگاهی به وضعیت آموزشی زنان بعد از انقلاب اسلامی ایران

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری آن فقیه فرزانه، حضرت امام خمینی، تحولی عظیم در جامعه زنان پدید آمد. با حاکمیت ارزشهای اسلامی در جامعه، زنان تشویق به علم‌آموزی شده و محیط مناسب جهت این امر نیز فراهم گردید. تفکر حاکم بر جامعه نیز بر اساس رهنمودهای حضرت امام با پرهیز از غرب‌باختگی و تحجر فکری شکل گرفت. هرچند حوادث سهمگین و درهم تنیده سالیان اول پیروزی انقلاب و نیز جنگ طولانی تحمیلی، مانع از بروز و ظهور این اراده جدی مسئولین شد ولی پس از اتمام جنگ تلاش خاصی جهت رشد علمی و معنوی زنان انجام پذیرفت. در اولین برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران (۷۲ - ۱۳۶۸) یکی از سیاستهای دولت چنین بیان شده است:

- ۱- افزایش مشارکت زنان در امور اجتماعی - فرهنگی، آموزشی و اقتصادی با حفظ شئونات خانواده و ارزشهای متعالی شخصیت اسلامی زن.
- ۲- اعتلای موقعیت زنان از طریق تعمیم آموزش و افزایش زمینه‌های مشارکت زنان در امور اقتصادی - اجتماعی جامعه و خانواده.
- ۳- بالا بردن سطح سواد و دانش عمومی افراد جامعه بخصوص افزایش ضریب درصد تحصیلی دختران لازم‌التعلیم.

الف) وضعیت پذیرفته شدگان زن در آموزش و پرورش بعد از انقلاب اسلامی ایران

در دروان حاکمیت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران توجه جدی به افزایش سطح سواد عمومی افراد شده و آمارها نشانگر رشد بسیار خوب سطح سواد زنان می باشد به نحوی که در سال تحصیلی ۸۶-۸۵ نسبت میزان سواد در زنان، ۴۶٪ بوده است. داده های مذکور نشانگر رشد مناسب بهره مندی زنان از نعمت سواد می باشد. نسبت دانش آموزان دختر به کارکنان آموزشی زن در مقاطع ابتدایی، راهنمایی، متوسطه، دانشسرا و تربیت معلم در سال تحصیلی ۵۶-۱۳۵۵، ۴٪، در سال ۶۶-۱۳۶۵، ۴٪، در سال ۷۶-۱۳۷۵، ۴٪، و در سال ۸۶-۸۵، ۶٪، بوده است. داده های مذکور نشانگر آن است که متناسب با رشد دانش آموزان دختر، تعداد کارکنان آموزشی زن نیز از رشد برخوردار بوده است. از سوی دیگر آمارها نشان می دهد که نسبت زنان در حال تحصیل در آموزش و پرورش در سال تحصیلی ۵۶-۱۳۵۵، ۳۷٪، در سال ۶۶-۱۳۶۵، ۴۲٪، در سال ۷۶-۱۳۷۵، ۴۶٪ و در سال ۸۶-۸۵، ۴۸٪ بوده است. بر این اساس در دوران شکوهمند انقلاب اسلامی به افزایش سطح تحصیلات و سواد زنان توجه جدی گردیده است، به نحوی که در سال ۸۵ در حدود ۴۸ درصد از کل جمعیت در حال تحصیل را زنان تشکیل داده اند.

ب) وضعیت پذیرفته شدگان زن در آموزش عالی بعد از انقلاب اسلامی ایران

بررسی «مجید تهرانیان» (۱۳۵۷) در باره شرایط آموزش عالی ایران در دوره قبل از انقلاب نشان می دهد که در آستانه انقلاب، آموزش عالی کشور با چند مسأله بنیادی ذیل مواجه بوده است: پیوندهای نادرست (تقلید از غرب و قطع رابطه کامل با سنتهای قومی قبلی و سنتی ایران)، نخبه گرایی آموزشی، ناهماهنگی اشتغال و آموزش و آموزش حین اشتغال به جای اشتغال حین آموزش، رشد شتابان آموزش عالی و اکنون زندگی و سیاست زدگی مرور اسناد، آمار و ارقام مربوط به تعداد پذیرفته شدگان دوره های آموزش عالی ایران نشان می دهد که در دوره مربوط به قبل از انقلاب (۱۳۵۷)، آمار و ارقام دقیقی در مورد پذیرفته شدگان وجود نداشته و در مواردی تعداد پذیرفته شدگان با تعداد داوطلبان، دانشجویان و . . . اختلاط پیدا کرده است. همزمان با انقلاب اسلامی یعنی

سال تحصیلی ۱۳۵۷-۵۸ تعداد پذیرفته شدگان دوره های آموزش عالی (شامل کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی) در بخش دولتی ۵۶۲۵۷ نفر بود که از این تعداد، سهم زنان ۳۱/۵ درصد بوده است. در حالی که در سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹، تعداد پذیرفته شدگان دوره های آموزش عالی در بخش دولتی ۱۷۷۶۶۶ نفر بود که بیش از نیمی از آنها یعنی ۵۰/۵ درصد را زنان به خود اختصاص داده‌اند. شایان ذکر است که این سهم (سهم زنان در آموزش عالی) در سال ۸۱-۱۳۸۰ برای پذیرفته شدگان دانشگاههای کشور از طریق کنکور سراسری (بدون احتساب پذیرفته شدگان دوره‌های تحصیلات تکمیلی ناپیوسته) بیش از ۶۰ درصد یعنی ۷/۶۱ درصد بود. مقایسه تعداد پذیرفته شدگان در دوره های آموزش عالی در بخش دولتی در اول انقلاب یعنی سال تحصیلی ۱۳۵۷-۵۸ و سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹، رشد ۲۱/۶ درصدی را نشان می‌دهد و همچنین سهم زنان از اول انقلاب تا سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹، ۱۹ درصد و در مقایسه با تعداد پذیرفته شدگان کنکور سراسری ۸۱-۱۳۸۰، ۳۰/۲ درصد افزایش یافته است. سهم زنان در پذیرفته شدگان آموزش عالی، بین سالهای تحصیلی ۶۷-۱۳۶۶ الی ۷۳-۱۳۷۲ قابل توجه نبوده، بطوریکه در سال تحصیلی ۷۰-۱۳۶۹، سهم زنان به پایین‌ترین مقدار خود بعد از انقلاب یعنی ۲۵/۹ درصد رسیده است. به احتمال زیاد دلیل عمده این واقعیت (کاهش سهم زنان) می‌تواند بازگشت رزمندگان از جنگ تحمیلی و همچنین بازگشت آزادگان و اسراء بعد از جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۶۷ و مشارکت هر چه بیشتر آنها در آموزش عالی و به تبع آن، افزایش «نسبت جنسی» در سالهای مذکور خصوصاً سال تحصیلی ۷۰-۱۳۶۹ باشد. نسبت پذیرفته شدگان زن در آموزش عالی در سال تحصیلی ۸۶-۸۵، ۵۱٪ بوده است. به طوری که جمعیت زنان پذیرفته شده در آموزش عالی از مردان پیشی گرفته و بیش از نیمی (۵۱ درصد) از پذیرفته شدگان در آموزش عالی را زنان تشکیل داده‌اند.

شکی وجود ندارد که رشد علمی زنان علاوه بر رشد دانش نیمی از جامعه، در ارتقای آگاهی سایر افراد جامعه نیز تأثیر بسزایی خواهد داشت، از جمله می‌توان به اثر آشکاری که زنان در آموزش غیر رسمی و رسمی فرزندان خود دارند، مادران با آگاه کردن فرزندان خود نسبت به روابط انسانی، مسایل اجتماعی، اعتقادات دینی،

تاریخ، فرهنگ و سایر زمینه‌ها، نقشی غیررسمی در ارتقاء فرهنگ جامعه ایفا می‌نمایند و این البته به جز مشارکت آنان در کمک نمودن به امور درسی کودکان و نیز مشارکت آنان در فراهم نمودن امکانات تحصیل از جمله پیدا کردن محیطهای آموزشی، ثبت‌نام فرزندان، نقل و انتقال آنان به کلاسهای آموزشی، آماده نمودن فضای مناسب جهت مطالعه دروس و ... می‌باشد.

ج) وضعیت دانشجویان زن بعد از انقلاب اسلامی ایران

علاوه بر رشد سواد زنان، تعداد زنان در مقاطع بالای تحصیلی نیز پیشرفت چشمگیر یافته است. بنا به گزارش «شمس آوری» (۱۹۹۲)، در سال تحصیلی ۳۶-۱۳۳۵ برابر با ۱۹۵۶ میلادی در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ایران ۱۱۹۲۸ نفر دانشجو مشغول به تحصیل بوده‌اند. این تعداد در سال تحصیلی ۴۰-۱۳۳۹ و ۴۲-۱۳۴۱ به ترتیب ۱۹۸۱۵ و ۲۴۶۳۵ نفر بوده است. در این راستا، در سال تحصیلی ۴۵-۱۳۴۴، ۲۹۶۸۳ نفر دانشجو مشغول به تحصیل بوده که از این تعداد سهم زنان ۲۳/۷ درصد بوده است. تعداد دانشجویان ایران در طلیعه انقلاب یعنی سال تحصیلی ۵۷-۱۳۵۶، ۱۶۰۳۰۸ نفر بوده است که از این تعداد، سهم زنان ۳۰/۹ درصد بوده است. این سهم (۳۰/۹ درصد) در واقع به لحاظ کمی، بالاترین میزان مشارکت زنان در آموزش عالی قبل از انقلاب محسوب می‌شود. در اول انقلاب یعنی سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷، دانشگاهها و مراکز آموزش عالی ایران ۱۷۵۶۷۵ نفر دانشجو داشتند که ۳۰/۵ درصد تعداد کل دانشجویان را زنان تشکیل می‌دادند. بعد از بازگشایی دانشگاهها، تعداد دانشجویان به مدت ۵ سال یعنی از سال تحصیلی ۶۲-۱۳۶۱ الی ۶۶-۱۳۶۵، از تعداد دانشجویان اول انقلاب یعنی تعداد دانشجویان سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷ کمتر بود. بنابراین، بعد از انقلاب اسلامی ایران، پایین‌ترین تعداد دانشجو در سال تحصیلی ۶۲-۱۳۶۱ بوده است. همچنین، بعد از انقلاب، در طی سالهای تحصیلی ۶۶-۱۳۶۵ تا ۷۳-۱۳۷۲ سهم زنان از تعداد کل دانشجویان پایین‌تر از ۳۰ درصد بوده است. یعنی در این دوره، سهم زنان از کل دانشجویان پایین‌تر از اول انقلاب (۳۰/۵ درصد) بوده است. بر این اساس، پایین‌ترین سهم زنان از تعداد کل

دانشجویان، در سال تحصیلی ۱۳۶۹ برابر با ۳/۲۷ درصد بوده است. بر اساس آمار آموزش عالی ایران در سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹، سهم زنان از تعداد کل دانشجویان ۴۷/۲ درصد بوده است. همچنین تعداد دانشجویان زن در مراکز آموزش عالی دولتی در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۵، نزدیک به ۹۰ هزار نفر برآورد شده است که این رقم نسبت به سال تحصیلی ۱۳۷۶-۱۳۷۵، بیش از سه برابر و نسبت به سه دهه گذشته بیش از ۱۸ برابر شده است. به نحوی که توزیع نسبی دانشجویان زن مراکز آموزش عالی دولتی نسبت به کل دانشجویان مراکز آموزش عالی دولتی در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۵، ۷۶/۵۷ درصد برآورد شده است که این رقم نسبت به سه دهه گذشته ۹۳/۵۶ درصد افزایش داشته است. در سال ۱۳۸۶، ۵۷/۱ درصد دانشجویان زن در رشته‌های علوم انسانی، ۱۵/۷ درصد در رشته‌های علوم پایه، ۱۰/۹ درصد در رشته‌های فنی مهندسی، ۷/۳ درصد در رشته‌های پزشکی، ۴/۶ درصد در رشته‌های کشاورزی و دامپزشکی، ۳/۴ درصد در رشته‌های هنر مشغول به تحصیل بوده‌اند. در سال ۱۳۸۶، ۷۹/۹ درصد دانشجویان دختر در مقطع کارشناسی، ۱۳/۸ درصد در مقطع کاردانی، ۳/۷ درصد در مقطع کارشناسی ارشد، ۲/۶ درصد در مقطع دکترا مشغول به تحصیل بوده‌اند. بر همین اساس تغییرات این شاخص طی سال‌های اخیر نشان دهنده آن است، تعداد دانشجویان زن در مقطع دکترا طی ده سال گذشته ۲۶۹ درصد افزایش داشته، همچنین تعداد دانشجویان دختر در مقطع کارشناسی ارشد ۲۶ برابر و در مقطع کارشناسی ۲۲ برابر شده است.

نسبت دانشجویان زن در تمام مقاطع تحصیلی در سال ۸۶-۸۵ ۵۳٪ بوده است، به طوری که بیش از نیمی از جمعیت در حال تحصیل را زنان تشکیل داده‌اند. نسبت دانشجویان زن در رشته‌های علوم انسانی در سال تحصیلی ۶۶-۱۳۶۵، ۴۶٪؛ در سال ۷۶-۱۳۷۵، ۴۴٪ و در سال ۸۶-۸۵ ۶۱٪ بوده است. و این در حالی است که نسبت مردان تا مرز ۳۹٪ کاهش یافته است. نسبت دانشجویان زن در رشته‌های علوم پایه در سال تحصیلی ۶۶-۱۳۶۵، ۳۳٪؛ در سال ۷۶-۱۳۷۵، ۶۱٪ و در سال ۸۶-۸۵ ۶۸٪ بوده است. داده‌های مذکور نشان دهنده گرایش زنان به سمت رشته‌های علوم پایه است. نسبت دانشجویان زن در رشته‌های فنی مهندسی در سال تحصیلی ۶۶-

۶۵، ۰۳٪؛ در سال ۱۳۷۵-۷۶، ۱۲٪ و در سال ۸۵-۸۶، ۲۶٪ بوده است. داده های مذکور نشان دهنده آن است که گرایش زنان به سمت رشته های فنی مهندسی رشد کمی داشته و تنها یک چهارم از جمعیت کل دانشجویان فنی مهندسی را زنان تشکیل داده اند.

نسبت دانشجویان زن در رشته های مختلف در دانشگاه های دولتی و آزاد به شرح زیر بوده است: نسبت دانشجویان زن در رشته های کشاورزی و دامپزشکی در سال تحصیلی ۱۳۶۵-۶۶، ۰۷٪؛ در سال ۱۳۷۵-۷۶، ۱۴٪ و در سال ۸۵-۸۶، ۴۷٪ بوده است. داده های مذکور نشان دهنده آن است که گرایش زنان به سمت رشته های کشاورزی و دامپزشکی از سال ۷۵ به ۸۵ سرعت زیادی داشته است و تقریباً نیمی از دانشجویان این گروه را زنان تشکیل داده اند. نسبت دانشجویان زن در رشته های هنر در سال تحصیلی ۱۳۶۵-۶۶، ۴۹٪؛ در سال ۱۳۷۵-۷۶، ۵۲٪ و در سال ۸۵-۸۶، ۵۶٪ بوده است. داده های مذکور نشان دهنده گرایش زنان به سمت رشته های هنر می باشد. نسبت دانشجویان زن در رشته های پزشکی در سال تحصیلی ۱۳۶۵-۶۶، ۴۵٪؛ در سال ۱۳۷۵-۷۶، ۵۹٪ و در سال ۸۵-۸۶، ۸۶٪ بوده است. به نحوی که در سال ۸۵ تعداد دانشجویان مرد در این گروه به ۱۴٪ از کل جمعیت کاهش یافته است. نسبت دانشجویان زن در مقطع کاردانی در سال تحصیلی ۱۳۶۵، ۲۳-۶۶، ۱۳۶۵٪؛ در سال ۱۳۷۵-۷۶، ۳۷٪ و در سال ۸۵-۸۶، ۴۱٪ بوده است. داده های مذکور نشان دهنده آن است که تعداد زنان در مقطع کاردانی از روندی رو به رشد برخوردار بوده است. نسبت دانشجویان زن در مقطع کارشناسی در سال تحصیلی ۱۳۶۵-۶۶، ۳۲٪؛ در سال ۱۳۷۵-۷۶، ۳۹٪ و در سال ۸۵-۸۶، ۵۷٪ بوده است. داده های مذکور نشان دهنده آن است که تعداد زنان در مقطع کارشناسی رو به افزایش بوده و بیش از نیمی از جمعیت این مقطع را زنان تشکیل می دهند. نسبت دانشجویان زن در مقطع دکتری در سال تحصیلی ۱۳۶۵-۶۶، ۳۱٪؛ در سال ۱۳۷۵-۷۶، ۳۳٪ و در سال ۸۵-۸۶، ۳۹٪ بوده است. نسبت دانشجویان زن در مقطع کارشناسی ارشد در سال تحصیلی ۱۳۶۵-۶۶، ۲۱٪؛

در سال ۷۶-۱۳۷۵، ۲۱٪ و در سال ۸۶-۸۵، ۴۳٪ بوده است. داده های مذکور نشان دهنده آن است که تعداد زنان در مقطع کارشناسی ارشد از سال ۷۵ تا ۸۵ دو برابر شده است.

ج) وضعیت دانش آموختگان فارغ التحصیلان زن بعد از انقلاب اسلامی ایران

در اول انقلاب یعنی سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷، تعداد کل دانش آموختگان ۳۵۵۵۹ نفر بود که از این تعداد فقط ۲۷/۵ درصدشان را دختران و یا زنان تشکیل می دادند، این در حالی است که تعداد کل دانش آموختگان در پایان سال تحصیلی ۷۹-۱۳۷۸، ۱۲۲۲۹۷ نفر برآورد شده است. به عبارت بهتر از سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷ تا سال تحصیلی ۷۹-۱۳۷۸، تعداد فارغ التحصیلان دانشگاهها و مراکز آموزش عالی در بخش دولتی رشد ۲۴۴ درصدی داشته است. توزیع نسبی دانش آموختگان زن در مراکز آموزش عالی دولتی نسبت به کل دانش آموختگان مراکز آموزش عالی دولتی در سال تحصیلی ۱۳۸۵-۱۳۸۴، ۷۱/۵۲ درصد برآورد شده است که این رقم نسبت به سال ۱۳۷۶-۱۳۷۵، ۵۵/۹ درصد و نسبت به سه دهه گذشته، ۸۴/۲۴ درصد افزایش داشته است. در سال ۱۳۸۵، ۴۲/۷ درصد دانش آموختگان زن از مراکز آموزش عالی دولتی، در رشته های علوم انسانی، ۱۷/۵ درصد در رشته های پزشکی، ۱۴/۳ درصد در رشته های فنی مهندسی، ۱۱/۱ درصد در رشته های علوم پایه و ۸/۶ درصد در رشته های هنر و ۵/۶ درصد در رشته های کشاورزی و دامپزشکی فارغ التحصیل شده اند. همچنین در سال ۱۳۸۵، ۶۲/۲ درصد دانش آموختگان زن در مراکز آموزش دولتی، در مقطع کارشناسی، ۸/۲۹ درصد در مقطع کاردانی، ۴/۸ درصد در مقطع کارشناسی ارشد، ۳/۱۳ درصد در مقطع دکترا فارغ التحصیل شده اند. تعداد دانش آموختگان زن در دانشگاه های دولتی و آزاد به شرح زیر بوده است:

نسبت دانش آموختگان زن در مقاطع تحصیلی مختلف در سال تحصیلی ۵۶-۱۳۵۵، ۲۸٪ در سال ۶۶-۳۱، ۱۳۶۵٪، در سال ۷۶-۱۳۷۵، ۲۸٪ و در سال ۸۶-۸۵، ۴۱٪ بوده است و نشان دهنده آن است که تعداد زنان در کل مقاطع در طی سالهای مختلف کمتر از مردان بوده است. نسبت دانش آموختگان زن در مقطع کاردانی در سال تحصیلی ۶۶-۱۳۶۵-۳۱٪، در سال ۷۶-۱۳۷۵، ۴۰٪ و در سال ۸۶-۸۵، ۴۴٪ بوده است. داده های مذکور نشان

دهنده آن است که تعداد زنان در مقطع کاردانی از روندی رو به رشد برخوردار بوده است، ولی هنوز جمعیت زنان در این مقطع کمتر از نیمی از جمعیت را شامل می شود. نسبت دانش آموختگان زن در مقطع کارشناسی در سال تحصیلی ۶۶-۳۲، ۱۳۶۵؛، در سال ۷۶-۱۳۷۵ ۳۹٪ و در سال ۸۵-۸۶ ۴۵٪ بوده است. داده های مذکور نشان دهنده آن است که تعداد زنان در مقطع کارشناسی رو به افزایش بوده است. نسبت دانش آموختگان زن در مقطع کارشناسی ارشد در سال تحصیلی ۶۶-۱۳۶۵ برابر با ۱۶٪ در سال ۷۶-۱۳۷۵ و ۲۰٪ و در سال ۸۵-۸۶ ۲۶٪ بوده است. داده های مذکور نشان دهنده آن است که تعداد زنان در مقطع کارشناسی ارشد از روندی رو به رشد برخوردار بوده است، ولی هنوز جمعیت زنان در این مقطع کمتر از یک چهارم از جمعیت را شامل می شود. نسبت دانش آموختگان زن در مقطع دکتری در سال تحصیلی ۶۶-۱۳۶۵-۳۰٪؛ در سال ۷۶-۱۳۷۵ ۲۴٪ و در سال ۸۶-۸۵ ۲۱٪ بوده است. داده های مذکور نشان دهنده آن است که تعداد زنان در مقطع دکتری در میان سالهای ۶۶-۱۳۶۵ تا ۸۶-۱۳۸۵ رو به کاهش بوده است.

د) وضعیت کادر آموزشی (اعضای هیات علمی) زنان بعد از انقلاب اسلامی ایران

دانشگاهها و مراکز آموزش عالی ایران در سال تحصیلی ۴۵-۱۳۴۴، ۲۴۸۶ نفر کادر آموزشی داشتند که بر اساس آمار و ارقام موجود، از این تعداد فقط ۲۳۶ نفر (۹/۵ درصد زن) بودند. این تعداد (تعداد کادر آموزشی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی) در سال تحصیلی ۵۰-۱۳۴۹ و ۵۵-۱۳۵۴، به ترتیب به ۶۴۷۴ و ۱۳۳۹۲ نفر رسید که سهم زنان در سال تحصیلی ۵۰-۱۳۴۹، ۱۲/۳ درصد و در سال تحصیلی ۵۵-۱۳۵۴، ۱۳/۶ درصد بود. بعد از انقلاب اسلامی ایران، تعداد اعضای هیات علمی دانشگاهها تغییرات قابل ملاحظه ای داشته است. این تعداد در سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷، ۱۶۲۲۲ نفر بود که ۱۳/۶ درصدشان را زنان تشکیل می دادند. همچنین در سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹ در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی (بخش دولتی) ۲۵۸۲۸ نفر کادر آموزشی و پژوهشی مشغول فعالیت بودند که از این تعداد ۵۰۳۱ نفر (۱۹/۵ درصد) را زنان تشکیل می دادند. بعد از انقلاب اسلامی

ایران، بالاترین و پایین‌ترین سطح مشارکت زنان در تعداد اعضای هیأت علمی به ترتیب به سالهای تحصیلی ۷۸-۱۳۷۷ (۱۹/۸ درصد) و ۵۸-۱۳۵۷ (۱۳/۶ درصد) برمی‌گردد. در مجموع از اول انقلاب (سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷) تاکنون (سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹) سهم و مشارکت زنان در تعداد کادر آموزشی دانشگاهها فقط ۵/۹ درصد افزایش یافته است. بنابراین، از سال تحصیلی ۷۷-۱۳۷۶ تا سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹ تعداد کادر آموزشی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی (بخش دولتی) رشد منفی ۷۱ درصدی را نشان می‌دهد. نسبت زنان عضو هیات علمی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی در سال تحصیلی ۵۶-۱۳۵۵، ۱۴٪، در سال ۶۶-۱۳۶۵، ۱۵٪، در سال ۷۶-۱۳۷۵، ۱۶٪ و در سال ۸۵-۸۶، ۲۰٪ بوده است. داده‌های مذکور نشانگر حضور کم‌رنگ زنان به عنوان عضو هیات علمی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی می‌باشد.

ه) زنان مدیر: چالش‌ها و موانع

برای توصیف این وضعیت، در ادبیات مدیریت از استعاره حصارهای شیشه‌ای استفاده می‌شود که منظور از آن، موانع نامرئی عمودی و بر اساس تفکیک جنسی مشاغل شکل می‌گیرند. از سوی دیگر مانع غیر قابل نفوذی در سازمان‌ها وجود دارد که از ارتقای زنان، فراتر از حدی که تعیین شده است، جلوگیری به عمل می‌آورد که این وضعیت را اصطلاحاً سقف شیشه‌ای می‌نامند. در اثر وجود این مانع، زنان به طور وسیعی از صعود به سطوح بالای مدیریت منع می‌شوند. حصارهای شیشه‌ای مانع تحرک شغلی و سقف شیشه‌ای مانع ارتقای شغلی زنان در سازمان‌ها می‌شوند. سقف شیشه‌ای ممکن است در هر سطحی از هرم سازمانی عمل کند و مانع حضور زنان در رده‌های مدیریت عملیاتی، میانی و یا عالی شود. هرچه سطح مدیریت بالاتر برود، اهمیت آن در سیاست‌گذاری و تعیین خط مشی‌های راهبردی، بیشتر می‌شود و به تبع آن، سقف شیشه‌ای قوی‌تر و غیر قابل نفوذتر می‌گردد. وجود حصارها و سقف شیشه‌ای باعث شده است که مشارکت زنان در سطوح مدیریتی در کشور ما حالت غیرعادی و بیمارگونه‌ای پیدا کند. این امر باعث شده است که از توانمندیهای فکری و تخصصی و قابلیت‌های

مدیریتی زنان استفاده مناسبی به عمل نیامده و به این ترتیب جامعه در حال توسعه ما دچار خسارت ها و زیان هایی شود. (زاهدی، ۱۳۸۶)

(و) مقالات - نشریات - نشریات چاپ/تالیف/ترجمه شده توسط زنان:

نسبت مقالات و کتابهای ترجمه و تالیف شده توسط زنان به مقالات و کتابهای ترجمه و تالیف شده توسط مردان در سال ۷۶-۱۳۷۵، ۱۴٪ و در سال ۸۶-۸۵، ۱۸٪ بوده است. داده های مذکور نشانگر حضور کم رنگ زنان در حوزه ترجمه و تالیف کتاب و مقاله می باشد. نسبت مولفان زن طی سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۶ از ۹/۳۳ به ۱۶/۶۵ درصد افزایش چشمگیری را نشان می دهد. اما این تعداد در همان سالها و در مقایسه با مردان بسیار کم است به نحوی که تعداد مردان مؤلف حدود چهار برابر زنان مؤلف بوده است. نسبت مترجمان زن از ۳/۶۱ نفر یعنی ۱۶/۱۰ درصد در سال ۷۵ به ۱۳/۶۵ نفر معادل ۲۳/۷۳ درصد در سال ۸۶ رسیده است که رشد چشمگیری داشته است اما در مقایسه با رقم ۴۳۷۸ نفری مردان، تعداد مردان مترجم ۳ برابر زنان مترجم هست.

نسبت زنان نویسنده و مترجم به کل زنان طی سالهای ۸۵-۱۳۷۵ بسیار ناچیز بوده، به نحوی که نمی توان آن را به صورت درصد نشان داد. نسبت آثار برگزیده هنرهای تجسمی زنان در سال ۱۳۸۲ در جشنواره های داخلی به کل آثار برگزیده برابر ۶۲,۵٪ بود و این نسبت در سال ۱۳۸۶ به ۶۸٪ رسیده است که این مساله بیانگر رشد مطلوب حضور زنان در جشنواره های داخلی می باشد. نسبت اعضای زن کتابخانه های عمومی به کل اعضاء در سال ۱۳۷۶ برابر ۴۳,۷٪ بود که این نسبت در سال ۱۳۸۰ به ۴۹,۸۲٪ رسیده است.



۳-۶- راهکارهای بهبود جایگاه علمی و آموزشی زنان

جدول ۱-۷: اولویت بندی استراتژی های «علمی و آموزشی زنان»

اولویت	استراتژی ها	کلان استراتژی ها	شاخص
اول	<ul style="list-style-type: none"> - فراهم سازی بسترهای لازم برای افزایش دانش آموختگان زن - برنامه ریزی جهت هدایت دانش آموختگان زن به سمت مشاغل مرتبط 	<ul style="list-style-type: none"> برنامه ریزی جهت افزایش تعداد دانش آموختگان زن 	زنان آموزش دهنده
اول	<ul style="list-style-type: none"> - فراهم سازی بسترهای لازم برای ارتقاء علمی زنان. - فراهم سازی بسترهای لازم برای ارتقاء پژوهشی زنان. - فراهم سازی بسترهای لازم برای افزایش سطح تحصیلات زنان. - تشویق زنان به ادامه تحصیل در مراکز دانشگاه. 	<ul style="list-style-type: none"> تدارک شرایط ارتقاء علمی و پژوهشی زنان در آموزش عالی. 	
اول	<ul style="list-style-type: none"> - فراهم سازی بسترهای لازم برای جهت دهی زنان به رشته های تحصیلی مختلف دانشگاهی. - توجه به نیازهای جامعه در تدوین و برنامه ریزی رشته های تحصیلی زنان در مراکز دانشگاهی. 	<ul style="list-style-type: none"> تدارک شرایط ارتقاء زنان در رشته های تحصیلی مختلف. 	
دوم	<ul style="list-style-type: none"> - فراهم سازی زمینه جذب زنان به حوزه های علمی خواران. - برنامه ریزی جهت گسترش آموزشهای حوزوی زنان. 	<ul style="list-style-type: none"> تدارک شرایط گسترش آموزشهای حوزوی و دینی زنان. 	
اول	<ul style="list-style-type: none"> - فراهم سازی بسترهای لازم برای افزایش دانش آموختگان زن. - برنامه ریزی جهت هدایت دانش آموختگان زن به سمت مشاغل مرتبط. 	<ul style="list-style-type: none"> برنامه ریزی جهت افزایش تعداد دانش آموختگان زن. 	زنان آموزش گیرنده
اول	<ul style="list-style-type: none"> - فراهم سازی بسترهای لازم برای افزایش سطح تحصیلات زنان. - گسترش حضور زنان در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری. - فراهم سازی زمینه حضور بیشتر زنان در هیات علمی دانشگاه. 	<ul style="list-style-type: none"> تدارک شرایط لازم برای عضویت زنان به عنوان هیات علمی دانشگاه ها. 	
اول	<ul style="list-style-type: none"> - جهت دهی به تحصیلات زنان. - گسترش حضور زنان در مشاغل آموزشی. - پیش بینی مشاغل مناسب جهت زنان تحصیل کرده. 	<ul style="list-style-type: none"> تدارک شرایط لازم برای اشتغال زنان دانش آموخته در جامعه. 	
دوم	<ul style="list-style-type: none"> - هدایت زنان به سمت تحصیلات عالی. - دادن فرصت بیشتر برای حضور زنان در مناصب مدیریتی. 	<ul style="list-style-type: none"> تدارک شرایط ارتقاء شغلی زنان در مناصب عالی. 	زنان مدیر
دوم	<ul style="list-style-type: none"> - فراهم سازی بسترهای لازم برای افزایش دانش آموختگان زن. - برنامه ریزی جهت هدایت دانش آموختگان زن به سمت مشاغل مرتبط. 	<ul style="list-style-type: none"> تدارک شرایط ارتقاء پژوهشی زنان در قلمرو نگارش، تالیف و ترجمه. 	زنان و موضوعات آموزشی

فصل چهارم:

جایگاه فرهنگی و هنری زنان



۴-۱- پیش درآمد جایگاه فرهنگی هنری زنان

از نظر اسلام هر فرد انسانی در ماده و عنصر، تشکیل یافته از دو نفر هستند و هیچکدام از این دو بر دیگری برتری ندارند مگر به تقوا؛ همچنانکه در قرآن آمده است: «ای مردم ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آنگاه شعبه های بسیار و فرق مختلف قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. بزرگوارترین شما نزد خدا با تقوا ترین مردمند و خدا کاملاً آگاه است» (حجرات/۱۳).

در آیه دیگر می فرماید: «من عمل هیچ عمل کننده را ضایع و بی نتیجه نمی کنم چه مرد و چه زن، بعضی از شما از بعضی دیگر برتر هستید» (آل عمران/۱۹۵)

در این آیه تصریح شده است که کوشش و عمل هیچ کس نزد خدا از بین نمی رود، علت آن است که مردم تفاوتی با هم ندارند، مگر اینکه شخصی خود، عمل خویش را باطل کند. چنانکه این مضمون در آیات دیگر تصریح شده آنجا که فرموده است: «هر کسی در گرو عمل خویش است» (مدثر/۳۸). پس عمل هر انسانی، چه مرد و چه زن به حساب خود او نوشته و جز تقوا هیچ کس بر دیگری مزیتی ندارد.

پس زنی که در ایمان بالاتر از مردان دیگر است و یا علم بیشتر و عقل پخته تر دارد و یا سهم بیشتری از فضایل اخلاقی را دارا می باشد، چنین زنی در اسلام ذاتاً گرامی تر و بلندمرتبه تر از مردی است که هم طراز او نیست، حال آن مرد هر که می خواهد باشد. این مفهوم در قرآن تصریح شده آنجا که فرموده است: «هر کسی از مرد و زن کار نیکی به شرط ایمان به خدا به جای آرد ما او را در زندگانی خوش و با سعادت و زنده ابدی می گردانیم و اجری بسیار بهتر از عمل نیکی که کرده به او عطا می کنیم» (نحل/۹۷). در آیه دیگر فرموده است: «هر که از مرد و زن عمل صالح به جای آورند در صورتی که با ایمان باشند آنان در بهشت جاودان داخل شوند و آنجا به رزق بی حساب (و نعمت بی شمار) برخوردار گردند» (غافر/۴۰)

۲-۴- مبانی نظری جایگاه فرهنگی هنری زنان

حرمت عفاف و وظیفه ای است که اسلام بر عهده زن نهاده است و او باید در معاشرت و برخورد با مردان کیفیت خاصی را در لباس پوشیدن مراعات کند. این وظیفه نه از ناحیه مرد بر او تحمیل شده و نه چیزی است که با حیثیت و کرامت او منافات داشته باشد و یا تجاوز به حقوق طبیعی او که خداوند برایش خلق کرده محسوب میشود. حجاب پیش از اسلام در ادیان دیگر نیز وجود داشته است. در اکثر تصاویر مذهبی یهودی و مسیحی زنان دارای روسری یا پوشش بلندی که بی شباهت به چادر نیست می باشند. در قبایل عرب پیش از اسلام حجاب مطرح نبوده و زنان ملبس به پیراهنهای بلندی بودند و یقه های لباسشان گشاد و باز بود.

در آیات نور و احزاب کیفیت و حدود پوشش و تماسهای زن و مرد ذکر گردیده و آمده است: «ولیضربن بخرهن علی جیویهن» = زنان باید روسری خود را بر روی سینه گریبان خویش قرار دهند (نور، ۳۱). البته روسری خصوصیتی ندارد مقصود پوشانیدن سر و گردن و گریبان است. در تفسیر صافی در مورد این آیه میگوید: برای اینکه گردنها پوشیده شود. در مفردات راغب نیز گوید: «الجلابیب: القمص و الخمر» یعنی پیراهن و روسری. در تفسیر مجمع البیان نیز آمده است: الجلاب خمار المرثه الذی یغطی رأسها و وجهها اذا خرجت لحاجه؛ جلاب عبارت است از روسری که در موقع خروج از منزل به کار می رود و سر صورت خود را با آن می پوشانند (بوترابی، ج: ۸، ۱۳۷۹؛ ۴۹۹).

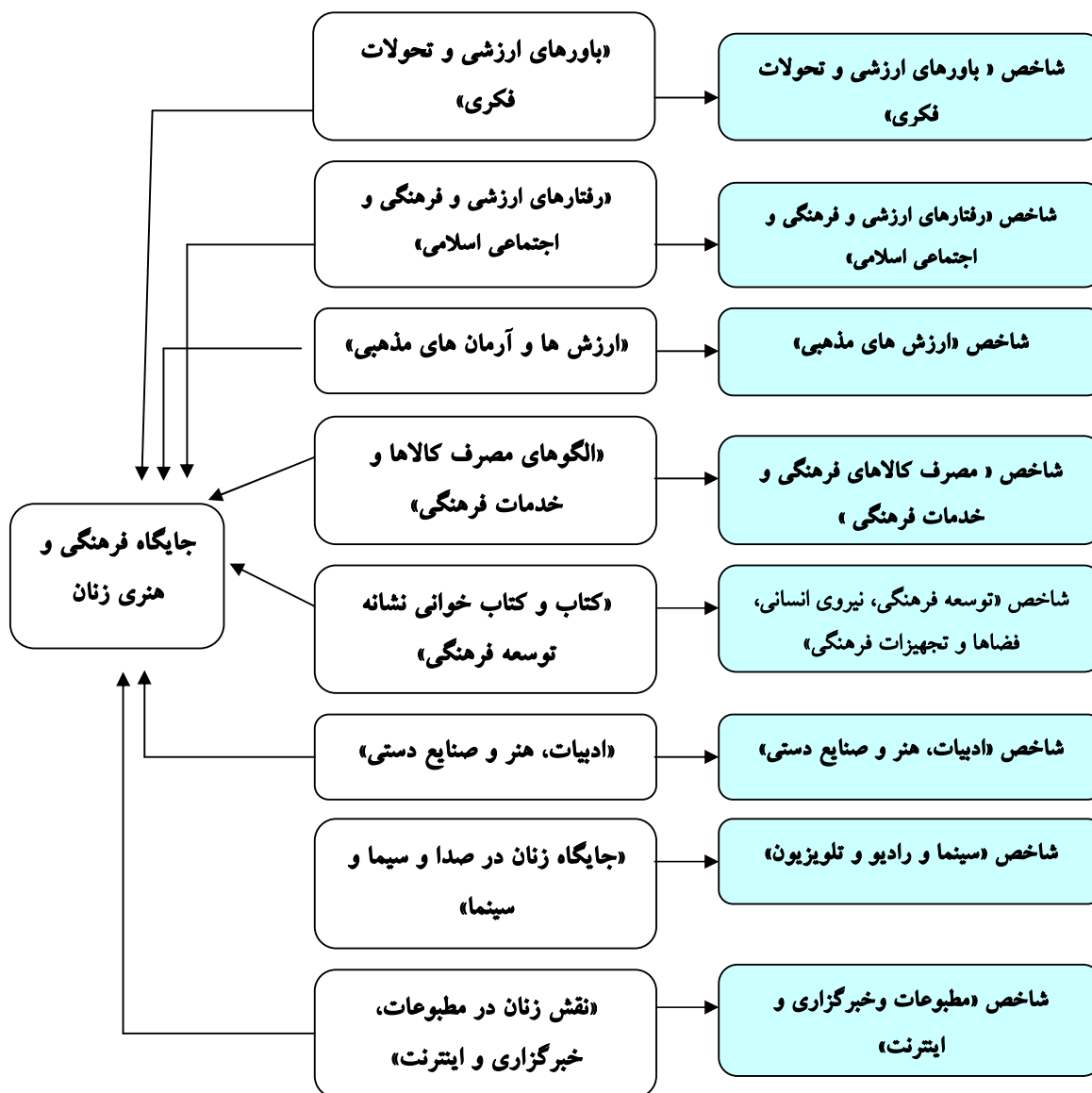
مقام معظم رهبری درباره حدود حجاب معتقدند: «فکر کنیم که حجاب داشته باشیم، اما چادر نباشد؛ این فکر غلطی است. نه این که من بخواهم بگویم چادر، نوع منحصر است؛ نه، من می گویم چادر بهترین نوع حجاب است؛ یک نشانه ی ملی ماست؛ هیچ اشکالی هم ندارد؛ هیچ منافاتی با هیچ نوع تحرکی هم در زن ندارد. اگر واقعا بنای تحرک و کار اجتماعی و کار سیاسی و کار فکری باشد، لباس رسمی زن می تواند چادر باشد و - همان طور که عرض کردم - چادر بهترین نوع حجاب است.

البته می توان محجبه بود و چادر هم نداشت؛ متنها همین جا هم بایستی آن مرز را پیدا کرد. بعضی ها از چادر فرار می کنند، به آن حجاب واقعی بدون چادر هم رو نمی آورند؛ چون آن را هم غرب مورد تهاجم قرار میدهد!

شما خیال کرده اید که اگر ما چادر را کنار گذاشتیم، فرضاً آن مقنعه ی کذایی و آن لباسهای «ولیزربن بنخمر هن علی جیوبهن» و همانهایی را که در قرآن هست؛ درست کردیم، دست از سر ما بر می دارند؟ نه، آنها به این چیزها قانع نیستند؛ آنها می خواهند همان فرهنگ منحوس خودشان عیناً این جا عمل بشود». (حدیث ولایت، ۱۳۷۸؛ ۶۲).

پایه تمدن امروز اروپایی، همان فرهنگ رومی است. یعنی امروز آنچه که بر سر تا پای فرهنگ اروپایی و غربی و به تبع آنها فرهنگ امریکایی و خرده ریزهای غرب حاکم است، همان اصول و خطوطی است که در امپراتوری روم وجود داشته؛ همانهاست که امروز ملاک و معیار است. آن زمان هم زنان را به بالاترین مقام میرساندند، احترامشان می کردند و به آرایشها و زیورها تزئینشان می کردند؛ اما برای چه؟ برای اشباع یکی از خاکی ترین و مادی ترین خصلتهای بشری در مرد! این، چه قدر تحقیر نسبت به انسان و نسبت به جنس زن است! (حدیث ولایت، ۱۳۷۸؛ ۵۸)

۳-۴- چارچوب کلی مدل مفهومی جایگاه فرهنگی و هنری زنان





۴-۴- شاخص های «وضعیت فرهنگی و هنری زنان»

۲-۱- باورهای ارزشی

۲-۱-۱- زنان اسوه و الگو

۲-۱-۲- میزان اعتقاد به خدا و روز جزا

۲-۱-۳- میزان توکل به خدا

۲-۱-۴- اعتقاد و التزام به ویژگی های انسان کامل از نظر دین

۲-۱-۵- پایبندی به موازین عقلی و دوری از خرافات

۲-۲- تحولات فکری

۲-۲-۱- میزان شرکت در مناسک جمعی

۲-۲-۲- میزان پایبندی به شعائر فردی و اجتماعی دین اسلام

۲-۲-۳- مشارکت در ترویج فرهنگ مذهبی

۲-۲-۴- حفظ و احیای هویت دینی و ملی زنان و مبارزه با تهاجم فرهنگی

۲-۲-۵- میزان پایبندی به هویت ملی و دینی

۲-۲-۶- نوع پوشش زنان متناسب با ارزشهای اسلامی ایران

۲-۲-۷- میزان پابندی به روابط شرعی میان زن و مرد

۲-۲-۸- اسلامی شدن مراکز آموزشی و فرهنگی

۲-۲-۹- مطابقت کالاها و محصولات فرهنگی تولید شده با ارزش های جمهوری اسلامی

۲-۳- ارزش های مذهبی

۲-۳-۱- طلاب زن کشور و روحانیون زن کشور

۲-۳-۲- نقش آفرینی زنان در آگهی های تبلیغاتی

۲-۴- مصرف کالا و خدمات فرهنگی

۲-۴-۱- سرانه مطالعه کتب غیر درسی

۲-۴-۲- سرانه مطالعه زنان

۲-۵- توسعه فرهنگی، نیروی انسانی، فضاها و تجهیزات فرهنگی (کتاب)

۲-۵-۱- مولفان و مترجمان زن

۲-۵-۲- مراجعان به کتابخانه های عمومی

۲-۶- ادبیات، هنر و صنایع دستی

۲-۶-۱- اشتغال زنان به هنرهای تجسمی

۲-۶-۲- اشتغال زنان به صنایع دستی

۲-۶-۳- زنان برگزیده در جشنواره های ادبی و زنان شاعر

۲-۷- سینما، رادیو و تلویزیون

۲-۷-۱- کیفیت حضور زنان در فیلمهای سینمایی

۲-۷-۲- زنان بازیگر در سینما

۲-۷-۳- زنان کارگردان

۲-۷-۴- برنامه های رادیو و تلویزیون مختص بانوان

۲-۷-۵- زنان شاغل در صدا و سیما

۲-۸- مطبوعات، خبرگزاری و اینترنت

۲-۸-۱- تعداد زنان شاغل در مطبوعات

۲-۸-۲- خبرهای تولید شده با موضوع زنان

۲-۸-۳- وبلاگ های فارسی مختص زنان

۲-۸-۴- مشترکین اینترنتی زن



۵-۴- تحلیل جایگاه فرهنگی و هنری زنان

جایگاه زنان به عنوان قشری عظیم از جامعه که پرورش روحی و ذهنی آنان تأثیرات بسزایی در تربیت نسل ها به دنبال خواهد داشت، بر کسی پوشیده نیست. همچنین استعدادها و دیدگاه متفاوتی که آنان به موضوعات مختلف دارند برخاسته از ویژگی های فطری آنان است، می تواند منشأ تولیدات جدید و توسعه نوین فرهنگی گردد. لذا حضور کمرنگ زنان در سطوح مختلف جامعه از جمله سطوح فرهنگی و هنری می تواند باعث کاستی شود. اگرچه حضور زنان در جامعه به اشکال مختلف تا زمان حال وجود داشته است اما این حضور گاه با نیاز واقعی جامعه هم خوانی نداشته است.

در تحقیق پیش رو حضور زنان در حوزه فرهنگ و هنر با استفاده از سنجش کمی و آمار از سازمانهای مرتبط و همچنین ابزار پرسشنامه برای سنجش باورها و رفتار های ارزشی و تحولات فکری انجام شده است. بیان چند نکته ضروری است: ابتدا اینکه تحقیق حاضر در حوزه فرهنگ با موانع، مشکلات و محدودیت هایی مواجه بوده است. از جمله اینکه سنجش ارزشها و نگرشها با افکار و عقاید مخاطبین و جامعه مرتبط است و سنجش آن با هر ابزاری کاری بس مشکل است. زیرا امکان اینکه پرسشگر از اظهار نظر واقعی دوری نمایند وجود دارد، هر چند پرسشنامه ها بی نام طراحی شده باشند. اما با توجه به اینکه در این تحقیق بررسی مقایسه ای مورد نظر بوده است و از طرف دیگر پروژه های مشابهی مثل "ارزشها و نگرش های ایرانیان" که مجری آن وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بوده است، موجود بود، پرسشنامه تهیه شد و سنجش صورت گرفت.

از دیگر مشکلات این قسمت، کمبود آمار و ارقام در حوزه های فرهنگی است و یا کمبود آمار تفکیکی بین مردان و زنان که به ناچار به آمار مشترک بین مردان و زنان اکتفا شد.

در تحقیق حاضر روشن شد که در مقایسه قبل و بعد از انقلاب و حتی مقایسه سی ساله انقلاب اسلامی ایران، وضعیت فرهنگی زنان در تمامی شاخص ها رشد قابل توجهی داشته است، اما این به معنای آن نیست که در این شاخص ها وضعیت فرهنگی زنان به حد مطلوب رسیده است و هیچ عیب نقصی متوجه ما نیست. بلکه در مبانی

نظری همین تحقیق اشاره شد که جامعه آرمانی، جامعه ای است که در آن کلیه معیارها و ملاک ها منطبق با موازین و ارزشهای اسلامی باشد. اما طبق تحقیق حاضر می بینیم که با آرمانها فاصله داریم. در نظر سنجی ها نیز مشاهده شد که در هیچ شاخصی، رشد مطلوب و کاملاً بی عیب و نقص نداشتیم، هر چند نسبت به گذشته رشد خوبی حاصل شده بود. در بخشی از شاخص ها نیز مشکلات و معضلات تغییر شکلی و یا حتی ماهوی داشته اند.

در تحقیق حاضر ابتدا باورهای ارزشی زنان بعد از انقلاب اسلامی سنجیده شد و سپس با قبل از انقلاب مقایسه شد و در آن شاهد رشد روزافزون باورهای ارزشی بودیم که به برکت انقلاب اسلامی حاصل شده است از جمله آنها بهتر شدن نقش اسوه های مذهبی در الگو گیری زنان و بیشتر شدن تعداد زنان اسوه و الگو در حوزه های مذهبی بود. اکثر نخبگان مورد سوال این تحقیق به بیشتر شدن این شاخص در جامعه معتقد بودند. اما با این وجود افرادی هستند که معتقدند این وضعیت نسبت به قبل فرقی نکرده و عده ای دیگر این وضعیت را بدتر و خیلی بدتر ارزیابی می کنند و معتقدند با وضعیت مطلوب فاصله داریم..

اما سخن آنجاست که جامعه ی فرهنگی مطلوب برای زنان چگونه جامعه ای است و آیا در حال حاضر شخصیت علمی و اعتقادی زنانی همچون حضرت زهرا (س)، حضرت زینب (س)، حکیمه خاتون، ام سلمه، فضا، نرجس خاتون، حضرت مریم، حضرت سارا و سایر زنان که نام آنها بر تارک زمان می درخشد، در عمق عقاید مردم جای دارند و مردم چقدر از شخصیت علمی و اعتقادی این زنان آگاهی دارند و آنان را به عنوان اسوه می شناسند. اگر واقعا به میزان اطلاعات جامعه از زنان بنگریم خواهیم دید که زنان امروزی با آن آرمانها فاصله دارند. حتی برخی از الگو های امروزی همچون همسر مکرمه ی حضرت امام خمینی (ره) نیز که به حق پیرو همان زنان گرانمایه بودند ناشناخته باقی مانده اند و شخصیت ایشان برای زنان ناشناخته باقی مانده است و لازم است با طراحی برنامه های آموزشی و فرهنگی به تبیین شخصیت این الگو ها پرداخت.



در شاخص میزان اعتقاد به خدا و روز جزا، شناخت فکری جامعه زنان، بخصوص قشر تحصیل کرده، نسبت به روز جزا، بعد از انقلاب بسیار رشد داشته است و با وجود تکنولوژی ها و رسانه های جدید که برخی کارکرد سازنده و برخی کارکرد مخرب دارند و با وجود و نشریات متعدد می بینیم عقاید مردم در مقایسه با سایر کشورهای دنیا تفاوت بسیار زیادی دارد و اعتقاد زنان به خدا و روز جزا بسیار بالاست. اما این سخن به منزله ی آن نیست که این نقطه ، نقطه پایانی است و جامعه به تمامی آرمانهای خود نایل شده است، بلکه لازم است با استفاده از خلاقیت و تولید برنامه های جذاب و راهکارهای دیگر به رشد شکوفایی عقیدتی زنان به سمت جامعه آرمانی حرکت دو چندان کرد.

توکل به خدا و اعتقاد و التزام به ویژگی های انسان کامل از نظر دین نیز رشد بالایی داشته است که نشان دهنده ی رشد باورهای ارزشی زنان پس از انقلاب است اما این باورها فقط در مورد نیمی از زنان رشد داشته است و بقیه زنان کمتر به این شاخص ها در زندگی خود اهمیت می دهند که همانطور که گفته شد باید آموزشهای گسترده در این زمینه فراهم گردد. در این شاخص می توان زنان را به دو دسته ی زنان و دختران جوان و زنان میان سال به بالا تقسیم کرد . در اقشار بالای میانسال توکل و اعتقاد و التزام به ویژگی های انسان کامل رشد بیشتری نشان می دهد و در قشر جوان این اعتقادات نمود کمتری دارد و این خود اقتضا دارد که برنامه های اخلاقی و تربیتی برای زنان و دختران جوان که سرمایه ها و مادران آینده ی این مرز و بوم هستند با غنای بیشتری نسبت به گذشته ارایه شود.

بیش از نیمی از افراد مورد سنجش معتقدند زنان کمتر از گذشته خرافاتی هستند و بیشتر به موازین عقلی روی آورده اند در حالیکه در جامعه ای که تعداد زنان تحصیل کرده آن بسیار زیاد شده است خرافات باید بسیار کمتر از عدد بدست آمده باشد و زنان در تمامی امور به موازین عقل روی آورده و از خرافات دوری جویند تا با مهارت هایی علمی در راه آبادانی و توسعه فرهنگی کشور کوشش نمایند.

برخی از خرافات همچون فال، طالع بینی، بستن بخت زوجهای جوان و... در جامعه رواج دارند اما نسبت به سابق بسیار کمرنگ تر شده است، اما برخی از عقاید با تغییرات ماهوی همچنان به وجود خود ادامه می دهند همچون تسخیر روح و جن. گروهی افراد شاید به اشکال مختلف و خرافاتی از مردم، بخصوص زنان اخاذی می کنند و در موقعیتهای مختلف به ترویج اینگونه امور می پردازند.

از دیگر انواع خرافات شیطان پرستی و ترویج بی دینی است که با تغییراتی نسبت به گذشته و به اشکال خرافاتی و توجیهات غیر منطقی به حیات خود ادامه می دهند و طرفدارانی نیز پیدا کرده اند.

تحولات فکری جامعه ی زنان رشد قابل ملاحظه ای داشته است از جمله شرکت در نماز جماعت، شرکت در مراسم ادعیه، شرکت در مراسم دینی، جشن ها و عزاداری ها این شاخص نسبت به گذشته با تحولات بسیاری مواجه شده است البته به حق رشد علمی و بینشی زنان که منجر به تحولات فکری است ، در زنان بعد از انقلاب رشد قابل ملاحظه ای داشته است و زنان با شرکت در این مراسم اطلاعات زیادی از مسایل سیاسی، علمی، اخلاقی و اجتماعی کسب می کنند. در این شاخص رشد بسیار خوبی داشته ایم اما به لحاظ کیفی می توان آن را تقویت کرد. زیرا چنانچه در مبانی نظری نیز اشاره شد شرکت در مناسک جمعی برای برخی از زنان مکروه نیز هست. پس در این شاخص رشد صد در صدی نمی تواند مطلوب باشد، بلکه حضور حداکثری زنان واجد شرایط مطلوب است که به برکت انقلاب اسلامی ایران حاصل شده است و در این حوزه ها باید توجه بیشتر را به استفاده از ابزارهایی همچون رادیو، تلویزیون، مطبوعات، اینترنت و سایر وسایل ارتباط جمعی نمود تا به زنانی که در منازل خود از این برنامه ها استفاده می کنند اطلاع رسانی لازم صورت گیرد .

پایبندی به شعائر فردی و اجتماعی دین اسلام، ترویج فرهنگ مذهبی، حفظ هویت دینی و ملی، مبارزه با تهاجم فرهنگی نیز بهبود خوبی داشته است .

تهاجم فرهنگی در زمان طاغوت وجود داشته است و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با تغییر شکل به حیات خود ادامه می دهد برخی از مظاهر آن عبارتند از: ترویج افکار مسیحیت در کشور های اسلامی مثل ترویج قلبی بودن دین که از آموزه های مسیحیت است، چاپ و انتشار تورات و انجیل در ایران و سایر کشور های اسلامی با تیراژ وسیع و به زبانهای مختلف به همراه شرح و تفسیر های جدید و توزیع رایگان آنها، ترغیب زنان و دختران به بی حجابی و یا بد حجابی، ترویج مد های غربی به اشکال مختلف، تبلیغ و تشویق به استفاده از تولیدات غربی برای زنان امروزی که از اشکال جدید تهاجم است و گاه شکل بومی به خود گرفته است. بر مسوولین فرهنگی لازم است پس از شناخت به مبارزه با آن پردازند.

حجاب و پوشش بیشتر زنان متناسب با ارزشهای اسلامی ایران است اما درصدی از زنان در جامعه اسلامی هستند که به حجاب اسلامی به عنوان حجاب برتر پایبند نیستند و باید برای این قشر با آموزشهای عقیدتی و فکری جدید همچون تبلیغات تلویزیونی و ساخت فیلم های ارزشی و سخنرانیها و کلاسهای حوزوی و دانشگاهی انجام داد تا زنان بدون هیچگونه اکراه و اجباری، خود حجاب کامل را به عنوان مصونیت و نه محدودیت پذیرا شده و به آن متمایل شوند.

افراد مورد سنجش معتقدند که گروهی از زنان به روابط شرعی میان زن و مرد پایبند هستند و گروهی دیگر از زنان به روابط شرعی میان زن و مرد کمتر پایبند می باشند علت را می توان در تهاجم فرهنگی نسبت به فرهنگ مذهبی جست. هدفی که استکبار از تهاجم فرهنگی دنبال می کند شکستن حریم زن و مرد و کشاندن آنان به التذاذ جنسی حرام و نامشروع است. برداشتن حجاب بین زن و مرد و از بین بردن حیا و عفت مقدمه است برای تباهی نیروهای انسانی و چپاول ملتها و به سلطه کشیدن آنها و یکی از مهمترین علل موفقیت غربیان، استفاده از وسایل ارتباط جمعی و تولید فیلم ها و سریالهای مختلف است که بیشترین تأثیر را بر زنان دارد. از نیروهای مزدور داخلی نیز نباید غافل شد و با برنامه های سازمان دهی شده به مبارزه با این تهاجم فرهنگی رفت. مطلوبترین

حالت در این شاخص آن است که تمامی اقشار جامعه و تک تک مردم اعم از اساتید، دانشجویان، کارمندان به روابط شرعی میان مرد و زن ملتزم و متعهد باشند.

اکثر افراد مورد پژوهش اظهار داشتند که مراکز آموزشی و فرهنگی ویژه زنان نسبت به قبل اسلامی تر شده است. اما در این میان عده ای نیز معتقد بودند این وضعیت بدتر از قبل شده است و گروهی بیان داشتند که این وضعیت نسبت به گذشته فرقی نکرده است. در حالیکه هرچه قدر مراکز آموزشی اسلامی تر شود به توسعه همه جانبه منجر می گردد و کشور قادر به رفع مشکلات و نیازهای مادی و معنوی خود و حتی امت بزرگ اسلامی می شود.

مراکز اسلامی را باید به سه قسم تقسیم کرد: استاد، دانشجو، منابع درسی. در میان این سه قسم، با افزوده شدن دروس معارف اسلامی به منابع دانشگاهی تا حدی نقیصه منابع درسی جبران شده است اما هنوز از کیفیت مطلوب برخوردار نیستند زیرا منابع دروس تخصصی نیز باید انعکاس دهنده ی معارف نظری و عملی اسلام باشند. در حوزه ی اساتید باید اذعان کرد که بسیاری از اساتید در این نظام دارای صلاحیت های عمومی هستند اما مطلوب آن است که تمامی اساتید تبیین گر نظام توحیدی در رشته و تخصص خود باشند که علاوه بر دانشجویان متخصص دانشجویان متعهد تربیت کنند. این مهم با تقویت بنیه ی مذهبی و دینی اساتید دروس تخصصی و برگزاری کارگاههای آموزشی برای ایشان میسر است.

بسیاری از دانشجویان صلاحیت عمومی یک دانشجو را دارند. اما برخی از ایشان در حد مطلوب و متناسب با نظام جمهوری اسلامی ایران نیستند و باید با تقویت اساتید و منابع درسی به این مهم نایل آمد.

کالاهای تولید شده ی فرهنگی نشان از فرهنگ حاکم بر جامعه دارند و افرادی که از آن استفاده می کنند انتقال دهنده فرهنگ در سراسر دنیا هستند. از ابتدای انقلاب اسلامی تا حال کالاهای فرهنگی با ارزشهای نظام جمهوری اسلامی تطابق داشته است. اما علاوه بر کالاهای تولید شده برخی کالاها از طریق کشور های دیگر وارد

می شود که مطابق با ارزشهای نظام اسلامی نمی باشند ولی بین مردم رواج دارد. برای مقابله با این وضعیت باید مراقب واردات به کشور بود و هر آنچه نیاز اساسی است وارد شود نه آنچه باعث از بین رفتن ارزشهای اسلامی است. و باید الگوهایی ارائه داد که به ارزشهای ایرانی و اسلامی توجه بیشتری داشته باشند و مطابق با فرهنگ بومی باشند.

با تأسیس حوزه علمی علمیه خواهران در قم و گسترش مراکز اسلامی در چند دهه ی گذشته زنان طلبه به عنوان مبلغان دین نقش بسزایی در ترویج فرهنگ مذهبی پیدا کرده اند. در این شاخص مطلوب آن است که همه زنان اطلاعات شرعی عمومی را برای رفع نیازهای روزمره خویش داشته باشند و این منافی آن نیست که گروهی دیگر مراحل پیشرفته ی تحصیلات حوزوی را تا مرحله اجتهاد پیش گیرند و به مسایل شرعی پاسخگویی اجتهادی داشته باشند.

از جمله ابزارهای تبلیغاتی، رسانه های ارتباط جمعی همچون رادیو، تلویزیون و مطبوعات است که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند. استفاده ابزاری از زنان در مطبوعات و رسانه ها بر دو قسم است: استفاده منفی و استفاده مثبت. استفاده منفی قبل از انقلاب بسیار رایج بود و در اکثر تبلیغات برای جلب توجه بیشتر مخاطبین، از زنان استفاده می شد. اما تبلیغات مثبت بعد گسترده تری دارد و مطلوب آن است که برخی ارزشهای اسلامی توسط زنان تبلیغ و تشویق شود مثل تبلیغ برای چادر، شرکت در مناسک جمعی توسط زنان محجبه، خرید محصولات ارزشی توسط زنان و

زنان در دو دهه اخیر در تألیف و ترجمه حضور خوبی به نسبت گذشته داشته اند اما با توجه به نیاز جامعه این حضور کافی نیست. در تألیف و ترجمه مطلوب حضور بیش از پنج برابر وضعیت فعلی به نسبت جمعیت فعلی است. طبق آمارهای موجود زنان نویسنده و مترجم در عرصه کتاب کودک خوب درخشیده اند اما در عرصه های علمی ضعیف هستند که نیاز به رشد این شاخص احساس می شود.

توجه به مسایل فرهنگی و گسترش کتابخانه ها در سطح کشور زنان عضو کتابخانه و مراجعان زن به کتابخانه را بسیار بیشتر از قبل از انقلاب کرده است و تقریباً نیمی از مراجعین به کتابخانه های عمومی زنان هستند. این تعداد مراجع زن به کتابخانه های عمومی مطلوب است و خوشبختانه در این شاخص به حد نرمال و خوب رسیده ایم و آمارها نیز مؤید این سخن است.

آمار کتابهایی که در رابطه با زنان و خانواده در سطح کشور به چاپ رسیده است رو به افزایش می باشد به گونه ای که رشد قابل ملاحظه بعد از انقلاب داشته است. در حالیکه عناوین کتاب هایی که در حال حاضر منتشر می شود برای پاسخگویی به همه ی مسایل و موضوعات زنان کافی نبوده و افزایش آن ، در وهله اول همت خود زنان را می طلبد و باید به تولید آثاری ارزشمند در حوزه های مختلف علمی اقدام کنند و جامعه علمی کشور نیز باید برای این عرصه تأملی جدی داشته باشد و در موضوعات مختلف، تألیف و ترجمه ارائه نماید.

انقلاب اسلامی ایران بسترهای مناسب جهت حضور و فعالیت زنان در حوزه ی هنر و بویژه هنرهای تجسمی را فراهم آورد و شاهد حضور زنان در جشنواره ها و توجه به هنرهای تجسمی هستیم. البته آمارها حاکی از آن است که نسبت به قبل از انقلاب و به نسبت رشد جمعیت رشد قابل ملاحظه ای نداشته ایم و تعداد زنان شرکت کننده در جشنواره ها هنوز یک دوم مردان شرکت کننده است. ولی تعداد زنان هنرجو رشد قابل ملاحظه ای داشته است. اما جامعه هنری باید آنها را بیشتر تشویق نماید تا آثار خود را در جشنواره های داخلی و خارجی ارائه نمایند چرا که زنان با ظرافت های کاری و دقت فراوان قادرند آثاری ارزشمند تولید و عرضه کنند.

اگرچه تعداد زنان صاحب اثر برگزیده اندک است اما حضورشان نشانه رشد و ترغیبشان برای تولید آثار ادبی بهتر است. در این شاخص با توجه به آمار در حد مطلوب نیستیم. مطلوب در این شاخص آن است که تعداد برگزیدگان جشنواره های ادبی و هنری نسبت به وضعیت فعلی رشد پنج برابری داشته باشد.



کیفیت حضور زنان در فیلم های سینمایی در مقایسه با قبل از انقلاب اسلامی ایران قابل مقایسه نیست زیرا در گذشته چهره ای مخدوش و بی هویت از زن ایرانی ارائه می کردند اما پس از انقلاب اسلامی و تحولات عظیم سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، حضور زنان در رسانه ها تعریف جدیدی یافت و جایگاه مناسبتری برای آنان در این وادی ترسیم گردید. ورود مفاهیم ارزشی و تکریم منزلت زن و نقش های اجتماعی زن دستمایه تولیدات رسانه ای قرار گرفت و زنان در این عرصه با امنیت بیشتر و حضوری شایسته تر سعی در ارائه چهره زن ایرانی و مسلمان نمودند به گونه ای که بیش از نیمی از افراد معتقدند که نقش آفرینی زنان در فیلم های سینمایی با ارزش های اسلامی تطابق دارد. در این شاخص حد مطلوب، حضور گسترده ی زنان در جامعه سینمایی و هنری نیست، بلکه چنانچه زنان با رعایت کامل مسایل اخلاقی مشارکت داشته باشند مناسبترین حالت است، اما لازم است ابتدا آموزشهای اخلاقی و حرفه ای ایشان تکمیل شود و سپس سازوکار حضور در این گونه فضاها فراهم آید.

حضور زنان در سینما در تمامی سطوح شغلی حائز اهمیت است و این حضور در مقایسه با قبل از انقلاب بسیار چشمگیر است و برای اینکه زنان بیشتری به این حرفه ها روی آورند باید امنیت شغلی، ساعات مناسب کاری، در دسترس قرار گرفتن کتابها و منابع جهت افزایش آگاهی های زنان در زمینه بازیگری، چهره پردازی، تدوینگری و ... مهیا گردد و تولید فیلم هایی که مختص زنان باشد، چنانچه توسط زنان انجام گیرد و تمام دست اندرکاران آن خانم ها باشند به لحاظ حرفه ای و اخلاقی بسیار جالب توجه و مطلوب خواهد بود و باید به این نکته توجه خاص نمود.

زنان در تمامی عناوین شغلی در صدا و سیما حضوری فعال داشته اند اما در مقایسه با کل شاغلین رقم اندکی را تشکیل می دهند اگر چه تعداد زنان در این سازمان افزایش داشته است اما این افزایش بسیار کند بوده است. مطلوب آن است که زنان در این مشاغل طوری حضور داشته باشند که به خانواده آسیب نرساند، حال با حضور نیمه وقت و یا کار در منزل و یا کار در اداره با ساعات کاری کمتر تا بتوانند خانواده را تقویت نمایند و نقش مادری را بهتر ایفا کنند.

۶-۴- اولویت بندی استراتژی های «فرهنگی و هنری زنان»

جدول ۱-۴: اولویت بندی استراتژی های «فرهنگی و هنری زنان»

اولویت	استراتژی ها	کلان استراتژی ها	شاخص
اول	<ul style="list-style-type: none"> - تلفیق ارزش های اسلامی با فرهنگ ایرانی. - خلاقیت در تولید برنامه های جذاب برای رشد و شکوفایی عقیدتی زنان. 	<ul style="list-style-type: none"> تقویت باورهای ارزشی و تحولات فکری زنان 	باورهای ارزشی و تحولات فکری
اول	<ul style="list-style-type: none"> - شناسایی عللی که بین باورهای ارزشی فرهنگی و اجتماعی و رفتارهای فرهنگی و اجتماعی شکاف و فاصله ایجاد کرده است. - افزایش آگاهیهای زنان نسبت به باورها و رفتارهای ارزشی. - مبارزه با تهاجم فرهنگی. - تحول در علوم انسانی و اجتماعی. - تولید کالاهای فرهنگی متناسب با فرهنگ اسلامی و بومی. - کنترل واردات کالاهای فرهنگی متناسب با فرهنگ اسلامی و بومی. - حمایت از تشکیل و تقویت NGO های مذهبی. - تبیین حجاب. - تقویت عمل به شعائر فردی و اجتماعی اسلام در زنان. 	<ul style="list-style-type: none"> تناسب کامل الگوهای فرهنگی و اجتماعی با ارزشهای مذهبی جامعه ی اسلامی 	رفتارهای ارزشی و فرهنگی و اجتماعی اسلامی
اول	<ul style="list-style-type: none"> - رشد اطلاعات شرعی . - گسترش کمی و کیفی علوم حوزوی. - تولید برنامه های تلویزیونی، رادیویی متناسب با ارزشهای مذهبی. - تولید اخبار و گزارش ها متناسب با ارزشهای مذهبی. - استفاده سازنده از تصاویر زنان در آگهی های تبلیغاتی. 	<ul style="list-style-type: none"> تناسب کامل ارزشهای مذهبی با الگوهای جامعه ی اسلامی 	ارزشهای مذهبی
سوم	<ul style="list-style-type: none"> - افزایش سرانه مطالعه زنان. - استفاده از تکنولوژی های جدید برای عرضه کتابها. - برگزاری نمایشگاه های استانی، ملی و بین المللی با موضوع زنان. - معرفی مناسب کتاب های چاپ شده. - راه اندازی سیستم توزیع سراسری کتاب. - از زمان و فضای موجود در سفرها برای بالا بردن سرانه مطالعه زنان. - تولید کتاب متناسب با نیاز واقعی جامعه زنان. - افزودن هزینه خرید کتاب به حقوق کارمندان. - انتشار کتب یک بار مصرف. - ترویج فرهنگ سرمایه گذاری خیرین برای کتاب و کتابخوانی. 	<ul style="list-style-type: none"> تطابق مصرف کالاهای فرهنگی و خدمات فرهنگی با معیارهای اسلامی 	مصرف کالاهای فرهنگی و خدمات فرهنگی



ادامه جدول ۲-۴: اولویت بندی استراتژی های «فرهنگی و هنری زنان»

اولویت	استراتژی ها	کلان استراتژی ها	شاخص
سوم	<ul style="list-style-type: none"> - تسهیل پروسه چاپ کتاب برای زنان. - توسعه فعالیت زنان در تالیف و ترجمه کتاب. - توسعه کتابخانه های عمومی. 	<ul style="list-style-type: none"> توسعه فرهنگی، نیروی انسانی، فضاها و تجهیزات فرهنگی 	<ul style="list-style-type: none"> توسعه فرهنگی، نیروی انسانی، فضاها و تجهیزات
دوم	<ul style="list-style-type: none"> - برگزاری جشنواره های مشترک ادبی و هنری مختص زنان. - برگزاری دوره های آموزشی فرهنگی و هنری مختص زنان. - افزایش نقش زنان در تداوم و زنده نگه داشتن ادبیات و هنر بومی و محلی و صنایع دستی. 	<ul style="list-style-type: none"> تطابق ادبیات، هنر و صنایع دستی با آموزه های اسلامی 	<ul style="list-style-type: none"> ادبیات، هنر و صنایع دستی
سوم	<ul style="list-style-type: none"> - حضور پر رنگ تر و کیفی تر زنان در سینما، تئاتر، رادیو و تلویزیون. - ارائه تصویر درست و واقعی از زن مسلمان در فیلم های سینمایی و رادیویی و تلویزیونی. - قرار دادن زنان در جایگاه مناسب و متناسب با توانایی هایشان در سازمان صداوسیما. - حضور زنان در سینما، تئاتر، رادیو و تلویزیون متناسب با جایگاهش در خانواده. - پرداختن به برنامه هایی با موضوع تکریم نقش مادری و همسری و ترویج فرهنگ خانواده دوستی و خانواده محوری. - پرداختن به برنامه هایی با موضوع آموزش پیش از ازدواج. 	<ul style="list-style-type: none"> حضور کیفی تر زنان در سینما، رادیو و تلویزیون 	<ul style="list-style-type: none"> سینما، رادیو و تلویزیون
سوم	<ul style="list-style-type: none"> - افزایش حضور زنان در خبرگزاری ها. - افزایش حضور زنان در مطبوعات. 	<ul style="list-style-type: none"> حضور زنان در مطبوعات و خبرگزاری ها 	<ul style="list-style-type: none"> مطبوعات، خبرگزاری و اینترنت
	<ul style="list-style-type: none"> افزایش استفاده زنان از اینترنت 	<ul style="list-style-type: none"> استفاده زنان از اینترنت 	

فصل پنجم:

جایگاه اقتصادی و معیشتی زنان

۱-۵- پیش درآمد جایگاه اقتصادی و معیشتی زنان

چگونگی روند توسعه اقتصادی، اجتماعی هر کشور را منابع انسانی آن تعیین می‌کنند. منابع انسانی پایه اصلی ثروت ملتها را تشکیل می‌دهند. از این جهت، بهره‌برداری کامل و متناسب از منابع انسانی هر کشور باید به عنوان یکی از هدف های راهبردی توسعه در نظر گرفته شود. زنان حدود نیمی از جمعیت کشور و بخش مهمی از جمعیت فعال اقتصادی هستند که می‌توانند سهم به سزائی در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور ایفاء کنند. کم یا زیاد، کوچک یا بزرگ بودن سهم زنان در بازار کار کشور نیز در عرضه نیروی انسانی نقش مهمی دارد. زنان حدود نیمی از جمعیت کشور و بخش مهمی از جمعیت فعال اقتصادی هستند که می‌توانند سهم به سزائی در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور ایفاء کنند.

شرکت زنان در فعالیتهای اقتصادی از آغاز پیدایش بشر واقعیتی انکارناپذیر بوده است و از قدیم‌الایام، زنان سهم عمده‌ای در تولید ملی داشته‌اند. معذالک کار آنان از بسیاری جهات متفاوت با کار مردان بوده و مسیری جدا از اشتغال مردان داشته است که از آن جمله می‌توان به نوع کار، ساعات کار، میزان دستمزد، سال های شروع به کار، بازنشستگی و نوع مسئولیتها اشاره نمود. توسعه اقتصادی، اجتماعی، گسترش آموزش، شهرنشینی و به طور کلی تحولاتی که در جوامع امروزی واقع شده منجر به دگرگونی کار زنان و نقش آنان در جامعه گردیده است. امروزه زنان در بسیاری از شئون صنعتی و اداری مملکت به کار گرفته شده و به فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی پرداخته‌اند، تا جائی که در مباحث توسعه، مشارکت زنان و نحوه ایفاء نقش آنان در ساختار اقتصادی، یکی از شاخص های نوسازی و توسعه اقتصادی قلمداد شده و به عنوان الزام اقتصادی اجتماعی پیشرفت جوامع از آنان یاد می‌شود. در چند دهه اخیر جهان با پدیده جدیدی تحت عنوان اشتغال زنان و مشاغل خارج از خانه روبرو شده است. لذا این مطالعه هم از حیث علمی و هم از لحاظ کاربردی و عملی حائز اهمیت است.

۲-۵- مبانی نظری جایگاه اقتصادی و معیشتی زنان

با ظهور اسلام؛ کرامت انسانی زن احیاء شد و زن در کنار مرد به عنوان نیمی از پیکره حیات بشری مطرح گردید. اسلام دخترکشی را ممنوع کرد و به جامعه آموخت که به دختران احترام بگذارند. دین اسلام به هنگام پیدایش، برخی امور را که در جاهلیت بدان عمل می‌شد، پذیرفت و بعضی را اصلاح کرده، برخی دیگر را از بین برد و قوانین جدیدی را برای سامان دهی زندگی مسلمانان در اجتماع نوظهور امت اسلام، وضع کرد. قرآن کریم کسب و تلاش اقتصادی زنان و مردان را تأیید کرده و مالکیت آنان را برآن مترتب ساخته است: «للرجال نصیب مما اكتسبوا و للنساء نصیب مما اكتسبن» (نساء، آیه ۳۲) برای مردان از آن چه کسب کرده‌اند بهره‌ای است و برای زنان [نیز] از آن چه کسب کرده‌اند بهره‌ای است».

اسلام در مورد کار کردن زن، وضع زمان جاهلیت را پذیرفت؛ یعنی بی‌آنکه قانون صریحی بنهد، به زن اجازه داد هم چنان کار کند، زیرا دین، همان گونه که حق کارکردن مرد را مسلم و بدیهی می‌دانست، در مورد زن نیز چنین عقیده‌ای داشت. در زمان جاهلیت، بسته به [فرهنگ] محیط، به زن اجازه کار و فعالیت حرفه‌ای داده می‌شد. زن به فعالیت‌های بزرگ و مهم اقتصادی در جامعه می‌پرداخت و در کنار مرد خانواده یا برای ارتزاق [خود] و خانواده اش، اگر بیوه یا مطلقه بود] به عنوان یک کارگزار، فعالیت کشاورزی و دامپروری داشت. زنان برای کمک به خانواده یا ارتزاق خود، به صنایع دستی مشغول بودند و هم‌چنین کره و روغن یا پوست دباغی شده را می‌فروختند. زنی به نام زینب پزشک قبیله بنی‌داوود بود و مریضان را مداوا می‌کرد. زنانی بسیار مانند سلامه و ام‌هانی به امر شبانی و دامداری اشتغال داشتند. زن فعالیت تجاری هم داشت، چه در داخل و محدود، که در بازارهای محلی یا عمومی خرید و فروش می‌کرد و یا در محل کسب خود که در طول سال کار می‌کرد و خرید و فروش می‌کرد. از شمار این زنان «ام منذر بنت قیس» که ظاهراً در زمان رسول الله (صلی الله علیه وآله) خرما می‌فروخت و «اسماء بنت مخزوم بن جندل» عطر فروش بود. برخی از زنان تجارت خارجی کرده و ثروتمند بودند. مثل «هند

بنت عقبه» و «خدیجه بنت خویلد» اولین همسر گرامی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله). در مقایسه با باقی حرفه‌ها، تجارت اهمیت و موقعیت خاصی داشت و کسانی که بدان می پرداختند شخصیتی قوی داشتند و دوران‌دیش بودند و می‌توانستند با مردم روابط و پیوند خوبی داشته باشند. افزون بر این کارها، زنان در زمینه فکری و ادبی نیز نقش داشتند و کاهن، شاعر، حکیم و مرجع رفع اختلاف بودند (الصراف، ۱۳۸۴: ۲۳) اسلام کار کردن را وظیفه و از بهترین عبادت‌ها میدانند. رسول خدا (ص) فرمودند «عبادت هفتاد جزء است و طلب روزی حلال بهترین جزء آن است. (امینی ۱۳۸۶: ۲۱) در اسلام به سه نکته اساسی در مورد شرایط اشتغال زنان اشاره شده است که عبارتند از:

۱- مصلحت جامعه: در واگذاری شغل به زنان باید دقت کرد که چه پیامدهایی در جامعه خواهد داشت.

آیا تأثیر مثبت و مفیدی دارد و به حرکت جامعه به سوی پیشرفت کمک می‌کند و یا تأثیر منفی و مخربی خواهد داشت و موجب رکود و تزلزل اخلاقی در جامعه خواهد شد.

۲- مصلحت خانواده: از آنجا که قداست و استواری خانواده در جامعه اسلامی بسیار با ارزش و مهم می

باشد و باید از آن پاسداری کرد، اشتغال زنان و مادران در خارج از خانه نیز باید در راستای تحقق این اصل قرار گیرد نه این که باعث تزلزل خانواده گردد، که اگر چنین شود، اشتغال زن با اشکال روبرو است.

۳- شرایط و مسائل فردی: در واگذاری شغل به زنان باید به مصالح شخصی او نیز توجه شود که آیا زن

با انتخاب این شغل توانایی انجام آن را دارد یا خیر؟ آیا با این شغل رشد می‌یابد یا دچار عقب ماندگی می‌شود؟ آیا این شغل با توانمندی‌ها و قابلیت‌های او سازگار است یا خیر؟ در مجموع اگر این سه نکته مورد توجه واقع شود، اشتغال زنان در جامعه نه تنها مشکلی را ایجاد نمی‌کند بلکه منفعت جامعه را بیشتر خواهد کرد. (همان).

مطلب عمده در فرهنگ اشتغال زنان، از منظر اسلام، حفظ جایگاه و منزلت زن است و این امر باید در

اشتغال زنان لحاظ گردد. در تفکر اسلامی، حفظ و گسترش نهاد خانواده بر پایه ویژگی‌های فطری و طبیعی زن و مرد، اولویت و اهمیت خاصی دارد و در کنار آن، بر امکان اشتغال و استقلال مالی زنان تأکید شده است. اسلام اشتغال را برای زن هدف نمی‌داند، بلکه آن را در خدمت خانواده و رفاه و آسایش آن می‌پذیرد و اشتغال را به

عنوان یکی از راه‌های افزایش قابلیت و شکوفایی استعداد زنان و در جهت تعالی و کمال آنان می‌پذیرد. (قدیر، ۱۳۸۳)

حضرت امام، زن را در انتخاب شغل و کار کردن و کسب مال حلال آزاد می‌دانند: «از غرب بالاتر است این مسائلی که برای زن‌ها ما قایل هستیم ... تمام معاملاتشان به اختیار خودشان هست و آزاد هستند، اختیار شغل را، آزاد هستند». (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۶: ۶۰) ایشان زنان را دعوت می‌کنند تا دوشادوش مردان به ترمیم خرابی‌ها و سازندگی بپردازند: «زنان شیردل و متعهد، همدوش مردان عزیز به ساختن ایران عزیز پرداخته، چنانکه به ساختن خود در علم و فرهنگ پرداخته اند». (همان: ۶۳) در جایی که عزت و سربلندی اسلام و کشور مطرح می‌شود، امام حضور زنان را در صحنه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، واجب و تکلیف شرعی می‌دانند: (این کشور) وقتی به حسب واقع جمهوری اسلامی می‌شود که شما خانم‌ها به وظیفه‌تان عمل کنید و آقایان هم به وظیفه‌شان و همه ما خودمان را وظیفه‌دار و مکلف بدانیم». (همان: ۷۳) امام خمینی (ره) تأکید می‌نمایند که: «امروز باید خانم‌ها به وظایف اجتماعی و وظایف دینی خودشان عمل بکنند و عفت عمومی را حفظ بکنند و روی آن عفت عمومی، کارهای اجتماعی و سیاسی را انجام بدهند که شرط اصلی، پرهیز از شیء‌وارگی زن و رعایت حدود شرع و علت حضور، انجام تکلیف و وظیفه است». (همان: ۷۵).

هدف از فعالیت‌های اقتصادی زنان اگرچه به عنوان یک هدف جزئی و مرحله‌ای می‌تواند بالا بردن سطح بهره‌بری مادی و اقتصادی باشد، لیکن همین انگیزه و هدف اقتصادی بایستی در راستای اهداف سیاسی- فرهنگی جامعه و نظام اسلامی در مقولاتی مانند بسط عدالت اجتماعی، رشد و بالندگی، تامین رفاه عمومی، گسترش فرهنگ و دانش انسانی، توسعه اخلاق و معنویت انسانی باشد. (محمدی، ۱۳۸۶).

مقام معظم رهبری در زمینه اشتغال زن معتقدند «ما در مورد مساله زن از یک سو و مساله دانش و تخصص از سوی دیگر و مساله خدمت به افراد بشر هم از جانب دیگر، به نام اسلام ادعاهایی داریم. ادعاهای ما در

چارچوب اسلام است. ما معتقدیم زنان در هر جامعه سالم بشری قادرند و می باید فرصت پیدا کنند که در حد سهم خود تلاش و مسابقه خویش را در پیشرفت های علمی و اجتماعی و سازندگی و اداره این جهان بعهدہ بگیرند. از این جهت میان زن و مرد هیچ تفاوتی نیست. هدف از آفرینش هر فرد انسان، عبارت از همان هدف آفرینش بشریت است، یعنی رسیدن به کمال بشری و بهره بردن از بیشترین فضایی که یک انسان می تواند به آن فضایل آراسته بشود. فرقی هم بین زن و مرد نیست». (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۰/۲۶) زنان در اسلام با حفظ بنیان خانواده می توانند به همه عناوینی که مردان دست می یابند جز در موارد استثنایی و محدود از جمله قضاوت دست یابند. اسلام از بانوان می خواهد تا کوشش کنند بنیان خانواده مستحکم بماند. زنان می توانند به عنوان سلحشور و مجاهد فی سبیل الله به جامعه وارد شوند و تمام این تلاشها مباح و مطلوب است به شرط آن که خانواده به عنوان عنصر اصلی اجتماع متلاشی نشود.

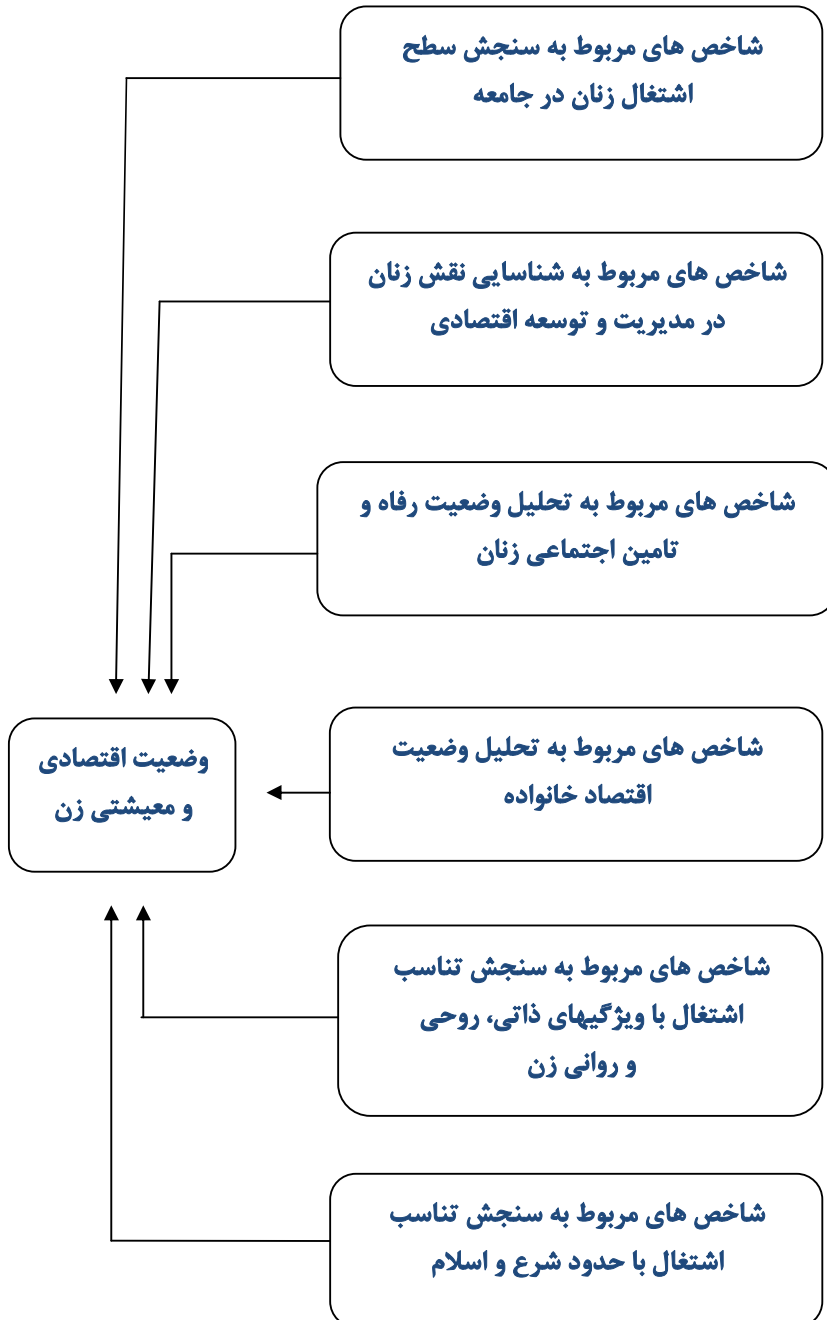
اسلام با کار کردن زنان نه تنها موافق است، بلکه تا آنجایی که با شغل اساسی او که مهمترین شغل اوست، یعنی تربیت فرزند و حفظ خانواده، مزاحم نباشد شاید لازم هم می داند. یک کشور نمی تواند از نیروی کار زنان در عرصه های مختلف بی نیاز باشد اما این کار باید با کرامت و ارزش معنوی و انسانی زن منافات نداشته باشد. باید زن را تذلیل نکند. زن را وادار به تواضع و خضوع نکند. (بانکی پور فرد، ۱۳۸۱).

شهید مطهری نیز معتقدند که «فراهم آوردن امکانات لازم و ایجاد زمینه ای مطلوب برای این گونه سازندگی ها مستلزم بوجود آوردن فضایی سالم و عاری از هر گونه مشکلات جدی رفتاری است که در آن انسانها بتوانند با فکری راحت و خلاقیت در خور توجه، سازنده زندگی حال و آینده خود باشند. با توجه به اینکه یکی از دو رکن اصلی خانواده زنان می باشند و نیمی از منابع انسانی جامعه را تشکیل می دهند و به طور کلی در همه ادوار تاریخی مشارکتهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی داشته اند». (شهید مطهری، ۱۳۸۷: ۲۰۲). «در صدر اسلام نیز وقتی حکومت اسلامی به مرحله اجرا درآمد، زنان در حوادث اجتماعی و سیاسی نقش آفرینی کرده اند (شرکت در بیعتها، مهاجرت و جنگها ..) حتی در اسلام است که نخستین بار، زن دارای استقلال اقتصادی می

گردد». (همان). «کار کردن زن در بیرون خانه، بی گمان تأثیرات مثبتی بر شخصیت او دارد. زیرا می‌تواند او را به خودکفایی اقتصادی برساند که در برابر شرایط سختی که او را به کارهای ناخواسته یا حتی انحراف وادار می‌سازد، از او حمایت کند. از سوی دیگر، این خودکفایی می‌تواند به او استقلالی بدهد که او را از تسلیم شدن در برابر فشارهایی که ممکن است دیگران بخواهند بر او وارد کنند، حفظ کند، چرا که هیچ کس، حق تصرف و تملک دارایی‌های او را ندارد» (همان).



۳-۵- چارچوب کلی مدل مفهومی جایگاه اقتصادی و معیشتی زنان



۴-۵- شاخص ها و زیرشاخص های جایگاه اقتصادی و معیشتی زنان

۳-۱- سطح اشتغال زنان در جامعه

۳-۱-۱- اهلیت اقتصادی

۳-۱-۲- میزان تحصیلات و فرصتهای شغلی زنان

۳-۱-۳- سطح اشتغال زنان در بخشهای اقتصادی (کشاورزی، صنعت و خدمات)

۳-۱-۴- سطح اشتغال زنان (دولتی، خصوصی و تعاونی)

۳-۱-۵- سازمانهای اقتصادی غیردولتی زنان (NGO)

۳-۲- نقش زنان در مدیریت و توسعه اقتصادی

۳-۲-۱- نقش زنان در ایجاد شغل آزاد (تولید، تجارت و خدمات)

۳-۲-۲- نقش مدیریتی زنان در ارگانهای دولتی

۳-۲-۳- نقش زنان در برنامه ریزیهای اقتصادی

۳-۳- نقش زنان در مدیریت و توسعه اقتصادی

۳-۳-۱- بار تکفل اقتصادی

۳-۳-۲- پوشش بیمه ای زنان

۳-۴- نقش زنان در مدیریت و توسعه اقتصادی

۳-۴-۱- استقلال اقتصادی زن

۳-۴-۲- تاثیر استقلال مالی زن در رشد و تربیت فرزندان

۳-۵- تناسب اشتغال با ویژگیهای ذاتی، روحی و روانی زن

۳-۵-۱- تفاوت جنسیتی در کار

۳-۵-۲- ویژگیهای ذاتی و روانی زن

۳-۶- تناسب اشتغال با حدود شرعی اسلام

۳-۶-۱- رعایت حدود شرعی در کار



۵-۵- تحلیل جایگاه اقتصادی و معیشتی زنان

در پی تحولات اجتماعی و اقتصادی در کشورهای مختلف در سال‌های اخیر، اوضاع اشتغال به شدت متحول شد و نیاز به نیروی کار افزایش یافت. تنوع کارها و نیاز به نیروی کار متناسب با آنها و افزایش مشاغل خدماتی و اداری، برنامه‌ریزان را بر آن داشت تا هر چه بیشتر، از وجود زنان در بازار کار استفاده کنند. مشارکت زنان ایرانی در بازار کار، صد سال بعد از حضور هم‌تایانشان در جوامع صنعتی بوده است و این مشارکت، در طول سه دهه اخیر، با نوسان‌های شدیدی روبه‌رو شده است.

دین اسلام با اینکه اصل استقلال اقتصادی را برای زنان قائل شده، یعنی زنان هم مالک کار و تولید خود بوده و هم هیچ‌گونه مسئولیتی در برابر اقتصاد خانواده ندارند و حتی می‌توانند در مقابل کار و خدمتی که در خانه انجام می‌دهند از همسر تقاضای مزد و حقوق کنند که پرداخت آن هم بر مرد واجب است، اما در شرایط واگذاری کار به زنان در اسلام، مصلحت جامعه، خانواده و شرایط و مسائل فردی را هم مدنظر داشته است که این محدودیت‌هایی را برای کار زنان بوجود می‌آورد.

امام خمینی (ره) مقتضیات زمان را در نظر داشت و برای اظهارنظر درباره زن، هرگز او را به خانه محدود نکرد، بلکه با روشن بینی تمام در مورد حقوق زن در اسلام، فعالیت‌های او در اجتماع را مجاز شمرد. امام با الگو قرار دادن حضرت فاطمه برای زنان، نگرش جوامع سنتی به زن را از بین برد. ایشان تفاوت‌های جنسی را می‌پذیرد که احکام خاص خود را دارد؛ ولی معتقد است که این تفاوت‌ها مانع حضور اجتماعی زن نمی‌شود. زن می‌تواند با همین تفاوت‌ها، مشارکت اجتماعی داشته باشد. با سیرکوتاهی درسرخنان و پیام‌های امام خمینی (ره)، می‌توان مشارکت اجتماعی زنان را به دو بخش مستقیم و غیرمستقیم تقسیم کرد. منظور از مشارکت غیرمستقیم؛ تعلیم، تربیت و تهذیب فرزندان بوسیله مادران است و فرزندان تربیت شده با نقش و حضور خویش در جامعه، سعادت و انحطاط جوامع را رقم می‌زنند. این نوع مشارکت به وسیله فرزندان صورت می‌گیرد. خانواده نهاد اصلی و شالوده یک جامعه است و وجود این نهاد به جامعه هویت می‌بخشد و فروپاشی آن، جامعه را به انحطاط می‌کشاند. مقصود

از مشارکت مستقیم؛ فعالیت، ارتباط و تأثیرمستقیم زن در فعالیت‌ها و عرصه‌های اجتماعی است. این عرصه، پس از خانواده، ساحت تلاش گسترده برای رسیدن به کمال است. بخشی از رشد معنوی و شخصیتی زن در خانواده و قسمت زیادی نیز در عرصه حیات اجتماعی شکل می‌گیرد. در اجتماع بخش بزرگی از استعدادها و قابلیت‌ها به فعلیت می‌رسد. میدان فعالیت‌های اجتماعی امروزه همراه با پیشرفت علوم و صنایع و پیدایی عرصه‌های جدید، گسترده و متنوع شده است، اشتغال، تجارت، هنر، ورزش، صنعت، مدیریت خردوکلان، تشکّل‌ها و احزاب، دادرسی، تعلیم و تعلم از آن جمله است. امام بیشتر به دنبال تحول و استحکام خانواده و احیای نقش آن در تربیت نسل‌ها است؛ چیزی که در این عصر به تدریج فراموش می‌شود. امام به کارکردهای مهم خانواده در جامعه آگاه است، به همین دلیل نقش زنان را در توسعه اساسی و زیربنایی می‌داند.

کارشناسان وضعیت اشتغال زنان را از دو راه مشخص می‌کنند: یکی نسبت زنان شاغل به کل شاغلین و دیگری، نسبت زنان شاغل به کل زنان ده ساله و بیشتر است. براساس نتایج پنج سرشماری عمومی نفوس و مسکن که توسط مرکز آمار صورت گرفته، اگر ما نسبت زنان شاغل به کل شاغلین را در سه دهه انقلاب اسلامی ایران طی سالهای ۸۵-۱۳۵۵ در نظر بگیریم، در این سالها، سهم زنان در نیروی کار، به ترتیب ۱۳/۷۷ درصد، ۸/۲ درصد، ۹/۰۹ درصد و ۱۳/۵ درصد بوده است. در یک دوره ۵۰ ساله از سال ۱۳۸۵-۱۳۳۵ به استناد آمارهای سرشماری، جمعیت زنان از ۹/۳۰۹ میلیون نفر به ۳۴/۶۲۹ میلیون نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده و ۳/۷۱ برابر شده است. این آمارها حاکیست که حدود ۵۰ درصد سرمایه انسانی کشور زنان هستند و بکارگیری و استفاده از این سرمایه کشور را در دستیابی به اهداف توسعه سرعت می‌بخشد.

نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد که نرخ مشارکت اقتصادی زنان از ۱۲/۹۳ درصد در سرشماری ۱۳۵۵ به ۱۶/۵ درصد در سرشماری ۱۳۸۵ افزایش یافته که مبین تغییر و تکامل مشارکت زنان در اقتصاد، تغییر هویت فردی و اجتماعی آنان است. طی دهه‌های اخیر تعداد فارغ التحصیلان زن در دوره‌های آموزش عالی افزایش یافته به

طوریکه تعداد پذیرفته شدگان زن در مراکز آموزش عالی کشور اعم از دولتی و آزاد نسبت به سه دهه گذشته ۲۷ برابر شده است. اشتغال زنان در بخشهای سه گانه افزایش یافته، به ویژه در بخش کشاورزی طی برنامه اول تا سوم از ۲۶/۶۵ درصد به ۳۲/۵ درصد رسیده که حاکی از افزایش اشتغال زنان در بخش کشاورزی نسبت به بقیه بخشها است. در بخش خصوصی اشتغال زنان طی سرشماری ۱۳۸۵-۱۳۶۵ تقریباً سه برابر شده است. در بخش دولتی طی سرشماری ۱۳۸۵-۱۳۶۵ تقریباً ۲/۵ برابر شده است. اشتغال زنان در سازمانهای غیردولتی (NGO) طی برنامههای اول تا سوم توسعه افزایش یافته و از ۵۵ مورد در سال ۱۳۷۴ به ۴۲۰ سازمان در سال ۱۳۸۳ رسیده است. درصد مدیران، قانونگذاران و کارکنان عالی رتبه از کل شاغلان برای زنان ایران از ۱۱/۱ درصد در سرشماری ۱۳۵۵ به ۳/۳۶ درصد در سرشماری ۱۳۸۵ افزایش یافته است.

توزیع جمعیت زنان شاغل کشور در بخش های اقتصادی در سال ۱۳۸۵، در بخش خدمات (بویژه خدمات آموزشی و بهداشتی)، صنایع و معادن (به ویژه صنایع دستی و خانگی) و کشاورزی به ترتیب ۴۴/۱، ۳۳/۵ و ۲۵/۴ درصد بوده است. با وجود ۱۷ میلیون و ۴۹۸ هزار و ۸۲۶ خانواده در کشور ارزش اقتصادی کار زنان خانه دار در کل کشور بالغ بر ۳۳۶ هزار میلیارد در سال می شود که سهم آن در تولید ناخالص با قیمت جاری ۱۶/۷ درصد خواهد شد که مبین نقش زنان در برنامه ریزی های اقتصادی خانواده و در سطح جامعه است.

توزیع نسبی زنان سرپرست خانوار به کل سرپرستان خانوار کشور در سال ۱۳۸۵، ۹/۴۶ درصد برآورد شده که این شاخص نسبت به سال ۱۳۷۵، ۱/۱ و نسبت به سه دهه گذشته ۲/۳ درصد افزایش داشته است. بیمه شدگان تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی برای زنان از ۲۰۹ بیمه شده در سال ۱۳۷۰ به ۸۸۹ بیمه شده در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته و بیمه بیکاری برای زنان از ۲ نفر در سال ۱۳۷۰ به ۱۹ نفر بیمه شده در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است.

تعداد مطلق شاغلان زن در طی سرشماری های ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ روند افزایشی داشته و از ۹۱۰ هزار نفر در سرشماری ۱۳۴۵ به ۲۷۸۱ هزار نفر در سرشماری ۱۳۸۵ رسیده است. مطالعات انجام شده نشان داده مسئله

اشتغال زن در خارج از منزل، دسترسی مادران به فرصت های آموزشی را بیشتر و این مساله در رشد فرزندان تاثیر گذاشته و کودکانی که مادران شاغل دارند به لحاظ اجتماعی سازگاری بیشتری دارند.

از آنجا که در پذیرش زنان برای ورود به رشته های دانشگاهی، هیچگونه محدودیتی وجود ندارد. اما گرایش تحصیلی دختران بترتیب در رشته های علوم پزشکی، علوم پایه، هنر، علوم انسانی، کشاورزی و دامپزشکی و فنی و مهندسی است. بیشترین تمرکز زنان برای اشتغال در وزارت آموزش و پرورش با ۵۲۳۰۲۴ نفر و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با ۹۹۸۸۰ نفر می باشد.

بعد از انقلاب اسلامی با افزایش رعایت اصول و موازین شرعی در سطح جامعه و محیط های کار به ویژه در بخش های دولتی، زنان با اطمینان بیشتری در سطح جامعه ظاهر شده و به کار و فعالیت می پردازند.

با توجه به آراء امام خمینی انگیزه و هدف فعالیت های اقتصادی زنان بایستی در راستای اهداف سیاسی- فرهنگی جامعه و نظام اسلامی باشد. باید تلاش فراوان در عرصه مشارکت فعالتر و هرچه بهتر و بیشتر زنان بکنند. با توجه به مبانی ارزشی جامعه اسلامی زنان در جامعه اسلامی آزادند و حق رفتن به دانشگاه ها و ادارات را دارند. پس توجه کافی مسئولان به ارتقاء سطح آموزش مهارتها و تخصص بویژه برای زنان، افزایش ورود دانش آموختگان دوره کارشناسی به دوره های تحصیلات تکمیلی تا ۲۰ درصد تا پایان برنامه پنجم توسعه را می طلبد.

با توجه به دیدگاه امام، زنان حق دخالت سیاسی در تمامی شئون نظام اسلامی، عهده دار شدن پستهای مدیریتی مناسب با مقام انسانی خود را دارند. افزایش ساختارهای سرمایه گذاری در فرصتهای اشتغالزا و افزایش باورهای عمومی نسبت به شایستگی آنان ضروری می نماید. با توجه به نظر اسلام، زنان هم مالک کار و تولید خود بوده و هیچگونه مسئولیتی در برابر اقتصاد خانواده ندارند و حتی می توانند در مقابل کار و خدمتی که در خانه انجام میدهند از همسر تقاضای مزد و حقوق کنند که پرداخت آن هم بر مرد واجب است. پس افزایش توان اقتصادی زنان و محاسبه ارزش کار خانگی زنان در راستای نیل به اهداف توسعه ۱۴۰۴ ضروری است.

به نظر شهید مطهری اشتغال زن می تواند او را به خودکفایی اقتصادی برساند و این خودکفایی زن را از تسلیم شدن در برابر فشارهای ممکنه حفظ کند، اما وقتی زن سرپرست خانوار بدون کار باشد، در این صورت توجه و حمایت ویژه از سوی ارگان های کمیته امداد امام خمینی (ره)، بهزیستی، وزارت کار و امور اجتماعی و مسئولین جامعه جهت ارتقای سطح رفاه زندگی افراد به ویژه زنان سرپرست خانوار احساس می شود..

برخوردراری زنان از تأمین اجتماعی از نظربازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی سرپرستی، درراه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت های پزشکی به صورت بیمه می باشد .

با توجه به نظر اسلام و آراء امام زنان باید در انتخاب فعالیت های اقتصادی و بهره برداری از دستاوردهای مادی این فعالیت ها و مالکیت آنها مستقل، آزاد و مختار باشند. اشتغال زنان و مادران در خارج از خانه باید در راستای قداست و استواری خانواده و تربیت فرزند در جامعه صورت پذیرد. این مهم می تواند موجبات بهبود روابط اجتماعی و توسعه دیدگاه های آنان نسبت به حقوق خود و خانواده شود. با توجه به نظر مقام معظم رهبری زنان در جامعه باید مسئولیت ها و مشاغلی انجام وظیفه نمایند که با صفات و ویژگیهای ذاتی آنان متعارض نباشد و اسلام در کنار آن کار علمی و تلاش اقتصادی و سیاسی و اجتماعی را در صورت فرصت و فراغت زن منع نمی کند. پس رفع سیاست های جنسیتی برای دستیابی زنان به فرصت های برابر آموزشی ضروری به نظر می رسد.

با توجه به نظر مقام معظم رهبری در واگذاری کار باید طبیعت و فطرت زن و طبیعت و فطرت مرد، مسئولیتها و مشاغل اختصاصی زن، مسئولیت ها و مشاغل اختصاصی مرد و آنچه می تواند مشترک بین اینها باشد، انجام بگیرد و از روی انفعال و تقلید نباشد. پس با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی برای احراز مشاغل ایجاد شود.

با توجه با نظر امام فراهم آوردن شغل برای زن، شغل صحیح هیچ مانعی ندارد اما بعضی مواقع مشکلات و عواقب کار زن بعنوان مانعی برای جلوگیری از رشد و تعالی او و تربیت صحیح اطفال محسوب می شود.

۶-۵- راهکارهای بهبود جایگاه اقتصادی و معیشتی زنان

جدول ۱-۵: اولویت بندی استراتژی های «اقتصادی و معیشتی زنان»

اولویت	استراتژی ها	کلان استراتژی ها	شاخص
دوم	<ul style="list-style-type: none"> - شناسایی و تقویت زیرساخت های اقتصادی متناسب برای حضور زنان در جامعه. - افزایش نقش و مشارکت زنان در سازمان های دولتی و غیردولتی. 	<ul style="list-style-type: none"> افزایش حداکثر توان اقتصادی زنان در عرصه های مختلف در سطح ملی 	سطح اشتغال زنان در جامعه
اول	<ul style="list-style-type: none"> - شناسایی رویه های حمایتی از زنان جهت ارتقاء آنان در سطوح مدیریتی. - افزایش توان فعالیت زنان کارآمد در پست های مدیریتی و حذف سقف شیشه ای. 	<ul style="list-style-type: none"> بازآفرینی نقش اقتصادی و مدیریتی زن در خانواده و جامعه در راستای اهداف توسعه 	نقش زنان در مدیریت و توسعه اقتصادی
سوم	<ul style="list-style-type: none"> - شناسایی عوامل موثر بر فرایند اشتغال و کارآفرینی زنان و تقویت و حمایت آنها. - افزایش امنیت اقتصادی-اجتماعی زنان. 	<ul style="list-style-type: none"> شناخت رویه های حمایتی از زنان و ارتقای سطح پوشش بیمه آنان در حوزه رفاه و تامین اجتماعی در سطح ملی 	وضعیت رفاه و تامین اجتماعی زنان
اول	<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد فرصت های شغلی برای زنان در تمامی عرصه ها - افزایش قابلیت ها و مهارت های زنان متناسب با نیازهای جامعه با رعایت عدالت جنسیتی. 	<ul style="list-style-type: none"> بازشناسی فرصت های شغلی برای زنان و نقش زن در عرصه های اقتصادی و اجتماعی در راستای تقویت نهاد خانواده 	اقتصاد خانواده
دوم	<ul style="list-style-type: none"> - ارتقای کیفیت و موقعیت زنان در عرصه های مختلف اجتماعی. - بازنگری سیاست های جنسیتی به نفع زنان در کسب موقعیت های اجتماعی. 	<ul style="list-style-type: none"> ارتقاء سطح توان اقتصادی و معیشتی زنان با توجه به خصوصیات ذاتی، روحی و روانی 	«تناسب اشتغال با ویژگی های ذاتی، روحی و روانی زن»
اول	<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد تدابیر قانونی و حمایتی از زنان در محیط های کاری - افزایش نظارت و کنترل دولت بر محیط های کاری 	<ul style="list-style-type: none"> ایجاد امنیت کامل برای اشتغال زنان در محیط های کاری. 	تناسب اشتغال با حدود شرعی اسلام

فصل ششم:

جایگاه سیاسی و مدیریتی زنان

۱-۶- پیش در آمد جایگاه سیاسی و مدیریتی زنان

پویایی هر جامعه به کیفیت و چگونگی استفاده از متغیر نیروهای انسانی آن وابسته است. هر جامعه ای برای رسیدن به اهداف مطلوب و غایی و دستیابی به جایگاه سزاوار خود در رقابت با سایر بازیگران منطقه ای و بین المللی نیازمند تدوین و ترسیم چشم اندازی است که در حقیقت چراغ راه حرکت آن می باشد. مشارکت زنان به عنوان بخش مهم و فاکتور تغییر گذار عمده بر این مسیر غیرقابل انکار است. این مشارکت که عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی و... را در بر می گیرد در کشورهای مختلف به زبانهای متفاوتی تعریف و تبیین شده است.

سه دیدگاه در رابطه با مشارکت سیاسی زنان مطرح است:

۱- دیدگاه سستی: این دیدگاه که اصولاً زن را برای خانه می خواهد، با تاکید بر تفاوت های بیولوژیک زن و مرد، بر نوعی تقسیم کار سستی بین زنان و مردان پای می فشارد و بر اساس چنین دیدگاهی زنان در فعالیت های حوزه عمومی (خارج از خانه) سهمی نخواهند داشت. در چنین دیدگاهی، اشتغال زن و حضور او در خارج از خانه، ریشه بسیاری از مشکلات دانسته شده است.

۲- دیدگاه روشنفکران: این دیدگاه که نقطه مقابل دیدگاه اول قرار دارد، توسط روشنفکران مطرح می شود و خواهان حضور بدون قید و شرط زنان در تمام سطوح اجتماعی، سیاسی و حکومتی است. این دیدگاه در کشور ما حتی با تغییر مفهوم کلمه «رجل» به عنوان کلمه ای بدون بار جنسیتی مندرج در اصل ۱۱۳ قانون اساسی، آن را همانند کلمه انگلیسی Man می داند که علاوه بر معنای مرد به معنای بشر و انسان نیز به کار می رود. لذا این عده نتیجه می گیرند که فعالیت زنان در سطوح عالی حکومت نیز به لحاظ قانونی بلامانع است.

۳- دیدگاه سوم، با رد دو دیدگاه بالا، آنها را افراط و تفریط می داند و آن را با موازین شرع و نیز فضای فعلی جامعه ناسازگار تلقی می کند. این دیدگاه با آن که خواهان مشارکت فعالانه زنان در زمینه های مختلف

اجتماعی- سیاسی است در برخی از موارد محدودیتهایی را برای آنها اعمال می نماید. (محمود جلالی و صفورا بنی

نجاریان، جایگاه سیاسی و مدیریتی زنان، مرکز اطلاعات و آمار شورای فرهنگی زنان، ص ۶۳۹)

دین مبین اسلام برای زن جایگاه ویژه ای را علاوه بر صفات ذاتی آن به عنوان موجودی اجتماعی و درعین حال عاطفی تعریف نموده و با نگاهی واقع بینانه و انسانی، مشارکت زنان در امور مختلف جامعه را به اقتضای صفات ذاتی و وجودی، لازم می داند. به گونه ای که تبلور این ارزشگذاری برای زن را در کلام و فرمایشات بزرگان دین و رهبران اسلامی نیز می توان به روشنی دید.

۲-۶- مبانی نظری جایگاه سیاسی و مدیریتی زنان

« از دیدگاه اسلام زن از کلیه حقوق اجتماعی برخوردار می باشد و به هیچ وجه نمی توان او را از حضور

فعال در جامعه و تلاش و فعالیت‌های مفید و سازنده منع نمود. (ناجی راد، ۱۳۸۲، ۲۹)

سیاست یک ارثی نیست که مال دولت باشد یا مال مجلس باشد یا مال افراد خاصی باشد. سیاست معنایش

اداره کشور و وضعی است که در کشور می گذرد و همه مردم این کشور در این معنا حق دارند. خانم ها حق

دارند در سیاست دخالت بکنند و تکلیفشان اینست.» (بیانات و اعلامیه های امام. ۱۳۶۳)

«آنچه لازم است تذکر دهم شرکت زنان مبارز و شجاع سراسر ایران در رفراندوم است. زنانی که در کنار

مردان بلکه جلوتر از آنان در پیروزی انقلاب اسلامی نقش اساسی داشته اند، توجه داشته باشند که با شرکت

فعالانه خود پیروزی ملت ایران را هرچه بیشتر تضمین کنند. شرکت در این امر برای مرد و زن از وظایف ملی و

اسلامی است. (امام خمینی(ره)، ۱۳۷۴، ۱۴۰)

امام(ره) همچنین در جایی می فرمایند: «همانطوری که حقوق مردان در اسلام مطرح است به حقوق زنان

در اسلام بیشتر عنایت شده است. اسلام حقوق زن ها را بیشتر از مردان ملاحظه کرده است. زنها حق دارند و این

حقی است که از حقوق زنها در غرب بالاتر است. زنان ما حق رای دادن دارند و حق انتخاب شدن دارند.» (بیانات و

اعلامیه های امام. ۱۳۶۳، ۵۷ و ۵۸)

« زن باید همان حقوق مردان را داشته باشد. اسلام برابری بین زن و مرد را تاکید کرده است. اسلام به هر دوی آنان حق تصمیم گرفتن درباره سرنوشتشان و برخورداری از تمام آزادی‌ها را اعطا کرده است. حق انتخاب کردن یا رای دادن و انتخاب شدن...» (ناجی راد، ۱۳۸۲، ۲۹۰).

«زنان در جامعه اسلامی آزادند و از رفتن آنان به دانشگاه، ادارات و مجلسین به هیچ وجه جلوگیری نمی‌شود. از چیزی که جلوگیری می‌شود فساد اخلاقی است که زن و مرد نسبت به آن مساوی هستند و برای هر دو حرام است. راجع به موالید تابع آن است که حکومت چه تصمیمی بگیرد. (بیانات و اعلامیه‌های امام خمینی (ره). ۱۳۶۳. ۲۹)

مقام معظم رهبری در رابطه با بحث مشارکت و مدیریت زنان فرمودند: «تعداد خانمهایی که می‌توانند در مجلس انتخاب شوند هم از لحاظ مصلحت و هم از لحاظ واقعیت خارجی می‌تواند خیلی بیشتر از چهار نفر باشند. اگر چهل زن نماینده هم در مجلس باشد، برای مجلس بد نیست و شاید در واقعیت خارجی هم این امر ممکن باشد. البته باید یک قدری بیشتر روی این مسئله تامل کرد. لکن محققان خانمهایی که شایسته ایفای نقش نمایندگی در مجلس شورای اسلامی باشند، کم نیستند. چه اشکالی دارد بیش از چهار نفر باشند. حتماً بایستی به آنجا هم برسد که اگر زنها بخواهند در مجلس به معنای حقیقی کلمه نقش نمایندگی را ایفا کنند، با چهار نفر نمی‌شود. بایستی بیشتر در مجلس شورای اسلامی باشند تا بتوانند آن فکری را که قاعدتاً برای زن نماینده در دوران کنونی، در مجلس شورای اسلامی مطرح خواهد شد، پیش ببرند.»

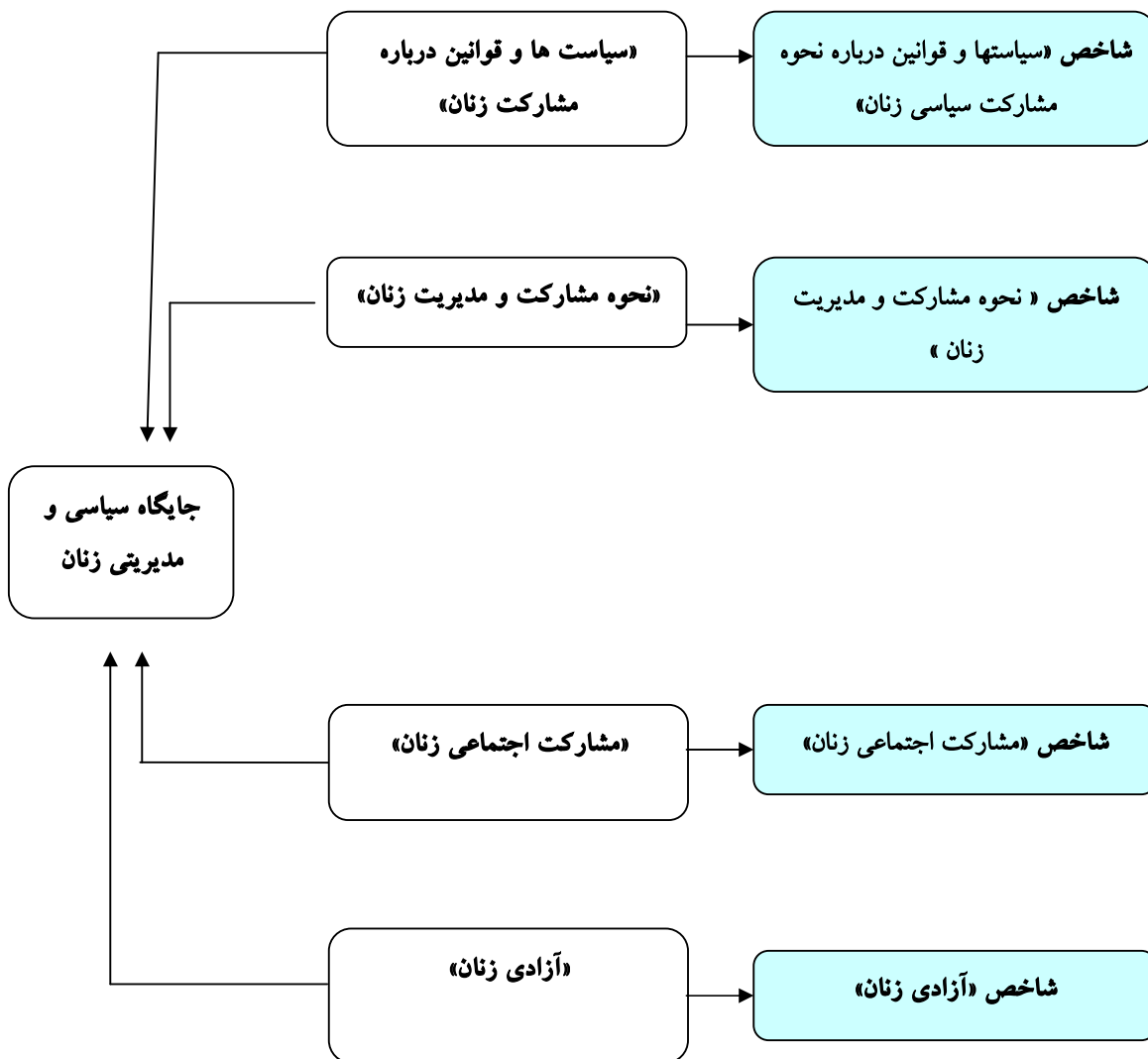
«حضور و تاثیر بانوان در صحنه‌ها و عرصه‌های گوناگون جنگ، حوادث سیاسی، تظاهرات، میدان‌های علم و سازندگی نشان دهنده روند دائمی رو به افزایش حضور و فعالیت اجتماعی زنان در ایران است.» (دیدار رهبری با جمعی از بانوان کشور، ۷۳/۹/۲ - جمهوری اسلامی)

«امروز زنان کشور ما نیمی از تلاش و فعالیت این جامعه پرتلاش و پرتحرک را بر عهده دارند. اگر زنان مسلمان ما نبودند، میدانهای جنگ ما این طور با شجاعت و شهامت و ایثار رزمندگان و جوانان آمیخته نمی شد. اگر مادران شجاع نبودند، اگر همسران پرگذشت و فداکار نبودند، فرزندان و شوهران نمی توانستند به این کارهای دشوار تن بدهند. امروز کار سازندگی کشور و کار مبارزه با استکبار جهانی بر روی دوش زن و مرد است و زنان سهم مهمی را دارند. زنان و مردان ما باید توجه کنند این نعمت بزرگ را حفظ کنند.» (دیدار رهبری با گروهی از خواهران-۶۳/۱۲/۲۱- ویژه نامه جمهوری اسلامی)

«در خصوص زنان، اسلام هیچ‌گاه مخالف آزادی آنها نبوده است؛ بلکه شرافت و حیثیت وی را به وی باز داده است. زن مساوی مرد است، زن مانند مرد آزاد است که سرنوشت و فعالیت‌های خود را انتخاب کند.» (آزادی از دیدگاه امام خمینی، ص ۴۷).

«این مساله آزادی فکر به مساله آزادی بیان نیز می‌انجامد. برای تداوم انقلاب اسلامی، هر کس باید فکر و بیان و قلمش آزاد باشد و اتفاقاً تجربه‌های گذشته نشان داده است که هر وقت جامعه از آزادی فکری - و لو از روی سوء نیت - برخوردار بوده، در نهایت به سود اسلام تمام شده است. اگر در جامعه ما محیط آزاد برخورد آراء، و نظریات پدید آید که صاحبان افکار مختلف بتوانند حرف خود را طرح کنند، ما هم بتوانیم حرف خود را مطرح کنیم. تنها در چنین زمینه سالمی است که اسلام رشد می‌کند. من مکرر گفته‌ام که هرگز از پیدایش افراد شکاک در اجتماع که علیه اسلام سخنرانی می‌کنند، مقاله می‌نویسند، نه تنها متاثر نمی‌شوم که خوشحال هم می‌شوم؛ زیرا کار اینها باعث می‌شود چهره اسلام بیشتر نمایان شود.» (مطهری، ۱۳۷۰ الف: ۴۹ - ۵۰)

۳-۶- چارچوب کلی مدل مفهومی جایگاه سیاسی و مدیریتی زنان





۴-۶- شاخص ها و زیرشاخص های جایگاه سیاسی و مدیریتی زنان

۴-۱- سیاستها و قوانین درباره نحوه مشارکت سیاسی زنان

۴-۱-۱- حق رای دادن در قانون

۴-۱-۲- حق انتخاب شدن در قانون

۴-۱-۳- حق تاسیس احزاب توسط زنان در قانون

۴-۲- نحوه مشارکت و مدیریت زنان

۴-۲-۱- مشارکت در سطح توده

۴-۲-۲- مشارکت در سطوح میانی

۴-۲-۳- مشارکت در سطح نخبه

۴-۲-۴- میزان حضور زنان در راهپیماییها

۴-۲-۵- نسبت عضویت زنان در بسیج

۴-۲-۶- نسبت حضور زنان در جنگ تحمیلی

۴-۳- مشارکت اجتماعی زنان

۴-۳-۱- نسبت حضور زنان در پیروزی انقلاب اسلامی

۴-۳-۳- نسبت حضور زنان در سازمان های غیر دولتی (NGO)

۴-۴- آزادی

۴-۴-۱- آزادی حضور در ارکان نظام اسلامی

۴-۴-۲- آزادی انتخاب کردن، انتخاب شدن، شغل

۴-۴-۳- آزادی فکر

۴-۴-۴- آزادی بیان

۴-۴-۵- آزادی اجتماعی

۵-۶- تحلیل جایگاه سیاسی و مدیریتی زنان

در این فاز شاخصهای مورد نظر در دو قالب کمی و کیفی مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است. به این صورت که برای شاخصهای فاقد آمار ابزار پرسشنامه تهیه و سپس داده‌ها مورد تحلیل قرار گرفتند. فضای کلی این بخش حکایت از بهبود وضعیت زنان در شاخصهای مطروحه دارد. وضعیت قانونی انتخاب کردن و انتخاب شدن و حق تشکیل احزاب توسط زنان نسبت به دوره قبل از انقلاب بهبود یافته است.

بررسی سیاستها و قوانین درباره نحوه مشارکت سیاسی زنان بیانگر آن است که این روند رو به بهبود بوده و سیر صعودی داشته است. اگر در دوران حکومت رضا شاه زنان از حق رای محروم بودند و در دوره پهلوی دوم با اعطای حق رای به زنان (آنهم با شرایط خاص) توانستند به گونه ای مشارکت سیاسی داشته باشند اما این مشارکت، در جمهوری اسلامی ایران گسترش یافته و رقم بالایی را به خود اختصاص داده است. صراحت و تاکید قوانین بر مشارکت زنان، خود گواهی بر توجه به زنان در جمهوری اسلامی و پذیرش برابری با مردان در حقی است که پیش از این از آن محروم بودند. تصریح قانون به حق زنان در شاخص‌های فوق‌الذکر تایید این حقیقت می باشد.

در سطح میانی که به احزاب سیاسی زنان اشاره دارد و در حقیقت حلقه واسط میان مردم و دولت می باشند نیز این شاخص، بهبود را نشان می دهد. به موجب اصل ۲۶ قانون اساسی، احزاب، جمعیت ها، انجمنهای اسلامی و صنفی، انجمن های سیاسی و اقلیت های دینی شناخته شده آزادانه، مشروط بر اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند به موجب این اصل، هیچ کس را نمی توان از شرکت در نهادهای یاد شده منع کرد و یا به شرکت در آنها مجبور ساخت. مشارکت زنان در این قبیل تشکل ها از نظر قانونی بلامانع بوده و واجد هیچگونه جنسیتی نیست. تاکید و تصریح قانون اساسی به حق زنان در ایجاد احزاب و تشکل های سیاسی بیانگر بهبود وضعیت آنان در این شاخص است.

شاخص وضعیت زنان نخبه بعد از انقلاب سیر صعودی را نشان می دهد به طوری که تعداد زنان چه در مجلس شورای اسلامی و چه در سطوح مدیریتی و کلان کشور افزایش قابل توجهی داشته است که این خود از جهتی بیانگر اعتماد به توانایی زنان در این حوزه و از سویی حکایت از خودباوری زنان و بازتر شدن فضای فعالیت و مشارکت سیاسی برای آنان دارد. نسبت زنان منتخب در مجلس شورای اسلامی که جزو نخبگان تلقی می شوند از دوره اول تا پنجم با سیر صعودی همراه بوده است؛ به طوری که از دوره اول به ترتیب با ۰/۷۶ درصد، ۰/۴۵ درصد ۲/۲۷ درصد ۰/۵۷ درصد افزایش به ۴/۰۱ درصد در دوره پنجم می رسد اما همین نسبت با ۰/۰۶ درصد کاهش در دوره ششم به ۳/۹۵ درصد می رسد. در دوره هفتم با ۰/۳ درصد افزایش نسبت به دوره ششم مواجه هستیم اما این نسبت در دوره هشتم با کاهش ۰/۱۲ به ۴/۱۳ درصد می رسد.

داده های زیر بیانگر وضعیت زنان مدیر و کارکنان عالی رتبه است. به طوری که می توان گفت درصد مدیران، قانونگذاران و کارکنان عالی رتبه از کل شاغلان برای زنان ایران از ۰/۱۱ درصد در سرشماری ۱۳۵۵، به ۱/۱۶ درصد در سرشماری ۱۳۶۵ افزایش داشته است. در سرشماری ۱۳۷۵ میزان فعالیت زنان در بخش های مدیریتی یک رشد قابل توجهی داشته و یکباره از ۱/۱۶ درصد در سرشماریهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰ به رقم ۲/۳۲ درصد در سرشماری ۱۳۷۵ رسیده است. این روند افزایشی در سرشماری ۱۳۸۵ نیز ادامه داشته و حتی از مردان نیز بالاتر رفته و به رقم ۳/۳۶ درصد رسیده است. نرخ رشد مدیران، قانونگذاران و کارکنان عالی رتبه از مردان شاغل طی سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ تغییر چشمگیری داشته است که نمایانگر کاهش شدید تفاوت جنسیتی موجود در عرصه مدیریت است به طوری که نرخ رشد این نماگر در دوره ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ برای مردان برابر با ۴۵۷/۶ درصد و برای زنان برابر با ۲۹۵۴ درصد بوده است.

ملموس ترین تجربه زنان ایران در زمینه مشارکت فعال در امور اجتماعی، حضور آنان در مراحل مختلف انقلاب اسلامی بود که زمینه بسیار مناسبی را برای مشارکت فعال زنان در جنگ فراهم کرد. منطبق با داده های جدول فوق می توان گفت که گرچه سهم زنان از شهدای جنگ تحمیلی ۲/۳۲ درصد می باشد اما این میزان خود

بیانگر جنبه دیگری از مشارکت اجتماعی زنان و زمینه ای برای بروز توانایی های خود بود. این نسبت همچنین بیانگر این مسئله است که زنان ایرانی در طول تحولات سیاسی و اجتماعی ایران همواره نقش خود را ایفا کرده و در کنار وظیفه و نقش غیر نظامی خود در قالب، پرستاری، مداوای مجروحان، تهیه آذوقه، تخلیه ی شهدا، امداد رسانی، اهدای کمک های نقدی و غیر نقدی همدوش مردان نقش نظامی را نیز پذیرفتند.

نگاه به آمار سی ساله مراسم راهپیمایی یوم الله بیست و دوم بهمن ماه عمدتاً با هدف دستیابی به آمار تقریبی شرکت کنندگان بوده است و آمار مستقلی با رویکرد جنسیتی صورت نپذیرفت لیکن در برآورد عمومی می توان اذعان داشت که به طور میانگین ۵۳٪ شرکت کنندگان در کل کشور را زنان و دختران در راهپیمایی ها شکل داده اند. (شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی).

رئیس سازمان بسیج خواهران نیروی مقاومت بسیج گفت: در طول برنامه چهارم توسعه، فعالیت های بسیج خواهران در بخش های آموزشی، فرهنگی و دفاعی افزایش می یابد و شمار خواهران بسیجی از سه میلیون به شش میلیون نفر خواهد رسید. (سایت حوزه).

از حدود دو دهه قبل از انقلاب ۵۷ یعنی از دهه های ۴۰ و ۵۰ کم کم زنان وارد عرصه های زندگی اجتماعی، اشتغال و تحصیل شدند. جامعه ایران در مقطع انقلاب ۵۷ سطح معینی از مدرنیزاسیون مصرف گرا را تجربه کرده بود و زنان در فعالیتهای اجتماعی حضور داشتند و به تدریج با ابعاد محرومیت ها و تبعیضات سیاسی و اجتماعی زیر سایه دیکتاتوری رژیم سلطنتی، روبه رو می شدند. زنان ایران مبارزات مستقیم خود را با حضور در تظاهرات آغاز کردند. حضور آنان در تظاهرات یک عنصر تکمیل کننده در کنار مردان محسوب می گردید. میلیون ها زن ایرانی در قشرهای مختلف اجتماعی از چهار دیواری خانه پا به محیط عمومی نهادند؛ زنانی که تا قبل از آن تجربه مشارکت سیاسی نداشتند. در تحلیل کیفی از نسبت حضور زنان در پیروزی انقلاب اسلامی ایران می توان گفت که تقویت حضور زنان در روند پیروزی انقلاب اسلامی ایران، یک اصل مهم را در جامعه ی ایران آشکار

نمود و آن نیروی بزرگ زنان بود که تا آن زمان، این چنین جدی و گسترده، نیروی باطنی خود را به نمایش گذاشته بود. روند فعالیت گسترده زنان نشان می دهد که نوع فعالیت آنها همانند فعالیت مردان بوده است. اتخاذ اصول اولیه به تبعیت از حضرت زینب (علیها السلام) از سوی زنان ایران نیروی ناشناخته آنان را نه تنها بر مردان، بلکه بر تمامی جوامع مسلمان و غیرمسلمان آشکار نمود. زنان ایران با حفظ موازین شرعی و با رعایت اصول اسلامی، نه تنها از جریانات سیاسی و فعالیت در مبارزات عقب نماندند، بلکه خود نیز به عنوان نقش تعیین کننده در جریانات سیاسی سهیم شدند. اتخاذ پوشش اسلامی، پیش قدم بودن در مبارزات انقلابی، ایجاد جلسات سیاسی، شرکت در تظاهرات و ایستادگی در مقابل مسلسل ها نشان می دهد که زنان ایران نه تنها در امور سیاسی نسبت به مردان عقب نبودند بلکه حضور آنان در فعالیت ها، نیرو و قوت مردان را تقویت می بخشید. امام خمینی (ره) نیز نقش بانوان را در نهضت اسلامی بالاتر از نقش مردان اعلام کردند.

در شاخص فعالیت های اجتماعی زنان به ویژه در زمینه سازمان های غیردولتی، حضور انقلابی زنان و نقش آن در دفاع مقدس نیز این نسبت فراوانی را نشان می دهد. نگاهی مقایسه ای و گذرا به تعداد سازمان های غیردولتی قبل و بعد از انقلاب مؤید این مدعاست. از طرفی در زمینه حضور انقلابی زنان گرچه در تحولات اجتماعی پیش از انقلاب ما شاهد حضور مقطعی و گذرای زنان بوده ایم اما این روند در پیروزی انقلاب اسلامی نمود دیگری داشت و حتی جدا از حضور کیفی زنان حضور عددی آنان قابل قیاس با هیچ دوره و تحول پیش از انقلاب نیست. پس از مشروطه و روی کار آمدن رژیم پهلوی، اگرچه اقدامات خیانت باری مانند کشف حجاب به نام افزایش حضور زنان در جامعه صورت گرفت اما با توجه به بافت مذهبی و سنتی موجود، این واقعه، تا چند دهه، مزید بر علل خانه نشینی توده های زنان و دوری آنان از تحصیل و مشارکت اجتماعی شد. در جامعه ای مذهبی مانند ایران، انگیزه های معنوی و باورهای دینی نقش به سزایی در شکل گیری فعالیت و تداوم کار سازمان های غیر دولتی داشته است. سازمان های خیریه متعددی با انگیزه کمک رسانی، امداد و ارتقاء سطح فرهنگی اقشار آسیب پذیر جامعه تلاش های چشمگیری را با بهره گیری از انگیزه های دینی مردم و نیروهای داوطلب انجام داده اند. همچنین

به دلیل باز شدن فضای سیاسی پس از انقلاب اسلامی سازمانهای غیر دولتی زنان با اهداف سیاسی نیز ظهور کرده اند. داده های بالا بیانگر رشد بسیار زیاد تشکلهای زنان پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران است که خود حکایت از رشد آگاهی زنان و ایمان و اعتماد به توانایی آنان در عرصه های گوناگون دارد. از سوی دیگر، گسترش عددی تشکلهای غیر دولتی زنان بیانگر باور عمومی و این جنس به توانایی خود برای رفع مشکلات و معضلات است که می تواند با توجه به شرایط کشور فعالیتهای مفیدی در زمینه های مختلف انجام دهد.

در نهایت می توان بهترین نماد و تجلی شاخص های مطرح شده را در شاخص آزادی زنان یافت که نسبت به دوره قبل از انقلاب از وضعیت بهتری برخوردار شده است. این نسبت را می توان در آزادی بیان، آزادی، آزادی شغل، آزادی بیان و آزادی اجتماعی یافت.

داده های آماری نشان می دهند که ۶۳ درصد افراد معتقدند آزادی حضور زنان در ارکان نظام بیشتر و خیلی بیشتر از گذشته شده است و حدود ۲۰ درصد معتقدند این روند کمتر و خیلی کمتر شده است.

داده های آماری نشانگر این واقعیت است که ۷۵ درصد افراد معتقدند مشارکت زنان در انتخابات بیشتر و خیلی بیشتر از گذشته شده است و حدود ۸ درصد معتقدند این روند کمتر و خیلی کمتر شده است. افزون بر این داده های آماری گویای این واقعیت هستند که ۵۸ درصد افراد معتقدند آزادی انتخاب شدن در زنان بیشتر و خیلی بیشتر از گذشته شده است و حدود ۲۲ درصد معتقدند این روند کمتر و خیلی کمتر شده است.

داده های آماری نشانگر این واقعیت است که ۶۹ درصد افراد معتقدند آزادی فکری زنان پس از انقلاب اسلامی بیشتر و خیلی بیشتر شده است و ۱۴ درصد معتقدند این روند کمتر و خیلی کمتر شده است.

داده های آماری گویای این واقعیت است که ۶۴ درصد افراد معتقدند آزادی عقیده در زنان بیشتر و خیلی بیشتر از گذشته شده است ۱۶ درصد معتقدند این روند کمتر و خیلی کمتر شده است.



۶-۶- راهکارهای بهبود جایگاه سیاسی و مدیریتی زنان

جدول ۱-۶: اولویت بندی استراتژی های «سیاسی و مدیریتی زنان»

اولویت	استراتژی ها	کلان استراتژی ها	شاخص
اول	<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد و تقویت سازوکارهای آگاه سازی نسبت به حقوق مصرح در قانون اساسی به زنان. - اتخاذ سیاستهای ترغیبی و تشویقی برای تقویت مشارکت سیاسی زنان. 	<ul style="list-style-type: none"> اصلاح سیاستها درباره نحوه مشارکت سیاسی زنان 	سیاستها و قوانین درباره نحوه مشارکت سیاسی زنان
دوم	<ul style="list-style-type: none"> - اختصاص سهم ویژه برای زنان در عرصه مدیریت در سطح ملی و فراملی. - تبیین و ترویج دیدگاه قانون اساسی، حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری نسبت به مشارکت سیاسی زنان. - برنامه ریزی بلند مدت برای پرورش زنان مدیر متناسب با نیازهای جامعه. - برنامه ریزی بلند مدت فرهنگی در جامعه جهت پذیرش زنان در پستهای مدیریتی. - تشکیل نهادهای واسط و میانی(تشکلها، احزاب و گروههای سیاسی زنان) بر مبنای قانون اساسی و اهداف نظام. - بسترسازی جهت تداوم حضور انقلابی زنان در عرصه های مختلف. - الگوسازی برای انتقال به نسل آینده. - تمهیدات لازم برای فراگیر کردن بسیج در سطوح مختلف جامعه. 	<ul style="list-style-type: none"> اصلاح نحوه مشارکت و مدیریت زنان تقویت جامعه پذیری سیاسی تقویت حضور انقلابی زنان 	نحوه مشارکت و مدیریت زنان
دوم	<ul style="list-style-type: none"> - تداوم حضور زنان در حوزه های مشابه. - تقویت حضور زنان در سازمانهای مردم نهاد. - افزایش سازمانهای مربوط به زنان. - بهینه سازی استفاده از امکانات و شیوه های آموزشی جهت تقویت مشارکت اجتماعی زنان. 	<ul style="list-style-type: none"> تقویت مشارکت اجتماعی زنان توجه و تحکیم نقش زنان در فرهنگ سازی 	مشارکت اجتماعی زنان
اول	<ul style="list-style-type: none"> - تدوین یک الگوی کارآمد از آزادی بر پایه مبانی آزادی در اسلام. - بستر سازی مناسب جهت پیاده کردن این الگو. - تقویت آزادیهای مشروع برای پیشرفت و تحول. 	<ul style="list-style-type: none"> بهبود وضعیت آزادی زنان 	آزادی زنان

فصل هفتم:

جایگاه حقوقی زنان



۱-۷- پیشی در آمد جایگاه حقوقی زنان

زن مظهر خلاقیت خداوند و عنصر اساسی در تشکیل خانواده، در طول قرون و در مکاتب و مسلکها و جوامع مختلف، از نظر مقام و موقعیت و معرفی هویت، همواره فراز و نشیبهایی را طی کرده است. گاه تا حد یک کالا تنزل یافته و گاه از آن به عنوان «آیت» الهی یاد شده است. نهاد مهم خانواده نیز گاهی در کانون توجه دولتها و تفکرات انسانی بوده و مقام والا و جایگاه رفیع آن در نظر گرفته شده و گاه چنان مورد بی توجهی قرار گرفته که با فرو ریختن بنیانهای آن، جامعه نیز دچار تلاشی شده است.

نگاهی به گذشته زنان در جامعه ایران، نشان می دهد که گذشته ای بسیار تاریک، مشحون از بی عدالتی نسبت به آنان، تعدی و تجاوز به حقوق مسلم و طبیعی آنان و تنزل روزافزون مقام و منزلت والای انسانی آنها داشته اند. حضرت امام(ره) این گذشته تیره و تاریک را یادآور شده و با اشاره به اینکه در دوره شاه سابق، لاحق، زن مظلوم شد و به اسم اینکه می خواهند زن را آزاد کنند، به زنها ظلمها کردند، و وی را از آن مقام شرافت معنویت و عزتی که داشت پایین کشیدند و فاسدالاخلاق کردند، از این دوران سیاه یاد می کنند.

در این فضای مسموم و تاریک، مجموعه ای از علل و عوامل زمینه های رشد و بالندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زنان را از بین برده که با مطالعه تاریخ می توان به "الگوپذیری از فرهنگ و آزادیهای غربی" و "عدم ارائه کامل و دقیق نگرش اسلام در باب مقام و منزلت زن و در نهایت عدم تبیین چارچوب ها و ملاک و معیارهای شریعت اسلام در خصوص رسالت و جایگاه زن" اشاره نمود.

اسلام با بیان ارزش واقعی زن و خانواده و اثر وجودی آنها و حفظ کرامت و حقوق خانواده و زن، با تمامی تفکرات ناصواب و فرهنگ جاهلانه در خصوص زن و خانواده به مبارزه برخاست و خانواده را میدانی برای تجلی استعدادها، توانمندیها و عواطف و احساسات زن قرار داد و در عین حال او را به عنوان عضو موثر جامعه و متمم حیات انسانی در مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و اقتصادی پذیرفته و در سرنوشت جامعه شریک ساخته است.

۲-۷- مبانی نظری جایگاه حقوقی زنان

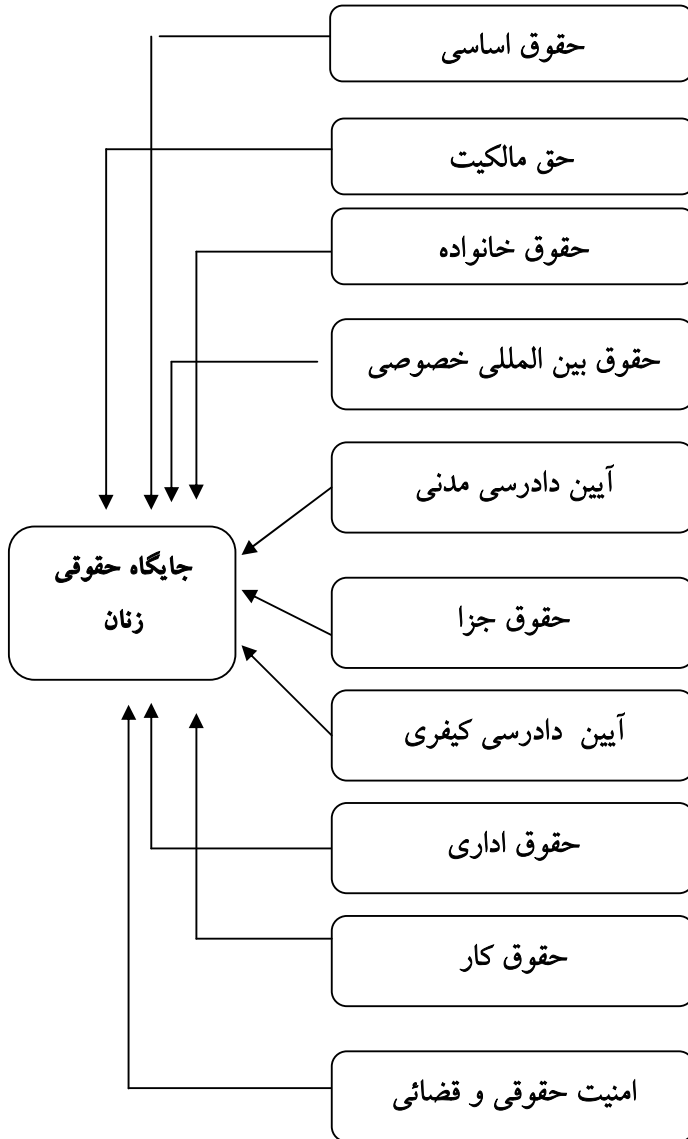
زن مظهر خلاقیت خداوند و عنصر اساسی در تشکیل خانواده، در طول قرون و در مکاتب و مسلکها و جوامع مختلف، از نظر مقام و موقعیت و معرفی هویت، همواره فراز و نشیبهایی را طی کرده است. گاه تا حد یک کالا تنزل یافته و گاه از آن به عنوان ((آیت)) الهی یاد شده است. نهاد مهم خانواده نیز گاهی در کانون توجه دولتها و تفکرات انسانی بوده و مقام والا و جایگاه رفیع آن در نظر گرفته شده و گاه چنان مورد بی توجهی قرار گرفته که با فرو ریختن بنیانهای آن، جامعه نیز دچار تلاشی شده است.

اسلام با بیان ارزش واقعی زن و خانواده و اثر وجودی آنها و حفظ کرامت و حقوق خانواده و زن، با تمامی تفکرات ناصواب و فرهنگ جاهلانه در خصوص زن و خانواده به مبارزه برخاست. و خانواده را میدانی برای تجلی استعدادها، توانمندیها و عواطف و احساسات زن قرار داد و در عین حال او را به عنوان عضو موثر جامعه و متمم حیات انسانی، در مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و اقتصادی پذیرفته و در سرنوشت جامعه شریک ساخته است.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظامی برخاسته از متن اسلام، و معتبرترین سند سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، حقوقی و اقتصادی آن یعنی قانون اساسی که منطبق بر موازین اسلام است، نیز توجه و اهتمام خاصی به خانواده، به عنوان واحد بنیادین اجتماع و نیز قشر زنان دارد و یکی از اهداف مهم نظام، افزایش اعتبار و منزلت خانواده و زن است.

در این نوشته تلاش شده است تا نمایی از حقوق زن در جمهوری اسلامی ایران ارائه شود. برای این منظور سرشاخص های موجود که با توجه به تقسیم بندی علم حقوق تعیین گشته خواهیم پرداخت و بر اساس مبانی نظری که با ذکر شاهد مثالهایی از آیات قرآن، روایات معصومین(ع)، امام رحل(ره) و مقام معظم رهبری تقویت گردیده است تحلیل وضعیت حقوقی زنان صورت می گیرد.

۳-۷- چارچوب کلی مدل مفهومی جایگاه حقوقی زنان



۴-۷- شاخص ها و زیرشاخص های جایگاه حقوقی زنان

۱-۵- حقوق اساسی

۱-۱-۵- برابری زن و مرد در مقابل حمایت قانون و بهره‌مندی از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی اجتماعی، فرهنگی با رعایت موازین اسلامی.

۲-۱-۵- موظف بودن دولت به تضمین حقوق زن در تمام جهات با رعایت موازی اسلامی و انجام اموری در راستای تحقق این هدف.

۳-۱-۵- توجه به خانواده به عنوان واحد بنیادی جامعه و تأکید بر وضع قوانین و مقررات و برنامه‌ریزیها در جهت تشکیل خانواده و پاسداری از قداست آن و استواری در روابط خانوادگی بر اساس حقوق و اخلاق اسلامی.

۴-۱-۵- ایجاد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز به مشاغل برای همه.

۵-۱-۵- تأکید بر مقام والای زن (خارج شدن از حالت (شیئی بودن) و یا (ابزار کار بودن) و در خدمت اشاعه مصرف زندگی و استثمار).

۶-۱-۵- باز یافتن وظیفه خطیر و پر ارج مادری.

۲-۵- حق مالکیت

۱-۲-۵- نظام مالی خانواده در حقوق ایران

۲-۲-۵- مشکلات موجود در خصوص استیفای حق مالکیت

۳-۲-۵- ارث

۳-۵- حقوق خانواده

۱-۳-۵- ازدواج

۲-۳-۵- انحلال نکاح

۳-۳-۵- اولاد

۴-۳-۵- دعاوی خانوادگی

۵-۳-۵- حجر و قیمومت



۴-۵- حقوق بین الملل خصوصی

۱-۴-۵- تابعیت

۲-۴-۵- اقامتگاه

۵-۵- آیین دادرسی مدنی

۱-۵-۵- گواهی

۶-۵- حقوق جزاء

۱-۶-۵- حدود

۲-۶-۵- قصاص

۳-۶-۵- دیات

۴-۶-۵- تعزیرات

۷-۵- آیین دادرسی کیفری

۱-۷-۵- متهمین زن

۲-۷-۵- اجرای احکام (نحوه و تعداد)

۳-۷-۵- شهادت

۴-۷-۵- زندانیان زن

۵-۷-۵- زنان دستگیر شده

۶-۷-۵- تعداد زنان دارای سوابق کیفری

۸-۵- حقوق اداری

۱-۸-۵- ورود به خدمت

۲-۸-۵- مرخصی

۳-۸-۵- بازنشستگی

۹-۵- حقوق کار

- حق اشتغال

- شرایط کار زنان

- تامین اجتماعی

۱۰-۵- امنیت حقوقی و قضائی

- قوانین و مقررات مربوط به زنان مربوط به تقویت امنیت حقوقی و قضایی، فرهنگی، اقتصادی و اشتغال آنان

- نقش متخصصین زن و نظر کارشناسی آنان درخصوص مسایل مربوط به زنان در دستگاه قضا

وضعیت خدمات مشاوره ای در محاکم به مراجعین زن

- چگونگی آموزش حقوقی افراد جامعه در جهت اصلاح نگرش‌های نادرست، رفع هرگونه تبعیض و یا تعدی علیه زنان و

برخورداری عادلانه زن و مرد از حقوق انسانی

- چگونگی ایجاد بسترهای مناسب جهت اعتلای حقوق اخلاقی و قانونی زنان

- وضعیت اخلاقی کردن حقوق قانونی زنان

- همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای

- جایگاه حقوقی زنان در خانواده به عنوان مادر و پرورش دهنده نسل آینده

۵-۷- تحلیل جایگاه حقوقی زنان

اسلام، بیش از همه نظامها به خانواده احترام می‌گذارد و هرگز زن را پیوندی ناهمگون به خانواده شوهر، به حساب نمی‌آورد؛ بلکه پیوند میان زن و شوهر را بسیار زیبا بیان می‌کند: «هِنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» یعنی: زنان لباس شما هستند و شما لباس آنها. لباس از یک سو انسان را از سرما و گرما و خطر برخورد اشیا به بدن حفظ می‌کند و عیبهای او را می‌پوشاند و از سوی دیگر زینتی است برای تن آدمی؛ این تشبیه که در آیه یاد شده آمده است به همه این نکات اشاره دارد. خداوند متعال در جمله‌ای کوتاه، اما بسیار زیبا و رسا، علاقه جسمی و روحی زن و مرد را بیان داشته است که همان‌گونه که لباس، بدن را می‌پوشاند و باید به اندازه قامت انسانی باشد، نه کوتاه و نه بلند، نه گشاد و نه تنگ، زن و مرد هم، راز یکدیگر را می‌پوشانند و هرکدام در دیگری ذوب می‌شوند؛ بدون کم و زیاد، بدون برتری و تفاخر. بنابراین، هر دو یک روحند در دو بدن؛ بلکه یک روح و یک جسمند. هر کدام، حافظ منافع دیگری و نگهبان جان و اسرار او می‌باشد و از آن طرف هر یک حقوق و تکالیفی دارد.

قرآن کریم می‌فرماید: «وَ لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» یعنی: زن همان اندازه که در اجتماع وظایف سنگینی به عهده دارد، از حقوق قابل توجهی نیز برخوردار است.

اسلام، زن را مانند مرد، دارای روح کامل انسانی و اراده و اختیار دانسته و او را در مسیر تکامل که هدف خلقت است، می‌بیند. به همین جهت، هر دو را در یک صفت قرار داده و با خطابهای: «یا ایها الناس» و «یا ایها الذین آمنوا» مخاطب ساخته و انجام برنامه‌های تربیتی و اخلاق عملی و... را برای آنها لازم کرده است.

اسلام، هرگز زنان را سربار، مصرف کننده و اجیر به حساب نیاورده؛ بلکه برای زن، شخصیتی همسان با مرد قائل است و نقشی که زن در خانواده ایفا می‌کند را همانند مرد بلکه بالاتر شمرده است. احترام و اکرام او، دلیل بر بزرگی و بزرگواری، و اهانت به او، دلیل پستی دانسته شده است.

همواره در شریعت اسلام توصیه به رفتار نیک با زنان شده و هرگز به اندازه‌ای که توجه به زن و سفارش زن به مرد شده، سفارش به مرد نشده است. چنین نگرشی به خانواده، در هیچ یک از ادیان دیگر اعم از الهی و غیرالهی وجود ندارد. بنابراین، هر چند ممکن است انتقاد پیش‌گفته به دیگر فرهنگها وارد باشد؛ ولی به شریعت اسلام وارد نیست. غفلت از آیات قرآن کریم و روایات متواتر، سبب بیان این ایراد شده است.

غفلت اندیشمندان، محققان و قانونگذاران جوامع اسلامی، از فهم نظام حقوقی اسلام و برنامه‌های اجتماعی مترقی آن، هرگز بخشودنی نیست و بی‌گمان افراط و تفریطهایی به دنبال خواهد داشت که جوامع غربی دچار آن هستند. نسبت به تساوی حقوق باید گفت کلام حق و عدل، همان است که نه تفریط قرن‌های گذشته غرب درست است و نه افراط قرن حاضر؛ بلکه نظام متعادل اسلامی، بهترین قانون در تأمین حقوق و مصالح زنان است.

مجموعه اقدامات، حرکت‌ها و تلاش‌هایی که در طول دو دهه به منظور اصلاح و بهبود وضع زنان صورت گرفته است. از یک سو نشانه‌هایی حاکی از رشد و پیشرفت و اصلاحاتی به نفع زنان می‌باشد و از سوی دیگر مجموعه این اقدامات هر چند لازم بوده است ولی کافی به نظر نمی‌رسد و راهی طولانی تا رسیدن به وضعیت مطلوب باقی مانده است.

مسائل و مشکلات زنان را نباید فقط در محدوده مشکلات حقوقی جای داد امروزه در نتیجه تعارض و ناموزونی و ناهماهنگی بین ذهنیت و فرهنگ موجود در زندگی عینی و ساخت اجتماعی نوعی تغییرطلبی در کلیه مسائل مربوط به زنان پدیدار شده است که رفع مشکلات حقوقی و خلأها یکی از آنهاست فقط یک استراتژی همه‌جانبه و فراگیر قادر به حل مسائل و مشکلات زنان می‌باشد و آن توجه به توسعه موازی و همزمان به تمامی جنبه‌ها از جمله مشارکت سیاسی، وضعیت اقتصادی، حیثیت اجتماعی و جایگاه و نقش فرهنگی و مشکلات حقوقی آنان است.

امروزه علی رغم وجود قوانین متعدد حمایتی از زنان و همچنین نگاه به مسائل آنان در عالی ترین سطوح تقنین و همچنین اسناد قانونی از جمله، منشور حقوق و مسئولیتهای زنان در جمهوری اسلامی ایران، سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌های قانون برنامه چهارم توسعه، مشکلات و موضوعات عدیده ای در نظام قضایی کشور و در زمینه مسائل حقوق زنان به طور خاص وجود دارد. قوانین و مقرراتی غیر شفاف که منجر به عدم تساوی افراد در برخورداری از حمایتها می گردد و مانع احقاق حقوق زنان می شود.

تفاوت در حقوق کیفری، تفاوت در برخی از حقوق مدنی، عدم وجود پایگاه امنیتی صحیح برای زنان که از محدودیت های قانونی نشأت می گیرد، محدودیت ادله اثبات دعوی در قوانین در رابطه با تخلفات ناشی از وظایف همسری، ناکافی بودن واحدهای ارشاد و مددکاری در محاکم خانوادگی، کم توجهی به نهاد داوری در محاکم خانوادگی، طولانی بودن روند دادرسی به ویژه زمانی که زن متقاضی می باشد ناهماهنگی و تشتت آرا در محاکم خانوادگی و ضرورت ایجاد وحدت رویه، وجود برخی از نگرشهای نامناسب و همراه با مسامحه در رسیدگی به مسائل زنان در محاکم، فقدان ضمانت اجرای قوانین، البته واقعیت آن است که ریشه مشکلات حقوقی زنان جامعه صرفاً به نقص قوانین و مقررات و حقوق موجود و خلأهای قانونی باز نمی گردد. در یک تحلیل واقع بینانه از علل مشکلات و مسائل زنان، زیر ساخت های ذهنی ناصحیح، اصلی ترین مانع دستیابی زنان به حقوق انسانی تلقی می گردد.

سنت های نادرست، الگوهای رفتاری غیر مطلوب و ملاحظات نابجا، باعث محرومیت زنان از بسیاری از حقوق گردیده است و ملموس تر از همه عدم ارائه صحیح آگاهی های حقوقی به زنان، بسیاری از مشکلات موجود را ایجاد نموده است.

اگر چه زنان وضعیت حقوقی زنان مطلوب نیست اما این به معنای زیر سؤال بودن کلیه قواعد و مقررات مربوط به زنان نمی باشد، چرا که قوانین بسیاری در جهت حمایت از حقوق زنان با رعایت مصالح فردی و اجتماعی وجود دارد.

با اذعان به این امر که تلاش در جهت احقاق حقوق زنان گامی است در راستای دستیابی به عدالت اجتماعی و در این میان ارتقاء آگاهی و توانمندسازی زنان نیز از مراحل بسیار مهم به شمار می رود که دسترسی آنان به حقوق خویش در عرصه خانواده و اجتماع تأثیر فراوان دارد.

جامعه ما و به ویژه زنان در پرتو حکومت دینی به حق، در انتظار یافتن حقوق واقعی خویش می باشند که این امر با وجود حکومتی مبتنی بر اصل اجتهاد و برخوردار از فقه پویای شیعه و امکان انطباق قوانین با نیازهای جامعه خواسته ای دست یافتنی است و انجام این مهم منوط به ایجاد نگرش صحیح نسبت به حقوق زن، عزم جدی دولتمردان و برنامه ریزان امر سیاست و قضا و اهتمام فقهای عظام می باشد.

با توجه به این که بر اساس اصل چهارم قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این ها باید بر اساس موازین اسلامی بوده و نباید قوانین مخالف اسلام باشد، قوانین و مقررات جمهوری اسلامی را می توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. قوانینی که نصّ احکام الهی است؛

۲. قوانینی که مفاد استنباط فقهاست و گاه بین آنان مورد اختلاف می باشد؛

۳. قوانین و مقرراتی که به منظور حفظ نظام اجتماعی وضع شده و هیچ گونه سابقه ای در اسلام ندارد و تابع مصالح و مفاسد جامعه بوده و به تبع آن ها، قابل تغییر است.

قوانین دسته اول قابل تغییر، فسخ و یا اصلاح نیست، چه ظاهر آن با قوانین بین المللی سازگار باشد یا نباشد. از آن جمله، می توان به دیه، قصاص، شهادت زن و مانند آن اشاره کرد و با توجه به این که واضع این گونه قوانین خداوند عادل است، قطعاً تبعیض آمیز نخواهند بود، گرچه در ظاهر این گونه باشد و ما علت آن را درک نکنیم.

در مورد قوانین دسته دوم که ممکن است مورد اختلاف باشد، باید به دلایل ابراز شده از سوی هر طرف

توجه کرد که کدام دلیل قوی تر است. از این رو، قول مطابق با دلیل قوی مقدم است، چه این قول مطابق با قوانین



بین المللی باشد یا نباشد؛ مثل تعیین سن ورود به مسؤلیت جزایی که در مورد دختران مشهور فقها ۹ سال و برخی ۱۳ سال را ذکر کرده اند و هر کدام برای اثبات ادعای خود، دلایلی ذکر نموده اند.

در خصوص قوانین و مقررات دسته سوم، باید مصلحت جامعه در نظر گرفته شود و این اختصاص به یک جامعه نیز ندارد، تمام جوامع برای حفظ مصالح کشورشان قوانینی وضع می کنند که چه بسا با قوانین بین المللی در تعارض باشد.

بنابراین، این گونه نیست که ظهور هرگونه نابرابری در قوانین به معنای تبعیض باشد، چه بسا آن قانون حکم الهی بوده که وجه آن بر ما پوشیده و یا از قوانینی باشد که مصلحت جامعه اسلامی ایجاب می کند. با این وجود برخی مسائل در قوانین موجود و مسائل اجرایی و قضایی به چشم می خورد که نمی باید نسبت به آنها بی تفاوت بود:

۱. ناشی از خلأیی است که در متن قانون وجود دارد و یا ناشی از به کار بردن مفاهیم و واژه هایی است که موجبات برداشت ها و تفاسیر مختلف و متضاد را فراهم می نماید.

۲. پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا حال، یکی از مشکلات قانونگذاری و حتی وضع مقررات اغلب شتاب در تدوین و تصویب آنها بدون نظرات دقیق و کارشناسی بوده و هست.

۳. دسته ای از قوانینی به تبعیت از فقه تدوین و تصویب گردیده اما به دلیل عدم بازبینی شرعی و فقدان اطلاعات کافی یا ناقص قبل از پیروزی انقلاب، نیاز به بازبینی مجدد می باشد.

۴. دسته ای از قوانین مبتنی بر فتاوی فقهی است که از نظر مشهور تبعیت شده است. در حالی که در خصوص همان موضوعات فتاوی غیر مشهور وجود دارد که با توجه به مقتضیات زمان، انطباق بیش تری با مسائل روز دارد و قانون اساسی هم در اصل مربوط به شورای نگهبان در مورد شرایط فقهای شورای نگهبان به صراحت به آگاهی آنان به مقتضیات زمان و مسائل روز جهت انطباق قوانین با فتاوی شرعی اشاره نموده است.

۵. خلأهای قانونی و اجرایی که راه حل های روشنی در فقه دارد و یا در خصوص آنها شرع مقدس نظر منفی ندارد و ارائه راه حل در مورد آنها غیر ممکن نیست و با مطالعات حقوقی و جامعه شناسی قابل حل می باشد از جمله برخی حقوق خانواده.
۶. برخی از قوانین و مقررات پیشینه دقیق فقهی ندارد و محصول اندیشه و باور قانونگذار عرفی و یا عادات و رسوم می باشد که شناسایی عرفهای غلط و ناپسند و انتزاع آن از قوانین راه گشا می باشد.
۷. کمبود احکام دقیق، منسجم و محکم نسبت به مسائل نوپدید و مستحدثه.
۸. ناکافی بودن کارشناس فقهی در بدنه اجرایی دولت و دستگاههای سیاستگذار.
۹. لزوم بازبینی مجدد تعاریف و اصطلاحات فقهی - حقوقی مطابق با نیازها و شرایط روز.
۱۰. نظارت ناکافی مجلس بر چگونگی اجرای برنامه چهارم توسعه کشور و پیگیری اجرای احکام، اهداف و اقدامات معطل مرتبط با امور زنان و ارزیابی عملکرد مدیریت اجرایی کشور.
۱۱. فقدان ضمانت اجرای قوی برای قوانین و عدم وحدت رویه در اجرای قوانین.
۱۲. کلی گویی و عدم تصریح به برخی شاخص های دقیق و قابل اندازه گیری در مورد حقوق زنان در قوانین.
۱۳. طبقه بندی و اولویت گذاری مشکلات زنان ، از نظام مشخص پیروی نمی کند و گاه مشاهده می شود ، در جهت اصلاح موادی از قانون تلاش می گردد که در حل مشکلات اصلی زنان جایگاه مهمی ندارد.
۱۴. فقدان سیستم دادرسی ممتاز برای بانوانی که امکان اقامه دعوی یا شکایت در محل اقامت شوهر خود را ندارند و لزوم برقراری نیابت قضایی به نحو قانونمند و وضع آیین دادرسی خاص محاکم در جهت جلوگیری از تضییع حقوق زنان که در نتیجه ضرورت وضع آیین نامه دادرسی خاص محاکم خانواده را مبرهن می نماید.



۱۵. ناکافی بودن پایگاههای امنیتی مناسب برای زنان و لزوم حمایت‌های همه جانبه قوه قضاییه از زنان محروم و قربانیان خشونت.
۱۶. توجه اندک به نهاد داوری در محاکم خانواده و ضرورت توجه لازم و بازنگری قواعد مربوط به داوری.
۱۷. ناکافی بودن استفاده مناسب از زنان متخصص و ضرورت ارتقاء زنان در کلیه سطوح قضایی و بهره‌گیری نظام قضایی از توانمندیهای زنان در بخشهای مختلف از جمله صدور و اجرای احکام.
۱۸. وجود برخی از نگرشهای نامناسب و همراه با مسامحه در رسیدگی به مسائل زنان و لزوم آموزشهای لازم و تغییر نگرش فرهنگی قضات در این زمینه.
۱۹. امکان ناچیز بهره‌مندی مناسب از خدمات وکلای معاضدتی و ضرورت بسط این گونه خدمات به ویژه برای مراجعین زن که فاقد استطاعت مالی لازم می‌باشند.
۲۰. ناهماهنگی و تشتت آراء در محاکم خانواده و ضرورت ایجاد وحدت رویه به منظور جلوگیری از اعمال سلیق فردی و ثبات هر چه بیشتر احکام قضایی و نیز لزوم اعمال نظارتهای مقتضی در این خصوص.
۲۱. ناکافی و غیر تخصصی بودن واحدهای ارشاد و مددکاری در محاکم خانواده با توجه به میزان مراجعات و دعاوی و لزوم توسعه خدمات مشاوره‌ای در محاکم به ویژه برای مراجعین زن و فراهم آوردن امکان بهره‌مندی از مشاورین قضایی متخصص و مجرب با تفکیک دفاتر مشاوره برای زنان و مردان.
۲۲. توسعه حیطه برخی از جرایم در جامعه امروز و عدم شناسایی آن در قانون و عدم پیش‌بینی مجازاتهای متناسب برای اصلاح مجرم.
۲۳. ناآشنایی نسبی زنان نسبت به حقوق شرعی و قانونی.
۲۴. توجه ناکافی به مسائل اخلاقی خانواده در قانونگذاری.
۲۵. مشخص نبودن ضابطه مصلحت‌سنجی به صورت دقیق در احکام حکومتی.

در این میان مواردی نیز وجود دارد که در جهت اصلاح وضع موجود باید مورد توجه دقیق قرار گیرد:

۱. قرآن محوری و توجه به اصول مسلم دینی

در بازنگری دیدگاههای فقهی باید محور اصلی، قرآن و اصول و قواعد مسلم دینی قرار گیرد. به گونه‌ای که اگر روایتی یا اجتهادی با آن مغایرت داشت کنار نهاده شود. به عنوان مثال «معاشرت به معروف» یک اصل قرآنی و یک قاعده مسلم دینی است. قرآن کریم در آیه‌های متعددی مردان را فرمان می‌دهد که با همسران خود با معروف و نیک رفتار کنند. و در روایات نیز تأکید بسیار بر حُسن همزیستی شده است. بر این پایه اگر روایتی دلالت داشت که مرد می‌تواند زن خود را از بیرون رفتن از منزل باز دارد گرچه به حقوق وی آسیبی نمی‌رساند، به گمان ما قابل التزام نیست چرا که با معاشرت به معروف ناسازگار است.

همچنین حرمت قطع رحم از دستورات مسلم است، و مرد نمی‌تواند زن را از دیدار بستگان و خویشانش باز دارد. و اگر کسی بر خلاف آن فتوا داد یا روایتی بدان مضمون نقل شد باید کنار گذاشته شود. و نیز می‌توان در مورد تعدد زوجات بر اساس قاعده عدالت چنین گفت: اگر مردی هیچ گونه دلیل معقول برای تجدید فراش ندارد چرا که از زنی سالم و همتا برخوردار است و این اقدام را عرف، ظلم و ستم بر زن تلقی می‌کند، نمی‌توان اقدام وی را مشروع دانست و قانونگذار می‌تواند با این استناد جلوی چنین اقدامی را سد کند.

۲. اختیار انتخاب اجتهاد مناسب

در غیر احکام ضروری و مسلم با اجتهادهای گوناگون روبه‌رو هستیم؛ قانونگذاران می‌توانند یکی از آن را که اجراپذیرتر است برگزینند. تعصب بر یک اجتهاد که گاه زیانهای اجتماعی به دنبال دارد قابل توجیه نیست.

شهید صدر نسبت به اینکه شریعت اسلامی مصدر قانونگذاری است چنین نظر داده است:

«شریعت اسلامی، مصدر قانونگذاری است، بدان معنا که شریعت اسلامی همان مصدری است که قانون از

آن مدد می‌جوید و بر پایه آن قوانین جمهوری اسلامی بدین صورت وضع می‌گردد.

الف احکام ثابت شریعت که از وضوح و روشنی فقهی برخوردار است تا آن اندازه که به زندگی اجتماعی مربوط است، جزو قانون خواهد بود، خواه در قانون اساسی بدان تصریح شود یا نه.

ب - هر جایی از شریعت که از اجتهادهای متعدد برخوردار است، منطقه بدیل‌های متعدد و اجتهاد مشروع نامیده می‌شود و اختیار یکی از اجتهادها بر عهده قوه مقننه که منتخب مردم‌اند خواهد بود.

ج - در هر کجا که شریعت موضع قاطعی از حرمت یا ایجاب ندارد، قوه مقننه منتخب مردم، دست به قانون‌گذاری می‌زند. به گونه‌ای که با سایر قوانین ناسازگار نباشد. این حوزه، منطقه الفراغ نامیده می‌شود و شامل تمامی مواردی است که شریعت آن را به اختیار مکلف نهاده است. در این موارد قوه مقننه هر قانونی را که با مصالح عمومی هماهنگ باشد و با سایر قوانین تعارض نداشته باشد جعل خواهد کرد.»

۳. کنار نهادن روحیه مردانگی

از آن‌رو که تاکنون اکثر پژوهش‌های علمی و نیز دیدگاه‌های فقهی و حقوقی در حوزه فعالیت مردان بوده و زنان از آن به دور بوده‌اند گاه و بی‌گاه در ضمن داوریه‌ها و قضاوت‌های علمی ترجیح دادن منافع زنان بر مردان به صورتی ناخواسته و ناخودآگاه به چشم می‌خورد. و برای کنار نهادن این روحیه باید زنان به صورت جدی وارد این عرصه‌های علمی شوند و صاحب‌نظرانی از آنان در مسایل فقهی و حقوقی به تحلیل و اظهار رأی دست زنند. مثلاً در تمکین و در مبحث بلوغ پسران و دختران

۴. ایجاد مرجعیت علمی ویژه در مسایل فقهی زنان که با ارایه اسلوب فقهی مبتنی بر نگاه کلان در سیستم قانونگذاری اسلامی و استفاده از فتوای فقیهان و خروجی آن راه کارهایی اساسی برای حل مسایل فقهی زنان در مسایل فقهی، احکام شرعی و قوانین داشته باشیم.

۵. توجه به مبانی نظام حقوقی در "اصلاح قانون!"

در بعضی مباحث انتقادی در باب حقوق زن، پیشنهادهای در جهت اصلاح قانون نیز ارائه می‌شود. بدون تردید در اصلاح یک قانون نمی‌توان مبانی نظام حقوقی را نادیده انگاشت. هر نظام حقوقی، مبانی، منابع و

شیوه‌های ویژه دارد و برای تغییر در نهادها و قواعد یک نظام حقوقی و یا پر کردن خلاءهای قانونی، باید از همان منابع و روشها استفاده نمود. به عنوان نمونه در نظام حقوقی رومی - ژرمنی که عقل به عنوان یکی از منابع مستقل حقوق به رسمیت شناخته نشده است، یک قاضی و یا حقوقدان هرگز نمی‌تواند به منظور پر کردن خلاءهای قانونی، به عقل، متوسل شود یا در مورد نظام حقوقی «کامن‌لا» محدودیتهای دیگری وجود دارد.

قانونگذار در ایران علی‌القاعده کوشیده است قواعد و مقررات حقوقی را بر مبنای منابع شرعی از جمله کتاب، سنت، اجماع و عقل گرفته شده است، تدیون کند، بنابراین هیچ حقوقدان و اندیشمندی نمی‌تواند بدون رعایت ضوابط و متدلوژی حقوقی همین مکتب در جهت تحول آن گام بردارد.

آری مقررات مربوط به معاملات و کیفر، مبتنی بر فلسفه، علت و حکمت خاص است، اما بدین معنا نیست که بتواند معیار تغییر احکام قرار گیرد. در فقه امامیه، اصل، تبعیت احکام از مصالح و مفاسد نفس‌الامری و واقعی است و نیز قاعده ملازمه بین حکم عقل و شرع، مورد تایید است، بنابراین در مورد احکام شرع، باید مطمئن به وجود حکمت و فلسفه بود و در همین راستاست که فقیه ناموری چون شیخ صدوق(ره) به تدوین کتاب «علل الشرایع»، همت گماشته و روایت‌هایی که در آنها به نوعی، به فلسفه و حکمت احکام اشاره شده در یکجا گردآوری نموده و کوشیده است برخی از این حکمت‌ها را دریابد. ولی باید توجه داشت که کشف علل تامه و ملاکهای قطعی بسیاری احکام میسر نبوده و محدود در قلمرو ادراکات بشری نیست بلکه از طریق نصوص شرعی می‌توان ملاک تام و علت حکم را کشف نمود به نوعی که بتواند مبنای توسعه و تزییق و یا تغییر حکم قرار گیرد. از این‌روی، هرگاه در موارد فقدان نص کاشف از علت حکم، با فهم خویش به حکمتی دست یافتیم، می‌توانیم آن را مبنای توسعه، تزییق و یا تغییر حکم قرار دهیم. چنانکه هرگاه فلسفه قاعده و حکمی جزایی را عقل ما دریابد و نتوانیم از حکمت آن پرده برداریم، نمی‌توان آن را به کنار نهاد. باید تلاش کرد تا حکمت احکام کشف گردد، ولی درعین حال باید مراقب بود ره به افراط پیموده نشود و هر یافته ذهنی، به عنوان ملاک و علت

تامه، تلقی نگردد، باید در برابر حقیقت متعالی، متواضع بود و گمان نکرد که همه حکمت‌ها تا زیر تیغ جراحی ما درنیاید، واقعیت نیز ندارد!! در صورت عدم دستیابی به حکمت حکم باید به منبع عظیم فقه و میراث گرانقدر فقیهان به عنوان مجموعه‌ای کامل از مقررات که مبتنی بر منابع معتبر دینی است عمل شود، مگر آنکه دلیل حکمی، تنها اجماع و یا شهرت فقهی باشد و کسی بتواند با بهره‌گیری از روش فقهی، ناروا بودن آن را مبرهن سازد که صد البته این امر در موارد اندکی تحقق دارد و در مورد مسلمات فقه، چنین ادعایی گران و محال است.

۶. ضرورت تفکیک عادات و رسوم غلط از دین؛ تا به بهانه ردّ سنت‌های ناروا، دین و ارزشهای آن نفی

نگردد.

۷. دوری از افراطی‌گری: پاره‌ای از فمینیست‌ها مسأله تساوی بلکه تشابه کامل حقوق زن و مرد را پشت

سر گذاشته و نه تنها حقوق تضييع شده را مطالبه می‌کنند بلکه جنسیت پرستانه، به برتری جنس زن نسبت به مرد قائلند. اصل بازشناسی حقوق و احقاق حقوق زنان بلکه هر انسانی که حقوق او در معرض تضييع قرار دارد، اقدامی است مقدس، ولی افراطی‌گری، خودمانع اجراء عدالت و تأمین حقوق زنان خواهد شد.

۸ در نهایت باید گفت گامهای پرشتاب مقنن به سوی تأمین حقوق زن، هنگامی می‌تواند به مقصود برسد

که اولاً با کارشناسی دقیق و در نظر گرفتن آثار اجرایی آن قوانین در عمل همراه باشد ثانیاً محدود به تأمین حقوق زن در کانون خانواده نباشد. به نقشهای دیگر زن به عنوان فردی از اجتماع توجه کند و ثالثاً قانونگذاری باید به موازات تغییر فرهنگ و باورهای عرف نسبت به زن، وظایف، اختیارات و حقوق وی باشد؛ زیرا قانون هنجار شکن که در باور عامه ننگند، آثار مطلوبی بر جای نخواهد گذاشت و البته تغییر باورهای جامعه نه فقط بر عهده مقنن، بلکه از وظایف کلیه نهادهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی است.

۶-۷- راهکارهای بهبود جایگاه حقوقی زنان

جدول ۱-۷: اولویت بندی استراتژی های «حقوقی زنان»

اولویت	استراتژی ها	کلان استراتژی ها	شاخص
اول	اجرا نمودن قانون اساسی، بازبینی و بروز نمودن و همچنین اسلامی کردن دیگر قوانین مصوب، تصویب قوانین مورد نیاز با در نظر داشتن قانون اساسی و شرع انور	پیاده سازی اصول مربوطه قانون اساسی و با توجه به نظرات علماء و فقها	حقوق اساسی
دوم	تدوین قوانین مناسب جهت امکان استیفای حقوق مالکانه توسط بانوان	ارتقاء استیفا از حقوق مالکانه	حق مالکیت
اول	شناخت موارد ناکارایی قوانین موجود و ارائه پیشنهادات برای اصلاح و ارتقاء آنان	پیاده سازی اصول مربوطه قانون اساسی در پرتو نظرات نوین علماء و فقها	حقوق خانواده
دوم	اصلاح قوانین مربوط به تابعیت اصلاح قوانین مربوط به اقامتگاه	بهره برداری از حقوق ناشی از تابعیت جمهوری اسلامی ایران امکان داشتن اقامتگاه غیر تحمیلی	حقوق بین الملل خصوصی
سوم	اطلاع رسانی و آموزش حقوقی در خصوص فواید قواعد حقوقی حاضر	تحکیم و تقویت وضع قوانین موجود	آیین دادرسی مدنی
اول	تبیین و توضیح فواید قوانین موجود برای اقشار مرتبط	تحکیم قوانین حقوقی منبث از شرع انور	حقوق جزا
سوم	اجرا نمودن قوانین اسلامی موجود، بازبینی و بروز نمودن و همچنین اسلامی کردن قوانین مصوب، تصویب قوانین مورد نیاز با در نظر داشتن قانون اساسی و شرع انور	فرهنگ سازی حقوقی	آیین دادرسی کیفری
سوم	تشکیل کارگروه هایی با حضور متخصصین حقوقی و فقها با هدف شناسایی و اصلاح برخی قوانین تضعیف کننده جایگاه حقوقی زنان در خانواده به عنوان مادر و پرورش دهنده نسل آینده.	شناخت موارد ناکارایی قوانین موجود و ارائه پیشنهادات برای اصلاح و ارتقاء آنان	حقوق اداری
سوم	اجرا نمودن قوانین موجود و اطلاع رسانی از دستاوردهای آن	فرهنگ سازی حقوقی	حقوق کار
اول	تهیه و تصویب قوانینی که موجب تأمین حقوق همه جانبه افراد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و همچنین تساوی عموم در برابر قانون خواهد شد.	پیاده سازی اصول مربوطه قانون اساسی و نظرات علماء و فقها	امنیت حقوقی و قضایی



فصل هشتم:

جایگاه زنان در خانواده و اجتماع

۱-۸- پیش در آمد جایگاه زنان در خانواده و اجتماع

اسلام بین مرد و زن از نظر تدبیر شوون اجتماعی و دخالت اراده و عمل آن دو در تدبیر، تساوی برقرار کرده است، زیرا همانطور که مرد در برآورده کردن امور اجتماعی خویش نیازمند تعامل با مردم است، زن نیز همین طور است، پس هر دو جنس می توانند برای تصمیم گیری در مورد سرنوشت خودشان مستقل عمل کنند و در نتیجه عمل خود را مالک شوند. «نیکی‌های هر شخصی به سود او و بدی‌هایش نیز به زیان خود اوست». (بقره/۲۶۸).

پس هم زنان و هم مردان هر کدام جایگاه و بهره ای از اجتماع دارند و در اسلام زن در تمامی احکام عبادی و حقوق اجتماعی شریک یک مرد است و می تواند همانند مردان مستقل باشد و بنابر بسیاری از آیات قرآن کریم و روایات ائمه معصومین (ع) زن و مرد دو جلوه از نوع بشر هستند و در اصل خلقت یکسان آفریده شده‌اند و هیچگونه امتیاز و برتری از لحاظ تکوین نسبت به یکدیگر ندارند بلکه تنها برای ادامه و بقای نسل بشری به صورت زوج و مکمل و با تفاوت های اندک جسمی و روحی خلق شده‌اند.

علاوه بر خلقت، تساوی زن و مرد در ارزش ها و کسب کمالات والای انسانی نیز برابر بوده و در تمامی آیات قرآن هر جا صحبت از ارزش و کمال اخلاقی است، زن و مرد یکسان مورد خطاب بوده‌اند.

بنیانگذار جمهوری اسلامی نیز به تاسی از الگوی زن در اسلام، تجلیل و تکریم فراوانی از جایگاه زنان داشته و شخصیت و مقام زن و نقش او در خانواده را باور داشت و می‌فرمود: زن مظهر تحقق آمال بشر است، زن پرورش‌دهنده زنان و مردان ارجمند است. از دامن زن مرد به معراج می رود». (موسوی خمینی، صحیفه نور).

در نگاه امام (ره) زن مظهر سازندگی بنیان خانواده و جامعه قلمداد می‌شود و مقام مادری اولین مرتبه از شان زن در حیات اجتماعی است و در این باره می‌فرمایند: «دامن مادر بزرگترین مدرسه ای است که بچه در آنجا تربیت می‌شود و خانه‌های شما باید خانه تربیت اولاد باشد و در تربیت دینی مادرها بیشتر مسئول هستند.



۲-۸- مبانی نظری جایگاه زنان در خانواده و اجتماع

۱-۲-۸- اهمیت نقش زنان در خانواده

در برخی از روایت‌ها، انس روحی عامل خلقت زوجین معرفی شده است: «هنگامی که حوا را آفرید... آدم گفت: پروردگارا، این موجود زیبا کیست که قرب او و نگاه کردنش سبب انس است. خداوند فرمود: ای آدم این بنده من حواست. آیا دوست می‌داری او انیس تو و هم سخنت باشد؟ آدم گفت: بلی بار خدایا و همیشه بر این نعمت تو را سپاسگذار و ستایشگر خواهم بود». (وسایل الشیعه، ج ۱۴، ۳).

حضرت امام خمینی نیز در تبیین جایگاه زن در خانواده می‌فرماید:

«مری انسان‌ها زن است، سعادت و شقاوت کشور ما بسته به وجود زن است.

مبدا همه سعادت‌ها از دامن زن بلند می‌شود، زن مبدا همه سعادت‌ها باید باشد.

زن پرورش دهنده زنان و مردان ارجمند است، از دامن زن مرد به معراج می‌رود.

دامن زن محل تربیت بزرگ زنان و بزرگ مردان است». (کلام امام، ۱۳۶۳:۱۱۱).

مقام معظم رهبری در خصوص اهمیت نقش زنان در خانواده می‌فرماید: «عنصر اصلی تشکیل خانواده، زن است نه مرد، زن خانواده اگر عاقل و با تدبیر و خانه‌دار باشد، خانواده را حفظ می‌کند. اگر زن از خانواده ای گرفته شد، مرد نمی‌تواند خانواده را حفظ کند. بنابراین، خانواده را زن حفظ می‌کند». (سخنرانی در جمع زنان خوزستان، ۷۵/۱۲/۲۰). همچنین ایشان بر محوریت زن در خانواده تاکید داشته‌اند: «احساسات و عواطف خانوادگی محتاج یک محور اصلی است که آن خانم خانه است و اگر او نباشد خانواده شکل بدون معنایی خواهد بود».

الف- اهمیت خانه‌داری

«زن باید بتواند محیط زندگی خود را برای خود و برای مرد و برای مرد و فرزندان، یک بهشت، یک مدرسه،

یک محیط امن، یک جایگاه عروج به معارف معنوی و مقامات معنوی تبدیل کند. با استفاده از جاذبه‌ای که خدای

متعال در وجود زن گذاشته است، فرزند و شوهر خود را در آن راهی که مطلوب است، سوق می‌دهد و پیش می‌رود. (زن از دیدگاه مقام معظم رهبری: ۱۰۴).

«در همه طرح‌هایی که ما داریم خانواده باید مبنا باشد. شما اگر بزرگترین متخصص پزشکی (یا هر رشته دیگر) بشوید، ولی زن خانه نباشید، ناقص هستید. (دیدار با جمع کثیری از بانوان کشور، ۷۱/۹/۲۴).

ب- اهمیت نقش آفرینی زنان در تربیت فرزند

امام (ره) نابسامانی‌ها و مشکلات تربیتی امروز دنیا را به جدا شدن فرزند از مادر و پیدایش عقده‌های ناشی از آن نسبت می‌دهند، ایشان ریشه اکثر بزهکاری‌ها و آسیب‌ها و مفساد اجتماعی را در نتیجه عدم درک محبت مادری و محرومیت از آن می‌دانند. همچنان که می‌فرمایند: «بچه‌هایی که از دامن مادر جدا شده‌اند، عقده پیدا می‌کنند و این عقده‌ها منشأ همه مفساد است و یا اکثر مفسادی است که در بشر حاصل می‌شود».

امام (ره) در این باره می‌فرمایند: «شما بچه‌های خودتان را خوب حفظ کنید، بچه‌های خودتان را خوب تربیت کنید. این بچه‌ها هستند که کشوری را نجات می‌دهند. در دامن شما، اینها اسلامی بار بیایند و در دامن شما بافضیلت بار بیایند، با ایمان بار بیایند تا در این مملکت بتوانند خدمت کنند». (موسوی خمینی، صحیفه نور).

مقام معظم رهبری نیز در تبیین «اهمیت و نسبت نقش آفرینی زنان در تربیت فرزندان» می‌فرمایند:

«زن رکن اساسی و عنصر اصلی خانواده است و اسلام برای نقش زن در خانواده اهمیت فراوانی قائل است، زیرا با پابندی زن به خانواده و تربیت فرزندان در آغوش پرمهر مادر، نسل‌ها در آن جامعه بالنده و رشید خواهد شد. مادرانی که تربیت فرزند در آغوش پرمهر و عطوفت خود را به انجام کارهای دیگر رها می‌کنند، مرتکب اشتباه می‌شوند. بهترین روش تربیت انسان آن است که در آغوش پرمهر و محبت مادر پرورش پیدا کند و زنانی که فرزند خود را از این موهبت الهی محروم می‌کنند، در واقع به زیان خود و فرزند خویش و جامعه اقدام کرده‌اند». (بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بانوان خوزستان، ۷۵/۱۲/۲۰).

ج- اهمیت نقش همسر داری زنان

«از جمله چیزهای بسیار مهم، آموختن روش‌های صحیح کار در داخل خانه یعنی برخورد با همسر و فرزندان است. زن‌های خیلی خوبی هستند که دارای حلم، صبر، گذشت و اخلاق خوبند اما روش‌های برخورد با همسر و فرزندان خود را درست نمی‌دانند. این‌ها مسائل علمی و چیزهایی است که با تجربه بشر روز به روز پیشرفت کرده و به مراحل خوبی رسیده و کسانی که در این زمینه‌ها اطلاعات و تجربه دارند، باید این روش‌ها را پیدا و خانم‌ها را راهنمایی کنند». (دیدار با جمع کثیری از بانوان، ۷۱/۹/۲۴).

مقام معظم رهبری در این خصوص تاکید بر نقش همسری داشته و می‌فرمایند:

«کانون خانواده جایی است که باید در آن «عواطف و احساسات وجود داشته باشد و رشد و بالندگی پیدا کند. بچه‌ها در آن کانون محبت و نوازش ببینند. طبیعت مرد در یک محدوده خاصی خام‌تر و شکننده‌تر از طبیعت زن است و لذا مرهم زخم او فقط نوازش زن است. حتی نوازش مادر هم برای او نمی‌تواند جایگزین نوازش همسر باشد. یعنی همسر برای او کاری را می‌کند که مادر برای بچه کوچک خود می‌کند. زن‌های دقیق و ظریف به این نکته آشنا هستند. احساسات و عواطف خانوادگی محتاج یک محور اصلی است که آن خانم خانه است و اگر او نباشد، خانواده شکل بدون معنایی خواهد بود». (دیدار با جمع کثیری از بانوان کشور، ۷۱/۹/۲۴).

د- ازدواج

قرآن کریم ازدواج را یک سنت الهی دانسته و توصیه می‌کند زنان و مردان بی‌همسر به نکاح یکدیگر درآیند: «مردان بی‌زن و زنان بی‌شوهر خود را تزویج کنید». (نور، ۳۲). قرآن کریم ازدواج را یکی از نعمت‌های خداوند (نحل، ۷۲) و مایه آرامش انسان دانسته (اعراف، ۱۸۹) که آنچه ایجاد آرامش می‌کند همانا دوستی و مهربانی اوست: «و از نشانه‌های قدرت اوست که برایتان از جنس خودتان همسرانی آفرید تا به ایشان آرامش یابید و میان شما دوستی و مهربانی نهاد و در این عبرت‌هایی است برای مردمی که تفکر کنند». (روم، ۲۱). قرآن کریم زن و شوهر را پوشش یکدیگر می‌داند (بقره، ۱۸۷)، همچنین لزوم همخوانی در ازدواج را مطرح نموده است (نور، ۲۶).

ه- انتخاب همسر

در دین اسلام مهمترین معیار انتخاب همسر اصالت خانوادگی می‌باشد و اگر خانواده دارای ریشه و اصالت نباشد، بنای آن استحکام پیدا نمی‌کند و با هر گردبادی در آستانه تزلزل قرار می‌گیرد و با توجه به اینکه محبوبترین بناها در نزد خداوند بنای ازدواج است بایستی نهایت دقت و ظرافت را در گزینش همسر بکار گرفته شود، در این زمینه پیامبر(ص) فرمود: در خانواده شایسته ازدواج کنید. (جلیلی، ۱۳۸۳:۷۰).

از معیارهای دیگر ازدواج در اسلام، تدین و شایستگی است. اگر مردی زنی را به خاطر دینداری و تقوا به همسری برگزیند، پروردگار متعال زیبایی و ثروت را نیز نصیب او خواهد کرد. (همان: ۷۱).

مقام معظم رهبری در خصوص احترام به خواست زن و مرد در امر ازدواج و اختیاری بودن انتخاب همسر می‌فرمایند: «خداوند به اراده زن و مرد در همه امور از جمله ازدواج احترام گذاشته است و بر همین اساس واداشتن دختران به ازدواج با مردان از نظر اسلام حرام است و بدون رضایت دختر، جایز نیست». (اجتماع خانواده‌های شهدای گنبد، ۷۴/۷/۲۷). «زن به عنوان یک زوجه و یک همسر، در مراحل مختلف مورد توجه و عنایت ویژه اسلامی قرار دارد. در درجه اول، مساله انتخاب همسر است. به نظر اسلام، زن در انتخاب همسر آزاد است و هیچ کس نمی‌تواند در مورد انتخاب همسر، بر هیچ زنی چیزی را تحمیل کند». (سخنرانی در اجتماع زنان خوزستان، ۷۵/۱۲/۲۰).

و- طلاق

از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمودند:

«هیچ شی حلالی نیست در نزد خدا که مغبوض‌تر از طلاق باشد». (وسایل الشیعه، ج ۱۵ : ۲۶۶).

همچنین از رسول خدا (ص) ذکر شده است که می‌فرمایند:

«ازدواج کنید، ولی طلاق ندهید زیرا عرش خدا به خاطر طلاق می‌لرزد». (وسایل الشیعه، ج ۱۵ : ۲۶۶)



ز- هویت جنسیتی

در آیه ۲۲۸ سوره بقره، «ولهن مثل الذی علیهن بالمعروف و للرجال علیهن درجه» بحث مبسوطی در ذیل آن در تفسیر المیزان آمده است که علامه در تفسیر این آیه می‌فرماید: تفاوت‌هایی که در ناحیه تشریح لحاظ شده، ضرورتاً به تفاوت‌هایی در ناحیه تکوین برمی‌گردد. پذیرش تفاوت‌های زن و مرد آثار زیادی به دنبال خواهد داشت که یکی از آنها بحث تفکیک نقش‌هاست اگر می‌پذیریم که «ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون» به تبع آن می‌پذیریم که وحدت هدف در هر دو جنس مطرح است و هر دو به یک غرض غایی خلق شده‌اند و این لزوماً به معنای وحدت مسیر نیست.

یکی دیگر از آثار تمایز نقش‌ها، مسئولیت‌پذیری فردی و مسئولیت‌پذیری و سلوک اجتماعی است. به عبارتی هر شخص، بر اساس جنسیت خود، مسئولیت‌ها و نقش‌هایی را که متناسب با جنس خودش است، می‌پذیرد. در ادبیات دینی، بعضی از صفاتی که برای زنان حسن شمرده شده، برای مردان عیب محسوب می‌شود. در سلوک اخلاقی هم نسخه‌هایی که برای زن و مرد تجویز شده، با هم متفاوتند. مهمترین آثار پذیرش هویت جنسی در بحث آموزش و تربیت است و تربیت هم تنها به منظور ایفای نقش‌های متفاوت نیست بلکه نحوه مواجهه زن و مرد با مسایل مختلف را نشان می‌دهد. بنابراین نوع تربیتی که برای زنان و مردان در نظر گرفته می‌شود، باید متناسب با این تفاوت‌ها باشد. شناخت زن و مرد از این تفاوت‌ها، طریقه مواجهه این دو جنس با یکدیگر را مشخص می‌کند.

در حوزه روابط خانوادگی، انبوهی از تفاوت‌ها میان زن و مرد وجود دارد که شناخت آنها از یکدیگر و کارآمدی بیشتر آنان عامل مهمی در جذابیت این دو جنس در خانواده برای یکدیگر است. متأسفانه، نادیده گرفتن این تفاوت‌ها در قرن اخیر، عامل تخاصم میان زن و مرد شده است. اثر بی‌توجهی به هویت جنسی، تبعاتی است که در سیستم جنسی زنان، اختلال ایجاد می‌کند، باعث افزایش استرس شده، کاهش درک متقابل از جنس مخالف را باعث می‌شود.

۲-۲-۸- آسیب های خانوادگی تهدیدکننده زنان

در قرآن کریم، ازدواج بر اساس آزادی و اختیار است و اجبار در ازدواج تحریم شده است. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شما را حلال نیست که زنان را بر خلاف میلشان به ارث برید... با آنان به نیکویی رفتار کنید و اگر شما را از زنان خوش نیامد چه بسا چیزها که شما را از آن خوش نمی‌آید، در حالی که خیر کثیری در آن نهاده باشد». (نساء، ۱۹). در قرآن کریم از همسر به عنوان نعمت یاد شده (نحل، ۷۲) و بر ضرورت خوشرفتاری و رفتار نیکو با زنان تاکید شده است (طلاق، ۲؛ بقره ۲۲۹، ۲۳۱). و توصیه شده است به هنگام ازدواج، مهر زنان به آنان پرداخت شود. (مائده، ۵)

مقام معظم رهبری نیز در تبیین رابطه درست در خانواده می‌فرمایند:

«رابطه درست زن و مرد این است: مودت و رحمت، رابطه دوستی، رابطه مهربانی؛ هم یکدیگر را دوست دارند و به هم عشق بورزند. هم با یکدیگر مهربان باشند». (اجتماع خواهران در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر، ۷۶/۷/۳۰). همچنین ایشان نسبت به خطرات ناشی از سست شدن و تزلزل روابط در خانواده هشدار داده‌اند:

الف - همسر آزاری

خداوند در قرآن کریم سفارش می‌کند که از خطاهای دیگران چشم‌پوشی کنید، بلکه خطای آنان را نادیده بگیرید. آن‌ها باید عفو کنند و چشم ببوشند. آیا دوست نمی‌دارید خداوند شما را ببخشد؟ و خداوند آمرزنده و مهربان است. (نور، آیه ۲۲). قرآن کریم در رابطه با رفتار به همسر توصیه‌های فراوانی دارد. در قرآن کریم همسر مایه آرامش انسان (اعراف، ۱۸۹) و یکی از نعمت‌های خداوند (نحل، ۷۲) مطرح شده است. همچنین در قرآن کریم آمده است: «بر آنها سخت مگیرید (نساء، ۱۹) یا به وجهی نیکو نگهدارید یا به وجهی نیکو آنان را رها سازید (بقره، ۲۲۹، احزاب، ۴۹؛ طلاق، ۲) زنان را از خانه هایشان بیرون نکنید (طلاق، ۱).

از رسول خدا (ص) روایت شده است که فرمودند: «هر کسی که همسرش را آزار و اذیت کند، خداوند نماز و اعمال نیکش را نمی‌پذیرد- تا زمانی که به همسرش توجه کند و او را راضی نگهدارد- هرچند شب زنده‌داری کند و برده آزاد کند و در راه خدا اموال بسیاری انفاق کند و او اولین شخصی است که وارد آتش می‌شود». (بحار الانوار، ج ۷۳؛ ص ۳۶۳). همچنین از حضرت علی(ع): زنان را اذیت نکنید، نگذارید زنان، با اذیت هیجانی شوند که این هیجان نه برای خودشان سودمند است نه برای اطرافیان».

در حوزه آسیب‌های خانوادگی، نگاه اسلام در بیانات مقام معظم رهبری جلوه‌گر گردیده است و ایشان با هشدار نسبت به تبعات آسیب‌های خانوادگی و گسترش آن نسبت به زنان می‌فرمایند: «متأسفانه در جوامع ما هم مثل جوامع غربی یک بی‌عدالتی در ارتباطات خانوادگی زن و مرد وجود داشته، عمده هم مربوط به داخل خانواده است؛ مرد چون از لحاظ جسمانی و برخی از خصوصیات دیگر توانایی‌های بیشتری دارد، در مواردی از این توانایی‌ها سوءاستفاده می‌کند و زورگویی می‌کند؛ که باید جلوی آن گرفته شود. این کار با تهذیب و اخلاق مردان و یا از طریق قانون امکان‌پذیر است. تصویر کیفیت برخورد زن و مرد در اخلاق اسلامی بایستی رویش کار شود. اخلاق اسلامی در روابط زن و مرد- به خصوص در داخل خانواده- باید مورد توجه قرار بگیرد.» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار گروه کثیری از زنان نخبه در آستانه سالروز میلاد حضرت زهرا (س)، ۱۳/۴/۸۶).

«بالتر از همه مناطقی که مورد نظر که انسان احساس می‌کند زن در آن مورد ستم قرار گرفته، منطقه خانواده است، داخل خانواده». (زن از دیدگاه مقام معظم رهبری: ۱۱۷).

ب- خودکشی

خودکشی در اسلام امری حرام شناخته شده است و قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید... خودتان را مکشید، هر آینه خدا با شما مهربان است. (نساء، ۲۹). قرآن کریم در مورد شرایط زندگی انسان می‌فرماید: «آدمی را در رنج و محنت بیافریده‌ایم (بلد، ۴). البته شما را به اندکی ترس و گرسنگی و بینوایی و بیماری و نقصان در محصول می‌آزماییم و شکیبایان را بشارت ده». (بقره، ۱۵۵). گرچه سختی‌ها و مصائب با انسان

است اما قرآن کریم انسان را توصیه می‌کند که در مقابل این سختی‌ها به دعا بپردازد. (انعام، ۶۳-۶۴؛ اعراف ۵۵-۵۶؛ بقره، ۱۸۶) و به خدا پناه ببرد: «خداست که شما را از آن مهلکه و از هر اندوهی می‌رهاند». (انعام، ۶۳-۶۴).

ج- سقط جنین

با توجه به اهمیت تولید مثل و صیانت از نسل بشر در اسلام، توقف فرآیند تولید مثل به هر وسیله یا به هر نحو یا مداخله در آن به هر طریقی یا سبب کاهش آن شدن، بدون هیچ گونه توجیه شرعی از نظر اسلام عمل حرام و نامشروع تلقی می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۸۳). احادیث متعددی بر حرمت سقط جنین دلالت می‌کند. در حقوق اسلام هرکس موجب سقط جنین شود، قاتل محسوب می‌گردد. حق حیات تنها اختصاص به زمان پس از تولد ندارد. این حق به پیش از تولد انسان نیز تسری داده شده است.

۳-۲-۸- آسیب‌های اجتماعی تهدیدکننده زنان

الف- روابط جنسی نامشروع

رسول خدا(ص) از دنیایان تنها زنان و بوی خوش را دوست دارم. (کافی ۳۲۱/۵ ج ۶).

امام باقر(ع) فرمود دوست ندارم که دنیا و آنچه در آن است برای من باشد، و حال آنکه شبی را بی همسر سپری نمایم. هیچ مرد مسلمان بعد از نعمت اسلام از سودی بهره مند نشد که از همسر مسلمان برایش بهتر بوده باشد؛ که از دیدنش شاد نشود و فرمانی که به او می‌دهد اطاعت نماید، و هنگامی که از وی پنهان می‌شود، از ناموس خود و ثروت شوهرش پاسداری نماید. (الفقیه ۳۸۹/۳ ج ۴۳۷۱، کافی ۳۲۷/۵ ج ۶).

حضرت علی (ع) فرمود: هرگاه یکی از شما اراده کرد که با همسرش همبستر شود، نباید در انجام این کار شتاب ورزد؛ زیرا زنان نیازمندی‌هایی دارند.

روابط جنسی نامشروع، رابطه جنسی با غیرهمسر، همجنس‌گرایی، رابطه جنسی با محارم، و روابط فردی و اجتماعی بسیار دیگری در ارتباط با سوءرفتار جنسی از نظر قرآن کریم حرام شناخته شده و توصیه‌ها و روشهای

پیشگیرانه بسیاری برای آن ارائه گردیده است. خداوند می‌فرماید: «هرگز به زنا نزدیک نشوید که کاری بسیار زشت و راهی بسیار ناپسند است. (اسراء، ۳۲). آیا کار زشتی (لواط) را که پیش از شما کسی به آن مبادرت نکرده است بجای می‌آورید؟ شما زنان را رها کرده و با مردان شهوت می‌رانید. آری که شما قومی فاسد و نابکارید (اعراف، ۸۰-۸۱؛ نمل، ۵۴-۵۵). کسانی که دوست دارند کار منکری (لواط) را در میان مومنان اشاعه دهند عذابی دردناک در انتظارشان است. (نور، ۱۹). مردمی که پیرو شهوات‌اند می‌خواهند که شما از راه حق و رحمت دور شوید. (نساء، ۲۷) به زنان اهل ایمان بگو چشمان خود را از نگاه خلاف شرع و نامحرم نگهدارند و عورت خود را از بیگانه بپوشند. (نور، ۳۰).

ب- خشونت و دیگرگشی

قرآن کریم، انسان را از انجام خشونت نهی نموده است. خشم به صورت عیبجویی، تمسخر، نامیدن یگدیگر به القاب زشت (حجرات، ۱۱) و بلند صحبت کردن، کشتن دیگران، کشتن اسیران و ظلم به دیگران در قرآن نهی شده است: «خدا بلند کردن صدا را به بدگویی، دوست ندارد، مگر از آن کسی که به او ستمی شده باشد. (نساء، ۱۴۸). همچنین کشتن انسان را نیز حرام دانسته است: «کسی که خدا کشتنش را حرام کرده است، مکشید، مگر به حق (اسراء، ۳۳). هرکس، کس دیگر را نه به قصاص قتل کسی یا ارتکاب فساد بر روی زمین بکشد چنان است که همه مردم را کشته باشد، و هر کس به او حیات بخشد چون کسی است که همه مردم را حیات بخشیده باشد (مائده، ۳۲). به همین ترتیب، کشتن فرزند نیز حرام دانسته شده است: «هرگز فرزندان خود را از ترس فقر به قتل نرسانید. ما، هم شما را روزی می‌دهیم و هم ایشان را. کشتن‌شان خطای بزرگی است. (اسراء، ۲۱). حتی در زمان جنگ نیز پس از اینکه دشمنان دست از جنگ برداشته و تسلیم شدند، کشتن آنان را برابر با قتل و تعدی از قوانین اسلامی می‌داند و سفارش به عدالت و نیکویی در حق آنان می‌کند. (بقره، ۱۹۲؛ نساء، ۹۰).

در فقه اسلامی عنوان نفس محترمه مطرح است و وارد کردن هرگونه آسیب و اختلال بر حیات نفس محترمه حرام جدی و عامل آن مجرم و بالاترین مجازات یعنی اعدام برای آن در نظر گرفته شده است.

۴-۲-۸- اهمیت ورزش برای زنان

از منظر اسلام، سلامت به عنوان هدیه‌ای بزرگ از جانب خداوند به انسان، نگریسته می‌شود. سلامتی در ادیان الهی بعد از توحید، یکی از بزرگترین نعمت‌های خداوند به بندگانش محسوب می‌گردد و همواره انسان‌ها را به حفظ سلامتی و قدر شناسی از آن، فراخوانده تا با بهتر زیستن، در مسیر رشد قرار گیرد. پیامبر اسلام در مورد ورزش‌های تیراندازی و شنا هم، سفارشات داشته و می‌فرمایند: «حق الولد علی والده ان یعلمه الکتابه و السباحه و الرمايه وان لا یرزقه الا طيبا. حق فرزند پسر بر عهده پدرش این است که به او نوشتن، شنا کردن و تیراندازی را آموزش دهد و روزی او را تنها از راه حلال و پاکیزه تهیه نماید». (مظلومی، ۱۳۶۵: ۴۲).

در کلام مقام معظم رهبری نیز نقش ورزش در زندگی زنان و لزوم پرداختن زنان به ورزش متبلور گردیده است، آنجایی که می‌فرمایند:

«ورزش کردن مانند غذا خوردن، انجام دادن کارهای روزانه و درس خواندن باید یکی از برنامه‌های حتمی زندگی زنان محسوب شود. ورزش زنان باید متناسب با خودشان انتخاب گردد. این ورزش لزوماً به معنای ورزش‌های قهرمانی و شرکت در مسابقات نیست». (دانشگاه و رسالت دانشجوی مسلمان، ج ۱۱۸: ۴).

در نگاه معظم له ورزش زنان می‌بایست باید با رعایت الگوهای زن مسلمان صورت گیرد: «باید به ورزش بها داد، ولی جایز نمی‌دانیم به سایر باورها و اصول خودمان بی‌اعتنایی کنیم. زن باید مثل مرد ورزش کند، همچنان که زن باید از آمیختگی با مرد در صحنه‌های گوناگون زندگی بپرهیزد. نمی‌پذیریم که مریمان مرد، زنان و دختران را تعلیم و ورزش دهند. مریمان زن در همه رشته‌های ورزشی زنان را پرورش جسمانی بدهند. (مصاحبه‌های سال ۶۰، ۴۳). (محیط‌های ورزشی بانوان باید به گونه‌ای باشد که حدود اسلامی در آن دقیقاً رعایت شود. در ورزش بانوان تبرج و خودنمایی زن ممنوع است زیرا در چنین جامعه‌ای، امور جدی‌اش نظیر خانواده، سلامت، عفاف و عصمت جوانان ضربه می‌خورد». (روزنامه اطلاعات).



۵-۲-۸- حضور زنان در عرصه های بهداشت و پزشکی

قال رسول الله: (النظافه من الايمان و الايمان مع صاحبه فى الجنة). (بحار الانوار، ج ۵۹؛ ص ۲۹۱).

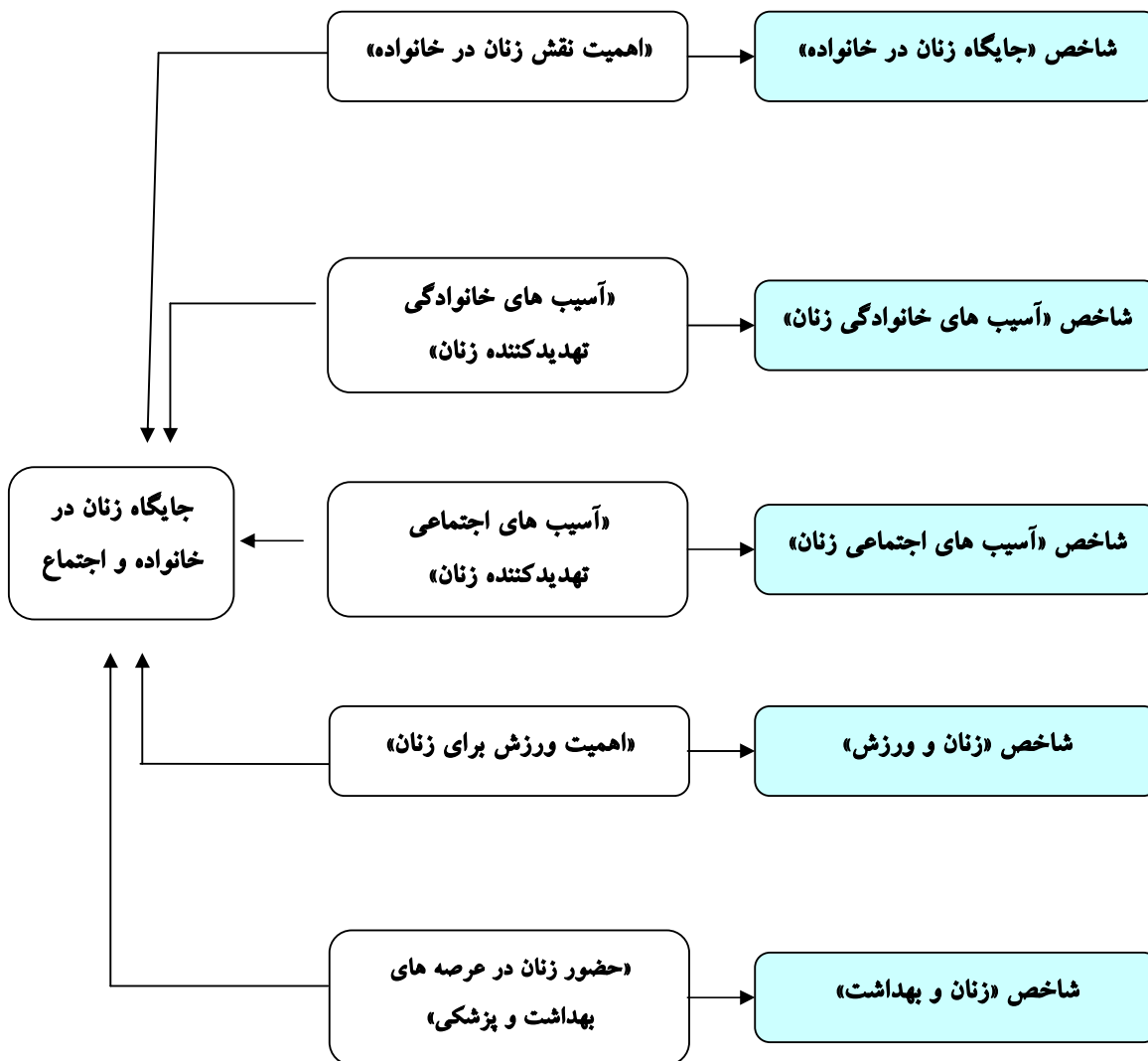
«پیامبر (ص) در هنگام جنگ برخی از زنان را مامور به مداوای مجروحان جنگی می کرد و هنگام حرکت به سوی میدان جنگ عده ای از زنان را که در معالجه بیماران و مجروحان تخصصی داشتند با خود می برد و برای آنان در کنار میدان جنگ، خیمه ای سر پا می کرد تا به هنگام مجروح شدن سربازان به انتقال به خیمه ها، زنان به مداوای آنان پردازند؛ زنانی دیگر را که تخصصی در مداوا و معالجه نداشتند، به منظور غذا و آب به سربازان و نگهداری از آذوقه و دیگر مسائل لشکر با خود به همراه می برد». (سالم الهراوی، ۲۷۶).

«حضرت زینب در رابطه با امام حسین(ع) نقش یک همراه، همدل و همراز صمیمی را داشت و پیوسته با جمله های زیبا حقانیت قیام امام را متذکر می شود و با مراقبت از کودکان، ایجاد روحیه مقاومت زنان در برابر شهادت عزیزان، مدیریت بانوان مضطرب و نگران، مراقبت و تیمار امام سجاد(ع) و دیگر بیماران و جانبازان کربلا و ایجاد آرامش روانی در بین بازماندگان از جمله نقش های مهم حضرت زینب (ع) است». (همان، ص ۱۰۹).

در بیانات مقام معظم رهبری نیز اهمیت و جایگاه و نقش زنان در امور پرستاری تبیین گردیده است:

«هنر پرستاری در بهبودی و سلامتی یک بیمار، گاهی از هنر پزشکی و طبابت بیشتر است.... مسئله پرستاری به خاطر وجود جنگ تحمیلی از اهمیت ویژه ای برخوردار است ... زنان و مردان پرستار بایستی این خدمت الهی را قدر بدانند.... پرستاری یکی از ضرورت های اجتناب ناپذیر جامعه است بی اعتنائی به این شغل شریف و حساس بی اعتنائی به سلامت جامعه است.... دختران و پسران بایستی هرچه بیشتر برای آموزش پرستاری خود را آماده کنند». (چهار ساله اول، ۱۴۴). ایشان همچنین در اهمیت نقش پرستاری و ایفای نقش ترکیبی آن می فرمایند: «حرفه پرستاری، ترکیب عجیبی است، از یک سو ترکیبی است از رحمت و عطوفت و مهربانی و مراقبت و از سوی دیگر دانش و معرفت و تجربه و مهارت». (روزنامه کیهان).

۳-۸- چارچوب کلی مدل مفهومی جایگاه زنان در خانواده و اجتماع





۴-۸- شاخص ها و زیرشاخص های جایگاه زنان در خانواده و اجتماع

۶-۱- جایگاه زنان در خانواده

۶-۱-۱- اهمیت و نسبت نقش آفرینی زنان در خانواده

۶-۱-۲- اهمیت خانه‌داری

۶-۱-۳- اهمیت و نسبت نقش آفرینی زنان در تربیت فرزند

۶-۱-۴- ازدواج

۶-۱-۵- انتخاب همسر

۶-۱-۶- طلاق

۶-۱-۷- زنان سرپرست خانوار

۶-۱-۸- میزان افتخار زنان و دختران به هویت جنسی زنانه

۶-۲- آسیب های خانوادگی زنان

۶-۲-۱- نسبت خشونت علیه زنان در خانواده به کل زنان

۶-۲-۲- نسبت میزان فرار از خانه زنان و دختران به کل فراریان

۶-۲-۳- نسبت اقدام به خودکشی زنان به مردان

۶-۲-۴- نسبت سقط جنین به تعداد کل موالید در هر سال

۶-۳- آسیب های اجتماعی زنان

۶-۳-۱- آمار زنان متکدی نسبت به مردان

۶-۳-۲- آمار دختران و زنان آسیب دیده اجتماعی

۶-۳-۳- آمار قتل های انجام شده توسط زنان

۶-۳-۴- نسبت دستگیرشدگان زن به کل دستگیرشدگان

۶-۳-۵- نسبت سرقت های انجام شده توسط زنان به مردان

۶-۳-۶- نسبت زنان زندانی به کل زندانیان

۶-۳-۷- نسبت اعتیاد زنان به مردان

۸-۳-۶- نسبت اعتیاد به سیگار زنان به مردان

۹-۳-۶- میزان احساس امنیت اجتماعی زنان

۴-۶- زنان و ورزش

۱-۴-۶- نسبت مشارکت زنان در ورزش عمومی به مردان

۲-۴-۶- نسبت تعداد زنان ورزشکار در ورزشهای قهرمانی به مردان

۳-۴-۶- نسبت تعداد زنان ورزشکار در مجامع بین المللی به مردان

۴-۴-۶- تعداد قهرمانان ورزشی بانوان (مدال آوران) در میادین بین المللی

۵-۴-۶- نسبت مشارکت دانش آموزان دختر در ورزش مدارس به کل دانش آموزان

۶-۴-۶- نسبت مشارکت دانشجویان دختر در ورزش دانشگاه ها به کل دانشجویان

۷-۴-۶- نسب سرانه فضاهای ورزشی زنان به کل فضاهای ورزشی

۸-۴-۶- نسبت سرانه فضاهای ورزشی مدارس دختران به کل فضاهای ورزشی مدارس

۹-۴-۶- نسبت تعداد باشگاههای ورزشی ویژه زنان به کل باشگاههای ورزشی

۱۰-۴-۶- میزان اعتبارات معاونت امور ورزش بانوان

۱۱-۴-۶- تعداد ورزشکاران تحت پوشش خدمات درمانی فدراسیون پزشکی - ورزشی

۱۲-۴-۶- تعداد کارکنان زن سازمان تربیت بدنی به مردان

۱۳-۴-۶- تعداد اماکن خصوصی و دولتی ورزش بانوان به تفکیک نوع و وضعیت اماکن

۱۴-۴-۶- تعداد داوران ورزش کشور به تفکیک جنسیت

۱۵-۴-۶- تعداد مربیان ورزش کشور به تفکیک جنسیت

۵-۶- زنان و بهداشت

۱-۵-۶- مقایسه وضعیت بهداشت زنان و خانواده در سه دهه بعد از انقلاب

۲-۵-۶- وضعیت شاخصهای سلامت جسمی زنان در سه دهه بعد از انقلاب

۳-۵-۶- وضعیت مراکز بهداشتی ارائه دهنده برنامه های تنظیم خانواده در بعد از انقلاب

۴-۵-۶- مقایسه وضعیت بهداشت زنان و زایمان در سه دهه بعد از انقلاب



۶-۵-۵- تعداد موسسات درمانی زنان و زایمان

۶-۵-۶- امید به زندگی زنان

۶-۵-۷- نسبت بیماران جذام زن به مرد

۶-۵-۸- میزان زایمان های زیر نظر متخصصین و افراد دوره دیده

۶-۵-۹- نرخ مرگ و میر مادران

۶-۵-۱۰- نسبت بهورزان زن شاغل در خانه های بهداشت به مردان بهورزان

۶-۵-۱۱- نسبت متخصصین و فوق تخصصین بیماری های زنان به مردان

۶-۵-۱۲- نسبت زنان پزشک عمومی به مردان پزشک عمومی

۶-۵-۱۳- نسبت زنان متخصص به مردان متخصص

۶-۵-۱۴- نسبت زنان پذیرفته شده به کل پذیرفته شدگان در گروه علوم پزشکی

۵-۸- تحلیل جایگاه زنان در خانواده و اجتماع

شاخص‌ها و زیرشاخص‌های اجتماعی و خانوادگی وضعیت زنان مهمترین و حساس‌ترین حوزه مورد مطالعه در خصوص وضعیت زنان می باشد که در وزندهی به شاخص‌ها نیز بیشترین نمره را به خود اختصاص داده است و جایگاه زنان در خانواده و جامعه که پرورش روحی و تربیت نسل‌ها را بر عهده دارند، بر هیچکس پوشیده نیست و لذا اهمیت و درک تاثیر وضعیت اجتماعی و خانوادگی زنان تاثیر بسزایی در شناخت وضعیت و جایگاه زنان در جمهوری اسلامی داراست.

در شاخص اول «جایگاه زنان در خانواده» و زیرشاخصهای مربوط به آن، نتایج زیر حاصل گردید:

۷۴/۴ درصد از اساتید و نخبگان دانشگاهی مورد مطالعه در تحقیق معتقد بودند نقش‌آفرینی زنان در خانواده بیشتر از قبل شده است که بیانگر بهبود نسبی وضعیت زنان در این خصوص می باشد.

در خصوص نقش‌آفرینی زنان در خانه‌داری تنها ۳۹ درصد از اساتید و نخبگان دانشگاهی کیفیت نقش‌آفرینی زنان در خانه داری را رضایت بخش دانسته اند که نشان دهنده وضعیت نامطلوب در این خصوص می باشد.

تنها ۴۸ درصد از نخبگان مورد مطالعه معتقدند نقش‌آفرینی زنان در تربیت فرزندان دخترشان بیشتر از گذشته شده است که این امر نشان دهنده وضعیت نه چندان مطلوب در این خصوص است.

داده‌های مربوط به طلاق نشان داد غیر از سال ۵۵ که نسبت طلاق به ازدواج رقم بالایی را نشان می‌دهد طی دهه‌های ۶۵ تا ۸۴ نسبت طلاق به ازدواج حدود ۱۰ درصد بوده است اما پس از آن دوباره سیر صعودی نگران‌کننده‌ای یافته است و در سال ۸۵ به ۱۲,۰۸ درصد، در سال ۱۳۸۶ به ۱۱,۸۷ درصد، در سال ۸۷ به ۱۲,۵۳ درصد و در سال ۸۸ به ۱۴,۱۲ درصد رسیده است.



۶۸ درصد از اساتید و نخبگان دانشگاهی مورد مطالعه بر این باورند که وضعیت دختران در انتخاب همسر برای ازدواج بهتر شده است که بیانگر بهبود نسبی وضعیت زنان در این خصوص می باشد.

تنها حدود ۱۴ درصد از زنان سرپرست خانوار شاغل هستند که آمار مطلوبی برای این زیرشاخص محسوب نمی گردد.

۶۳ درصد از نخبگان و اساتید مورد مطالعه این باورند که وضعیت دختران در خصوص هویت جنسیتی خویش نسبت به گذشته بهتر و خیلی بهتر شده است ولی در این خصوص می بایست تلاش بیشتری صورت گیرد زیرا آمار زیرشاخص افتخار به نقش جنسیتی دخترانه نشان می دهد تنها ۵۰ درصد افراد مورد مطالعه معتقدند که وضعیت دختران در خصوص افتخار به نقش جنسیتی دخترانه نسبت به گذشته بهتر شده است و ۵۱ درصد نیز وضعیت زنان در خصوص افتخار به نقش جنسیتی خود را نسبت به گذشته بهتر می دانند.

در شاخص دوم «آسیب های خانوادگی» و زیرشاخصهای مربوط به این شاخص نتایج زیر حاصل گردید:

۵۶ درصد از اساتید و نخبگان مورد مطالعه معتقدند که وضعیت زنان از نظر مواجهه با خشونت های فیزیکی نسبت به گذشته بهتر شده است که آمار مطلوبی برای این زیرشاخص محسوب نمی گردد و تنها ۵۴ درصد معتقدند وضعیت زنان از نظر مواجهه با خشونت های کلامی و زبانی نسبت به گذشته بهتر شده است.

۶۰ درصد از افراد مورد مطالعه در جامعه آماری تحقیق معتقدند که وضعیت زنان از نظر برابری و تساوی در مقایسه با مردان نسبت به گذشته بهتر شده است که تا رسیدن به وضعیت مطلوب شکاف قابل توجهی را نشان می دهد زیرا همچنین تنها حدود ۶۱ درصد افراد معتقدند وضعیت دختران از نظر برابری و تساوی در مقایسه با پسران بهتر و خیلی بهتر از گذشته شده است

۵۹ درصد افراد معتقدند که وضعیت دختران از نظر مواجهه با تحقیر جنسیتی نسبت به گذشته بهتر شده است که آمار چندان مطلوبی برای این زیرشاخص محسوب نمی گردد.

در شرایطی که روند تغییرات میزان فراریان زن دستگیر شده به کل فراریان در سال ۱۳۸۴ برابر با ۸۴٫۸ درصد از کل فراریان است، این نسبت در سال ۱۳۸۵ به ۷۶٫۳ درصد از کل فراریان رسیده و در سال ۱۳۸۶ با افزایش مجدد به حدود ۸۳ درصد بالغ شده است که آماری نگران کننده را در این خصوص نشان می دهد زیرا این آمار تنها فراریان دستگیر شده را نشان می دهد.

در شرایطی که نسبت پرونده‌های تشکیل شده در مورد اقدام به خودکشی زنان به کل افراد جامعه در سال ۱۳۷۵ برابر با ۴۵٫۴٪ و در سال ۱۳۸۳ برابر با ۳۷٫۸٪ بوده است این نسبت در سال ۱۳۸۷ به ۳۰٫۷ درصد رسیده است که کاهش قابل ملاحظه‌ای را در خصوص نسبت زنان خودکشی کرده را نشان می دهد. همچنین در شرایطی که نسبت پرونده‌های تشکیل شده در مورد فوت بر اثر خودکشی زنان به کل افراد جامعه در سال ۱۳۷۵ برابر با ۳۶٫۴٪ و در سال ۱۳۸۳ برابر با ۳۹٫۱٪ بوده است این نسبت در سال ۱۳۸۷ به ۲۴٫۱ درصد رسیده است که کاهش قابل ملاحظه‌ای را در خصوص فوت بر اثر خودکشی زنان به کل افراد فوت شده بر اثر خودکشی نشان می دهد.

در شاخص سوم «آسیب های اجتماعی زنان» و زیرشاخصهای مربوط به آن نتایج زیر حاصل گردید:
نیمی از اساتید و نخبگان مورد مطالعه در تحقیق بر این نظرند که تعداد زنان متکدی بیشتر و خیلی بیشتر از گذشته شده است که وضعیت نگران کننده ای را در این خصوص نشان می دهد زیرا حدود ۶۳ درصد از افراد مورد مطالعه معتقدند که آسیب‌های اجتماعی در بین زنان متکدی نسبت به گذشته بیشتر و خیلی بیشتر شده است.
درصد زنان و دختران آسیب دیده خود معرف طی سال ۸۳ تا ۸۵ کاهش یافته است اما درصد انتقال از مراکز بهزیستی به شدت افزایش یافته است.

در شرایطی که روند میزان زنان قاتل به کل متهمین در سال ۱۳۷۵ برابر با ۱٫۰۳ در صد هزار نفر می باشد، این نسبت در سال ۱۳۸۱ به ۰٫۷۶ در صد هزار نفر رسیده است و در شرایطی که نسبت دستگیرشدگان زن به کل دستگیرشدگان در سال ۷۵ برابر با ۱۵٫۳٪ می باشد، این نسبت در سال ۱۳۸۳ به ۶٫۴٪ رسیده است و در سال ۱۳۷۵



میزان دستگیرشدگان زن برابر با ۲۸,۷ درصد می باشد که این میزان در سال ۱۳۸۰ به ۶,۹ درصد و در سال ۱۳۸۴ به ۶,۲ رسیده است که آمارها حاکی از بهبود وضعیت در این حوزه‌هاست اما نسبت جرایم جنسی و اخلاقی زنان طی سالهای ۶۰ تا ۸۰ افزایش قابل ملاحظه داشته است و از ۶,۲۴ درصد در سال ۱۳۶۰ به ۳۵,۸ درصد در سال ۸۰ رسیده است که وضعیت نگران کننده ای را در این زمینه به تصویر کشیده است.

داده‌های مربوط به نسبت دستگیری زنان نشان می‌دهد که در سال ۱۳۷۵ میزان دستگیرشدگان زن برابر با ۱۵,۳ درصد می باشد که این میزان در سال ۱۳۸۰ به ۸ درصد و در سال ۱۳۸۷ به ۲,۳ رسیده است که کاهش قابل ملاحظه‌ای را در خصوص نسبت دستگیرشدگان زن در طی سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۷ نشان می‌دهد.

نسبت سرقت زنان در سال ۷۶ برابر ۱,۷ درصد، در سال ۸۰ برابر ۲ درصد، در سال ۱۳۸۳ برابر ۲,۱ درصد و در سال ۱۳۸۷ برابر با ۲,۳ درصد است که تفاوت چندانی را از نظر میزان وقوع سرقت در زنان نشان نمی‌دهد و درصد کمی از سرقت‌های انجام شده در طی سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۷ توسط زنان به وقوع پیوسته است.

آمار تعداد زندانیان در کشور نشان می‌دهد که در سال ۱۳۷۵ نسبت زنان زندانی برابر با ۴,۴ درصد، در سال ۱۳۸۰ برابر با ۴,۵ درصد، در سال ۱۳۸۵ برابر با ۴ درصد و در سال ۱۳۸۸ برابر با ۴,۲ درصد می باشد که در طی سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۸ تغییر محسوسی را نشان نمی‌دهد و زنان زندانی در کشور همواره کمتر از ۵ درصد از زندانیان را در سراسر کشور تشکیل می‌دهند. نمودار صفحه بعد زندانیان کشور را به تفکیک جنس به تصویر کشیده است.

نسبت زنان معتاد بر اساس آمارهای رسمی موجود تا سال ۱۳۸۶ برابر با ۹,۵ درصد گزارش شده است و نسبت زنان معتاد دستگیر شده بر اساس آمارهای رسمی موجود از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۸۱ بین ۲,۸ درصد الی ۳,۵ درصد در نوسان بوده است و از ۳,۵ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۳,۱ درصد در سال ۱۳۸۱ رسیده است و نسبت زنان دستگیر شده به جرم اعتیاد و مواد مخدر از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۸۸ بین ۳,۳ درصد الی ۴,۹ درصد در نوسان بوده است و از ۳,۳ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۴,۸ درصد در سال ۱۳۸۸ رسیده است.

۷۱ درصد افراد مورد مطالعه در جامعه آماری معتقدند میزان امنیت فردی زنان در مکان‌های عمومی بیشتر و خیلی بیشتر شده است و ۶۶ درصد افراد مورد مطالعه در تحقیق معتقدند امنیت اجتماعی زنان بیشتر و خیلی بیشتر از گذشته شده است.

در شاخص چهارم «زنان و ورزش» و زیرشاخصهای مربوط به این شاخص نتایج زیر حاصل گردید:

۷۲ درصد افراد معتقدند میزان مشارکت زنان در ورزش عمومی و همگانی خیلی بیشتر از گذشته شده است و ۷۴ درصد از افراد مورد مطالعه در جامعه آماری بر این باورند که میزان توجه به ورزش زنان و دختران بیشتر و خیلی بیشتر از گذشته شده است.

تعداد ورزشکاران زن تحت پوشش سازمان تربیت بدنی در سال ۱۳۷۵، برابر با ۱۸۹۲۷۶ نفر و در سال ۸۵ برابر با ۳۲۴۶۸۱۰ نفر می باشد که افزایش قابل ملاحظه ای را در این خصوص نشان می دهد.

تعداد ورزشکاران زن سازمان یافته در سال ۱۳۸۶، برابر با ۳۲٪ و در سال ۸۷ برابر با ۳۲,۴٪ می باشد که افزایش نسبی را در فاصله یکساله نشان می دهد.

نسبت زنان ورزشکار عضو تیم ملی در سال ۱۳۸۶ برابر با ۱۵,۵٪ و نسبت زنان شرکت کننده در اردوی تیم ملی در سال ۸۶ برابر با ۱۸,۸٪ می باشد.

نسبت زنان قهرمانان ورزشی مدال آور در سال ۱۳۸۷ برابر با ۲۹,۸٪ و نسبت مردان قهرمانان ورزشی مدال آور در سال ۱۳۸۷ برابر با ۷۰,۲٪ می باشد.

تعداد قهرمانان ورزشی بانوان در رشته های مختلف در سال ۱۳۷۶ برابر با ۲۹ نفر و در سال ۱۳۸۵ برابر با ۲۱۶ نفر می باشد که افزایش قابل ملاحظه ای را در خصوص زنان مدال آور نشان می دهد.



۷۱ درصد از افراد مورد مطالعه بر این باورند که میزان مشارکت دانش آموزان دختر در ورزش عمومی و همگانی بیشتر از گذشته شده است و ۶۷ درصد از افراد بر این باورند که میزان مشارکت دانشجویان دختر در ورزش عمومی و همگانی بیشتر و خیلی بیشتر از گذشته شده است.

۷۲ درصد از اساتید و نخبگان مورد مطالعه بر این باورند که کیفیت مکان‌های ورزشی ویژه زنان و دختران میزان مشارکت زنان در ورزش عمومی و همگانی بهتر و خیلی بهتر از گذشته شده است

۷۲ درصد از اساتید و نخبگان مورد مطالعه بر این باورند که کیفیت مکان‌های ورزشی ویژه زنان و دختران بهتر و خیلی بهتر از گذشته شده است و ۷۷ درصد از افراد مورد مطالعه در تحقیق بر این باورند که آمار و تعداد مکان‌های ورزشی ویژه زنان و دختران بیشتر و خیلی بیشتر از گذشته شده است که در این زیرشاخصها رشد قابل توجهی را نشان می دهد.

میزان اعتبارات معاونت امور ورزشی بانوان در سال ۱۳۷۳ برابر ۵۴۰,۰۰۰,۰۰۰ میلیون ریال و در سال ۱۳۸۳ برابر با ۵,۵۹۸,۰۰۰,۰۰۰ ریال می باشد که این میزان رشدی بالغ بر ده برابر را در مقایسه با سال ۱۳۷۳ نمایش می دهد.

در شرایطی که تعداد ورزشکاران تحت پوشش خدمات درمانی فدراسیون پزشکی- ورزشی در سال ۱۳۸۳ برابر با ۳۰,۷ درصد، در سال ۱۳۸۴ حدود ۳۱,۵ درصد، در سال ۱۳۸۵ حدود ۳۱,۶ درصد، و در سال ۱۳۸۶ برابر با ۳۱,۲ درصد می باشد که تغییر محسوسی را نشان نمی دهد.

از کل تعداد کارکنان سازمان تربیت بدنی (کادر اداری) در سال ۱۳۸۵، ۶۳۲ نفر زن و ۳۰۴۶ نفر مرد می باشد که نسبت ۱۷,۲ درصد را برای کارکنان زن و ۸۲,۸ درصد را برای مردان تشکیل می دهد.

از کل تعداد کارکنان ستاد سازمان تربیت بدنی در نیمه اول سال ۱۳۸۸، ۲۸۱ نفر زن و ۴۴۳ نفر مرد می باشد که نسبت ۳۸,۸ درصد را برای کارکنان زن و ۶۱,۲ درصد را برای مردان تشکیل می دهد.

تعداد اماکن دولتی ورزشی بانوان در سال ۱۳۷۵ با یک سیر صعودی بالا از ۱۲۲۶ به ۴۵۸۰ مورد در سال ۱۳۸۲ بالغ شده است. همچنین تعداد اماکن خصوصی ورزشی ویژه بانوان از ۲۱۹۶ مورد در سال ۱۳۷۵ با یک سیر صعودی بالا به ۳۹۱۹ مورد در سال ۱۳۸۲ رسیده است.

همچنین انجمن های ورزشی بانوان در سال ۱۳۷۶، ۲۶ مورد گزارش شده است که این رقم در سال ۸۲ به ۳۸ مورد افزایش یافته است.

نسبت داوران ورزشی زن کشور در سال ۱۳۸۴ برابر با ۳۳,۱ درصد و داوران مرد ۶۶,۹ درصد می باشد و تعداد داوران ورزشی زن کشور از ۴۴۹ نفر در سال ۱۳۶۵ با یک سیر صعودی بالا به ۷۲۷۴۸ نفر در سال ۱۳۸۷ بالغ شده است که رشد بیش از ۱۶۰ برابری را در این زمینه نشان می دهد.

از مجموع کل مربیان ورزشی کشور در سال ۱۳۸۴، ۳۸,۴ درصد را مربیان ورزشی زن و ۶۱,۶ درصد را مربیان ورزشی مرد تشکیل می دهند و تعداد مربیان ورزشی زن کشور از ۱۳۸۲ نفر در سال ۱۳۶۵ با یک سیر صعودی بالا به ۱۱۸۹۳۶ نفر در سال ۱۳۸۷ بالغ شده است که رشد بیش از ۸۰ برابری را در این زمینه نشان می دهد.

در شاخص پنجم «زنان و بهداشت» و زیرشاخصهای مربوط به این شاخص نتایج زیر حاصل گردید:

۸۸ درصد از افراد مورد مطالعه در جامعه آماری بر این باورند که میزان توجه به وضعیت بهداشت زنان و دختران خیلی بیشتر و خیلی بیشتر از گذشته شده است.

۸۹ درصد از نخبگان و اساتید دانشگاهی مورد مطالعه در تحقیق بر این باورند که وضعیت بهداشت زنان و

دختران بهتر و خیلی بهتر از گذشته شده است.

۸۷ درصد از افراد مورد مطالعه در پژوهش بر این باورند که وضعیت شاخص‌های سلامت زنان بهتر و خیلی بهتر از گذشته شده است و ۸۴ درصد از نخبگان و اساتید دانشگاهی مورد مطالعه در تحقیق بر این باورند که وضعیت شاخص‌های سلامت دختران بهتر و خیلی بهتر از گذشته شده است

در شرایطی که میزان امید به زندگی زنان در بدو تولد در سال ۱۳۳۵ برابر با ۳۹٫۸ سال، در سال ۱۳۴۵ برابر با ۴۸٫۲ و در سال ۱۳۵۵ برابر با ۵۶٫۲ سال بوده است، این میزان در سال ۱۳۶۵ برابر با ۶۳٫۵ سال، در سال ۱۳۷۵ برابر با ۶۹٫۸ سال و در سال ۱۳۸۵ برابر با ۷۳٫۱ سال می باشد که تفاوت قابل ملاحظه‌ای در امید به زندگی زنان، بین سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۸۵ را نشان می دهد.

در شرایطی که تعداد بیماران جذام زن در سال ۱۳۶۵ برابر با ۶۹ نفر و در سال ۱۳۷۵ برابر با ۵۹ نفر گزارش شده است، این میزان در سال ۱۳۸۵ به ۳۲ نفر و در سال ۱۳۸۷ به ۱۴ نفر کاهش یافته است.

در ایران ۷۰٫۴ زن حدود ۵٫۴ درصد و ۱۲۳۳۶ مرد حدود ۹۴٫۶ درصد، مبتلا به ایدز وجود دارند که ۳۸٪ زنان مبتلا در گروه سنی ۲۵ تا ۳۴ سال و نزدیک به ۲۰ درصد، گروه سنی زیر ۲۵ سال قرار دارند.

میزان زایمان‌های زیر نظر متخصص و افراد دوره دیده در کشورهای با توسعه انسانی بالا، ۹۷ درصد، در کشورهای با توسعه متوسط، ۶۸ درصد و در کشورهای با توسعه پایین، ۳۵ درصد بوده است. نسبت مزبور در ایران ۹۵ درصد می باشد.

نرخ مرگ و میر مادران در ایران از ۲۳۷ در صدهزار نفر در سال ۱۳۵۳ ه ۲۷ در صدهزار نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده است که کاهش قابل توجهی را نسبت به سالهای قبل نشان می دهد اما در مقایسه با کشورهای توسعه وضعیت مطلوبی نداشته و از بسیاری از کشورهای توسعه یافته بیشتر می باشد.

نسبت بهورزان زن شاغل در خانه‌های بهداشت در سال ۱۳۷۵، ۶۰٫۱ درصد می باشد که در سال ۱۳۸۴ به ۶۱٫۶ درصد رسیده است که تغییرات قابل ملاحظه‌ای را در خصوص نسبت بهورزان زن نشان نمی دهد

در شرایطی که نسبت متخصصین و فوق تخصص بیماری های زنان در سال های ۶۵-۵۵، ۱۶ درصد و در سال های ۷۵-۶۵ ۹۳ درصد می باشد، این میزان در سال های ۸۵-۷۵ حدود ۹۸ درصد رسیده است، که افزایش قابل ملاحظه ای را در خصوص نسبت متخصصان و فوق متخصصان بیماری های زنان را نشان می دهد.

در شرایطی که نسبت زنان فوق تخصص در سال های ۶۵-۵۵ و در سال های ۷۵-۶۵، ۹ درصد می باشد، این میزان در سال های ۸۵-۷۵، ۳۰ درصد رسیده است، که افزایش قابل ملاحظه ای را در خصوص نسبت فوق متخصصان زنان را نشان می دهد ولی کماکان در سال های ۸۵-۷۵ حدود ۷۰ درصد جمعیت مربوط به مردان فوق تخصص می باشد.

در شرایطی که نسبت زنان متخصص در سال های ۶۵-۵۵، ۱۵ درصد و در سال های ۷۵-۶۵، ۳۵ درصد می باشد این میزان در سال ۸۵-۷۵ به ۴۰ درصد رسیده است، که افزایش قابل ملاحظه ای را در خصوص نسبت فوق متخصصان زنان را نشان نمی دهد.

در شرایطی که نسبت آمار پزشکان عمومی زن دانشگاه های علوم پزشکی در سال های ۶۵-۵۵، ۲۵،۲ درصد و در سال های ۷۵-۶۵ ۲۹،۹ درصد می باشد، در سال های ۸۵-۷۵ به ۳۹،۵ درصد رسیده است که افزایش نسبی را در خصوص نسبت آمار پزشکان عمومی زن دانشگاه های علوم پزشکی در سال های ۶۵-۵۵،

۲۵،۲ درصد و در سال های ۷۵-۶۵ ۲۹،۹ درصد می باشد، در سال های ۸۵-۷۵ به ۳۹،۵ درصد رسیده است که افزایش نسبی را در خصوص نسبت آمار پزشکان عمومی زن دانشگاه های علوم پزشکی در سال های ۶۵-۵۵،

نسبت پزشکان و مقاطع دکتری زن شاغل در وزارت بهداشت و سازمان های وابسته در سال ۱۳۸۵ ۳۷ درصد و مردان ۶۳ درصد می باشد.



۶-۸- راهکارهای بهبود جایگاه زنان در خانواده و اجتماع

جدول ۱-۸: اولویت بندی استراتژی های «خانوادگی و اجتماعی زنان»

اولویت	استراتژی ها	کلان استراتژی ها	شاخص
اول	<ul style="list-style-type: none"> - برنامه ریزی دقیق برای تعیین الگوی مناسب زن ایرانی و معرفی به جامعه - انجام تحقیق و نیازسنجی جهت شناسایی موانع و مشکلات ساختاری تضعیف کننده نهاد خانواده 	تقویت نهاد خانواده و ارزش بخشیدن به آن	جایگاه زنان در خانواده
اول	<ul style="list-style-type: none"> - ارائه پیشنهاد مبنی بر تشکیل وزارت زنان و خانواده برای پیگیری و ریشه کن کردن عوامل تضعیف کننده نهاد خانواده در ایران. - ارائه پیشنهاد مبنی بر پرداخت حقوق ماهیانه به زنان خانه دار. 	اهمیت بخشی به نقش و جایگاه زنان در خانواده	
اول	<ul style="list-style-type: none"> - ترغیب دختران به ازدواج از طریق ایجاد انگیزه های اقتصادی. - ترویج فرهنگ ازدواج و نکوهش فرهنگ طلاق از طریق همکاری با صداوسیما. 	برنامه ریزی برای افزایش نرخ ازدواج و کاهش نرخ طلاق	
اول	<ul style="list-style-type: none"> - فراهم سازی شرایط برای اشتغال زنان سرپرست خانوار و بهبود شرایط شغلی شان. 	برنامه ریزی برای بهبود کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار	
اول	<ul style="list-style-type: none"> - ترویج فرهنگ اسلامی در خصوص رفتار شایسته با زنان و دختران در خانواده. - مقابله جدی با عوامل زمینه ساز خودکشی زنان و دختران. - تلاش و برنامه ریزی برای تعیین تکلیف مشخص مسئله سقط جنین. 	مقابله با آسیبهای خانوادگی زنان	آسیبهای خانوادگی زنان
اول	<ul style="list-style-type: none"> - مقابله جدی با عوامل زمینه ساز فرار دختران و زنان از خانه. - اقدام در جهت مهار پدیده دختران فراری. 	مقابله با مسئله فرار دختران و زنان از خانه	
اول	<ul style="list-style-type: none"> - برنامه ریزی برای بهره مندی زنان و دختران از امنیت فردی و اجتماعی. - شناسایی نوع و میزان جرایم شهری، مناطق یا اماکن جرم خیز و فضاهای بدون دفاع شهری. 	تأمین و تقویت امنیت اجتماعی زنان و دختران	آسیبهای اجتماعی زنان
اول	<ul style="list-style-type: none"> - اقدام در راستای حل معضل کودکان خیابانی در سطح شهر. - برنامه ریزی در جهت حذف مسئله تکدی گری زنان. 	مقابله جدی با معضل کودکان خیابانی و متکدیان زن	
اول	<ul style="list-style-type: none"> - ریشه یابی علل بروز و رشد جرائم زنان و دختران. - تلاش برای پالایش اماکن عمومی زندگی زنان از مجرمین و بزهکاران. - برنامه ریزی برای ریشه کنی سرچشمه های جرائم زنان در مناطق مختلف. 	رفع آسیب ها و ناهنجاری های اجتماعی زنان	

ادامه جدول ۸-۱: اولویت بندی استراتژی های «خانوادگی و اجتماعی زنان»

اولویت	استراتژی ها	کلان استراتژی ها	شاخص
سوم	<ul style="list-style-type: none"> - برنامه ریزی و ارائه مشاوره به سازمان تربیت بدنی برای افزایش و گسترش حضور زنان در ورزش عمومی. - برنامه ریزی و ارائه مشاوره برای افزایش حضور زنان در ورزش قهرمانی. 	<ul style="list-style-type: none"> توسعه مشارکت زنان در ورزش عمومی و ورزش قهرمانی 	زنان و ورزش
سوم	<ul style="list-style-type: none"> - برنامه ریزی و ارائه مشاوره برای توسعه فضاهای ورزشی زنان. - برنامه ریزی و ارائه مشاوره برای توسعه تسهیلات و اعتبارات ورزش زنان. 	<ul style="list-style-type: none"> گسترش و بهسازی فضاهای و اعتبارات ورزشی خاص زنان 	
سوم	<ul style="list-style-type: none"> - ارائه مشاوره برای مناسب سازی چارت سازمانی سازمان تربیت بدنی با توجه به زنان. - ارائه مشاوره و تلاش برای تربیت مربیان و داوران زن برای ورزشکاران زن. 	<ul style="list-style-type: none"> آموزش، کادرسازی و بهسازی کادر ورزش زنان 	
اول	<ul style="list-style-type: none"> - ارائه پیشنهاد و مشاوره به وزارت بهداشت مبنی بر توسعه زیرساختهای مورد نیاز بهداشت و درمان ویژه زنان. - ارائه پیشنهاد و مشاوره به وزارت بهداشت مبنی بر افزایش کیفیت موسسات بهداشتی ارائه کننده خدمات درمانی به زنان. - ارائه پیشنهاد، مشاوره و همکاری با وزارت بهداشت مبنی بر لزوم اطلاع رسانی مداوم و آگاهی بخشی به زنان پیرامون بهداشت فردی. 	<ul style="list-style-type: none"> بهسازی شاخصهای بهداشتی سلامت زنان 	زنان و بهداشت
اول	<ul style="list-style-type: none"> - ارائه پیشنهاد و مشاوره به وزارت بهداشت مبنی بر لزوم افزایش متخصصان و قوق تخصصان زن برای بیماران زن. - ارائه پیشنهاد و مشاوره به وزارت بهداشت مبنی بر لزوم افزایش پزشکان عمومی، پرستاران و بهورزان زن برای ارائه خدمات به بیماران زن. 	<ul style="list-style-type: none"> توسعه و گسترش کادر پزشکی و درمانی ویژه زنان 	



– فهرست منابع

- آبرکرامبی، نیکلاس؛ هیل، استفن؛ اس. ترنر، برایان. (۱۳۶۷). فرهنگ مآخذ و مراجع جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات چاپخش.
- آزاد ارمکی، تقی؛ غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۱). تبیین نگرش نسلی به زن در جامعه ایران. پژوهش زنان. شماره ۳.
- آزاد ارمکی، تقی؛ مهری بهار. (۱۳۷۷). بررسی مسائل اجتماعی. تهران: مؤسسه نشر جهاد وابسته به جهاد دانشگاهی. چاپ اول.
- آستین‌فشان، پروانه. (۱۳۸۰). بررسی روند تحولات سن ازدواج و عوامل اجتماعی - جمعیتی مؤثر بر آن طی سال‌های ۷۵-۱۳۵۵. کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه تهران.
- اردلان، علی؛ سیدان، فریبا و ... (۱۳۸۵). فرار زنان همسر دار از منزل: بررسی عوامل مؤثر اجتماعی - روانی. رفاه اجتماعی. سال پنجم. شماره ۲۱.
- اسدخانی، فریبا. (۱۳۷۸). بررسی رابطه بین میزان رضایت از زندگی زناشویی و نقش جنسیتی در زنان شاغل متأهل شهر تهران. با همکاری کمیسیون بانوان استان تهران.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۰). خشونت خانوادگی، زنان کتک‌خورده. تهران: نشر سالی.
- اکبری، ابولقاسم. (۱۳۸۱). مشکلات نوجوانی و جوانی. تهران: نشر ساوالان.
- اعتیاد و قاچاق مواد مخدر، جلد دوم. (بهار ۱۳۸۳)، انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران: آگه، چاپ اول.
- اعتیاد و قاچاق مواد مخدر، (بهار ۱۳۸۳)، انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران: آگه، چاپ اول.
- امینی، زهرا. (۱۳۸۶). بررسی باز تولید نابرابری‌های جنسیتی و جامعه‌پذیری دختران (با تأکید بر نقش خانواده). کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی تهران واحد علوم تحقیقات.

- بگرضایی، پرویز. (۱۳۸۲). بررسی عوامل مؤثر بر میزان خشونت مردان نسبت به زنان در خانواده (مطالعه موردی: شهرستان ایلام). کارشناسی ارشد. مطالعات زنان. دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه علامه طباطبایی.
- بهنود، مهسان. (۱۳۸۲). بررسی عوامل مؤثر بر نوع روابط همسران در خانواده (مورد: شهر تهران). کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه علامه طباطبایی.
- پورافکاری، نصرالله. (۱۳۷۶). فرهنگ جامع روان‌شناسی-روان‌پزشکی. جلد ۱ و ۲. تهران: فرهنگ معاصر.
- پیران، پرویز. (۱۳۸۳). مردسالاری و بهداشت باروری زنان. رفاه اجتماعی. سال سوم. شماره ۱۳.
- تقوی، نعمت‌الله. (۱۳۷۸). مبانی جمعیت‌شناسی. تبریز: نشر جامعه پژوه و نشر دانیال. چاپ پنجم.
- داداش، زهرا؛ ثنایی ذاکر، باقر. تأثیر بازسازی خانواده در کیفیت رابطه مادر-دختر. تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره. جلد ۴. شماره ۱۲.
- دهنوی، جلیل؛ معیدفر، سعید. (۱۳۸۴). بررسی رابطه احساس نابرابری جنسیتی و انگیزه تحرک اجتماعی در دختران دانشجو. فصلنامه مطالعات زنان. سال ۳. شماره ۷.
- رحیمی موقر، آفرین. (۱۳۸۳). شیوع و الگوهای مصرف مواد و اعتیاد زنان در ایران. رفاه اجتماعی. سال سوم. شماره ۱۲.
- رستم‌خانی، معصومه. (۱۳۸۱). بررسی تأثیر نقش والدین در فرار دختران. تهران: ارائه شده در اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران.
- زن و ورزش (۲) مجموعه مقالات. (۱۳۷۳). تهیه و تنظیم: معاونت ورزشی بانوان کشور. ناشر: دفتر تحقیقات و آموزش سازمان تربیت بدنی. چاپ اول.
- جزنی، نسرین. (۱۳۸۳). ارزش کار خانگی. دانشگاه شهید بهشتی.
- حاجیان مطلق، محمود. (۱۳۸۳). روسپگیری، کودکان خیابانی و تکدی. جلد پنجم. تهران: آگه.

حافظ شهرباف، راضیه. (۱۳۷۹). مقایسه ویژگی‌های شخصیتی زنان متأهل شاغل و خانه‌دار شهرستان مشهد و ارتباط این ویژگی‌ها با رضامندی زناشویی. کارشناسی ارشد. روان‌شناسی تربیتی. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی. دانشگاه الزهراء (س).

حبیب‌پور گنابی، کرم. (۸۶-۱۳۸۵). بررسی آثار و علل بالا رفتن سن ازدواج دختران و پیامدهای مجرد قطعی برای آنان. مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری.

حجازی، الهه؛ فرتاش، سهیلا. (۱۳۸۵). تفاوت‌های جنسیتی در سبک‌های هویت، تعهد هویت و کیفیت دوستی. پژوهش زنان. دوره چهارم، شماره ۳.

حسین خونساری، سمیه. (۱۳۸۰). بررسی و مقایسه رضامندی زناشویی بین دبیران زن شاغل نیمه‌وقت و تمام‌وقت. کارشناسی ارشد. راهنمایی و مشاوره. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه الزهراء (س).

حقیقت‌دوست، زهرا. (۱۳۸۳). عوامل زمینه‌ساز فرار دختران از خانه. رفاه اجتماعی. سال سوم. شماره ۱۳. خاقانی‌فرد، میترا. (۱۳۸۲). بررسی رابطه همسرآزاری با تمایل به افکار خودکشی و آسیب‌رساندن به همسر در زنان مورد خشونت قرارگرفته در شهر تهران. کارشناسی ارشد. مطالعات زنان. دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی. دانشگاه الزهراء (س).

خطیب‌زاده، لیلا. (۱۳۸۰). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان رعایت هنجارهای سنتی ازدواج (با تکیه بر جامعه زنان). کارشناسی ارشد. پژوهش علوم اجتماعی. دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد. دانشگاه الزهراء (س). خوش‌کام، سیمین. (۱۳۸۲). بررسی رابطه میان شیوه‌های مقابله با استرس و رضایت‌مندی زناشویی و مقایسه آن در زنان متأهل شاغل و خانه‌دار شهر اصفهان. کارشناسی ارشد. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه الزهراء (س).

خراطها، سعید. (۱۳۸۳). روسپگیری، کودکان خیابانی و تکدی. جلد پنجم. تهران: آگه.

- خلاصه مقالات کنگره سراسری زن و سلامت ، ۳۰-۲۹ خرداد ۱۳۸۱ ، ارومیه. ناشر: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی شاهد و ایثارگران دانشگاه علوم پزشکی ارومیه.
- خسروی، زهره؛ خاقانی فرد، میترا. (۱۳۸۶). بررسی عوامل مرتبط با سلامت روان زنان شاغل در بخش‌های مدیریتی، کارشناسی، و خدماتی مراکز غیر دولتی شهر تهران. مطالعات زنان. سال ۵. شماره ۱.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۶). پژوهشی در شناخت طلاق و واقعیت و عوامل آن. انتشارات دانشگاه تهران.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی خانواده. تهران: انتشارات سروش.
- ستوده، هدایت الله. (۱۳۷۶). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات). تهران: انتشارات آوای نور.
- رابینگتن، ارل؛ واینبرگ، مارتین. (۱۳۸۲). رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی. ترجمه رحمت الله صدیق سروستانی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شفیعی‌نیا، اعظم. (۱۳۸۱). بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های حل تعارضات زناشویی بر بهبود روابط متقابل زن و شوهر. کارشناسی ارشد. رشته مشاوره و راهنمایی. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی. دانشگاه الزهراء (س).
- شیردل، ملیحه. (۱۳۸۶). عوامل گرایش زنان و مردان متأهل به رابطه نامشروع جنسی. رفاه اجتماعی. سال ششم. شماره ۲۲.
- کامکار، مهدیس؛ بتول جباریان، مجتبی فتاحی. (۱۳۸۳). روسپگیری، کودکان خیابانی و تکدی. جلد پنجم. تهران: آگه.
- کبیرنتاج، فاطمه. (۱۳۸۱). زن در گذر از خانواده سنتی به مدرن. کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

- کدیور، پروین؛ زاهدی، فریبا. (۱۳۸۶). سبک‌های مقابله با بحران و اقدام به خودکشی در دختران دانشجوی. رفاه اجتماعی. سال ششم. شماره ۲۵.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- فریبا موسوی، فریبا؛ سجادی، حمیرا و ... (۱۳۸۶). برخی عوامل خانوادگی مرتبط با اقدام به خودکشی. رفاه اجتماعی. شماره ۲۷.
- قمری گیوی، حسین. (۱۳۸۶). بررسی علل انحلال خانواده و تأثیرات آن بر اعضاء. مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری.
- ماریبی، محسن. (۱۳۸۴). بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر خشونت علیه زنان در شهرستان کامیاران. کارشناسی ارشد. مددکاری اجتماعی. دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه علامه طباطبایی.
- معیدفر، سعید؛ حمیدی، نفیسه. (۱۳۸۶). زنان سرپرست خانوار: نگفته‌ها و آسیب‌های اجتماعی. نامه علوم اجتماعی. شماره ۳۲.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی پزشکی. تهران: کتابخانه‌طهوری. چاپ پنجم.
- محمدی، زهرا. (۱۳۸۳). بررسی آسیب‌های اجتماعی زنان در دهه (۸۰-۱۳۷۰). تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان.
- موسوی، اشرف السادات. (۱۳۸۲). مطالعه کیفی - کمی بر روی موانع ازدواج و عوامل تهدید کننده آن. معاونت پژوهشی. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- موحد، مجید؛ عنایت، حلیمه و ... (۱۳۸۴). عوامل اقتصادی اجتماعی مؤثر بر نگرش زنان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی. پژوهش زنان. دوره ۳. شماره ۲.
- میرزاحمدی، مومن. (۱۳۸۳). بررسی عوامل مؤثر بر اعتماد به همسر در بین زنان (با تأکید بر عوامل درون خانواده). کارشناسی ارشد. پژوهش علوم اجتماعی. دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی. دانشگاه الزهرا (س).

نازپرور، بشیر. (۱۳۸۱). همسر آزاری. پژوهش زنان. شماره ۳.

نان‌بخش، حسن. (۱۳۸۲). مشارکت داوطلبان زنان: تجربه موفق رابطین بهداشت. پژوهش زنان. دوره ۱.

شماره ۶.

واعظ موسوی، محمدکاظم؛ مختاری، پونه. (بی‌تا). سی پرسش و سی پاسخ پیرامون ورزش زنان. شهرداری

تهران.

وثوقی، منصور؛ علی اکبر نیک‌خلق. (۱۳۶۷). مبانی جامعه‌شناسی. تهران: خردمند.

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، معاونت امور بهداشتی. (۱۳۷۵). مجموعه آموزشی رابطین

بهداشت، کتاب مقدماتی راهنمای فعالیت رابطین.